

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۴۱، آدینه اول آذر ۱۳۹۲ - ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * نامه مادر شهید مصطفی کریم بیگی که در ۶ دی ۱۳۸۸ (عاشورا) به شهادت رسید...ص ۲
- * وقاحت شیادانه در دو راهی نرمش قهرمانانه و مانور هنرمندانه - مهدی سامع...ص ۳
- * خیالبافیهای باند حاکم و "ماموریت" به روحانی برای تحقق آن - منصور امان...ص ۵
- * اصلاح یا تغییر قانون کار، با چه هدفی - زینت میرهاشمی...ص ۹
- * درگذشت مجاهد خلق رضا ستوده مرام درآلبانی...ص ۱۱
- * سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۰) - لیلا جدیدی...ص ۱۲
- * توافق به مخفی کاری بر سر جام زهر اتمی - جعفر پویه...ص ۱۹
- * مذاکره و سازش با امپریالیسم و همزمان اعلام جنگ به زحمتکشان - شهره صابری...ص ۲۸
- * چالشهای معلمان در آبان ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۹
- * چرا دانشگاه آزاد برای جمهوری اسلامی مهم است؟ - مجید شمس...ص ۳۳
- * زنان در مسیر رهایی...ص ۳۸
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آبان - زینت میرهاشمی...ص ۴۳
- * رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۵۱
- * همراه با مردم کردستان و زندانیان سیاسی، علیه مجازات اعدام - زینت میرهاشمی...ص ۵۶
- * ممانعت سیستماتیک نخست وزیری عراق از انتقال بیماران لیبرتی به بیمارستان...ص ۵۸
- * شهدای فدایی در آبان ماه...ص ۵۸
- * فراسوی خبرها...ص ۵۹
- * انتشارات تصویری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران...ص ۶۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

نامه مادر شهید مصطفی کریم بیگی، شهید قیام ۶ دی ۱۳۸۸ (عاشورا)



پسرم مصطفی

سلام

از حالت نمی پرسم که بی خبر گذاشتنمان از احوالت بدترین تنبیه برای هر اندک وجدانی است که این روزها به خواب رفته و فداکاریها و آزادگیهای آزاد مردان و زنانی چون تو را فراموش کرده است.
از حالت نمی پرسم، شاید دنیای دیگر، دنیای زیباتری باشد که هر کس به آن رفته هرگز برنگشته است.
از حال ما هم نپرس پسرم حال ما خوب است، اما می دانم که باور نمی کنی.

باور نمی کنی که این همه درد و غربت و شکست و سکوت در کشور خودش، روز و شبها مان را یکی کرده است. تو در دو متر زیر خاک و تنهایی و ما در خواب عمیقی که فرو بردندمان تنهای تنها به شکنجه ای به نام نفس گرفتاریم.

پسرم

بگذار هزار بار خیال کنند که عدالت ظالم پسندشان زیر بالشتهاشان در امان است ... یک دعای خیر تو، از آسمان هر چه پلیدی است خواهد شکست و خوابهاشان را در هم خواهد ریخت.

ما به تو نیاز داریم که جوانه های نرویده ی فردای میهمان با افتخار نام تو و دیگر بزرگوارانی چون تو را به سبزی یاد کنند و از سینه خاک به درآیند تا آفتاب دوباره به ما بتابد

و ما باز "ایرانی" شویم

ایران آبادمان را با آزادی جوانان سربلندی چون تو آرزومندیم

شهناز کریم بیگی

عاشورای سال ۹۲

وقاحت شیادانه در دو راهی نرمش قهرمانانه و مانور هنرمندانه

مهدی سامع

مقام معظم در سخنرانی برای بسیجیان در ادامه سیاست یکی به نعل و یکی به میخ، «نرمش قهرمانانه» را «مانور هنرمندانه» برای رسیدن به «هدف» توصیف کرد و هرگونه توضیح و تفسیر دیگر را مردود اعلام کرد. ولی فقیه اما در همین سخنرانی با تاکید بر عدم دخالت در جزئیات مذاکرات، از تیم مذاکره کننده با تاکید بر این که «خطوط قرمز باید رعایت شود» و حتی «یک قدم عقب نشینی نشود»، حمایت کرد. در مورد چند و چون «خطوط قرمز» البته خامنه ای حرفی نزد و لابد آن را به جزئیات مذاکرات موکول کرد. این سخنان را خامنه ای در روز چهارشنبه ۲۹ آبان، همان روزی که سومین دور مذاکرات در ژنو آغاز شد بیان کرد و در همین سخنرانی با شدت کم سابقه و البته با کاربرد کلماتی سخیف مانند؛ «دهان نحس نجس سگ هار منطقه» به مزدورانی که برای آنان حرف می زد، دلداری داد. واقعیت این است که خط قرمز خامنه ای تا کنون «دستیابی به توانایی برای ساخت بمب اتمی» بوده است. در این مورد طی ده سال گذشته به وفور دلیل و مدرک ارایه شده است. واقعیت دیگر این است که خامنه ای در دوران ۸ ساله احمدی نژاد نتوانست به این توانایی دست یابد. قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریمهای متوالی و مهمتر از همه نتایج قیامهای سال ۱۳۸۸ و پایان سال ۱۳۸۹، خامنه ای را در مسیر شکست پروژه «ریل گذاری جدید در ولایت» قرار داد. قرار گرفتن خامنه ای در این مسیر او را مجبور به تن دادن به روحانی به عنوان کاندیدای جریانی که به دنبال «مشروط» کردن ولایت فقیه هستند، نمود. اینها هم واقعیتهای قابل محاسبه هستند که در مقابل خط قرمز خامنه ای صف آرایی کرده و بنابراین مساله نوشیدن «جام زهر» و عقب نشینی یک امکان و احتمال جدی است. اما سوال اساسی این است که با کدام عقب نشینی و از طریق کدام بده و بستان این نتیجه به دست می آید که ولی فقیه در مساله اتمی، حداقل برای مدتی عقب نشینی کرده است. دقیق ترین و گویا ترین پاسخ به این سوال را از خلال تعیین خط قرمز ۶ کشور طرف مذاکره می توان به دست آورد. عباس عراقچی در روز پنجشنبه ۳۰ آبان خط قرمز ۶ کشور طرف مذاکره را با بهترین و کوتاه ترین کلمات بیان کرد. او گفت: «هر ظرفیتی که منجر به ساخت سلاح هسته ای شود» خط قرمز طرف مقابل در مذاکرات است.

با آگاهی به همین خط قرمز جدی و حیاتی است که کارگزاران رژیم به فتوای مقام معظم بر نفی سلاح اتمی تاکید می کنند. البته این فتوا می تواند در ردیف «مانور هنرمندانه» در مقابل «نرمش قهرمانانه» باشد و یا برای این که «تاسیه نشه بازی نشه» نوعی «وقاحت شیادانه» تلقی شود. کاربرد این فتوای مزورانه در گذشته هرچه که بوده است، اکنون می تواند در خدمت «نرمش قهرمانانه» قرار گیرد به ویژه آن که عباس عراقچی پس از تعیین خط قرمز ۶ کشور می گوید: «غنی سازی اورانیوم در خاک ایران چیزی نیست که برای قدرتهای جهان خط قرمز محسوب شود». بنابراین اگر خامنه ای فعلاً در حدی عقب نشینی کند که ظرفیت رژیم برای «ساخت سلاح هسته ای» مهار شود، ۶ کشور غربی هم موضوع غنی سازی را در حدی که به این «ظرفیت» منجر نشود خواهند پذیرفت و در این صورت با توسل به کاربرد «وقاحت شیادانه» ولی فقیه می تواند این معامله را «بُرد - بُرد» معرفی کند و کارگزاران ولایت خامنه ای هم با جار و جنجال از این که مقام معظم یک ذره هم عقب نشینی نکرده بر شیپور دروغ بدمند.

برای همین منظور است که علی لاریجانی، در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی مجلس ارتجاع در روز چهارشنبه ۲۹ آبان به طرفهای خارجی پیام داد که رژیم ایران «همه حقوق صلح آمیز هسته ای را بدون هیچ کم و کاستی پیگیر است و از طرفی تضمین روشن می دهد که به سوی سلاح هسته ای نمی رود».

کیهان شریعتمداری در سرمقاله روز چهارشنبه ۲۹ آبان نوشت: «مطابق گزارش هفته گذشته آژانس، [رژیم ایران] برخی از پیشنهادات ۱+۵ در نشست ژنو ۲ را پیشاپیش و از سه ماه قبل به اجرا درآورده است و بسیاری از فعالیتهای هسته ای کشورمان را متوقف کرده و یا در سطح نزدیک به توقف نگاه داشته که این از جمله مواردی بود که حریف در مذاکرات ژنو ۲ انجام آن را به ایران پیشنهاد کرده بود. از این روی باید گفت که ایران بخش قابل توجهی از امتیازات مورد نظر ۱+۵ را پیشاپیش به نفع حریف تامین کرده است و اکنون نوبت ۱+۵ است تا در مقابل امتیازاتی که از کشورمان گرفته است، امتیاز بدهد.».

تا پایان روز پنجشنبه ۳۰ آبان هیچ علامت روشنی مبنی بر معامله و یا ادامه مجادله نشان داده نشده است. اما بدون تردید خامنه ای اگر مسیر راه را در محور معامله تعیین کرده باشد، این راهبرد کلان و محوری او نخواهد بود و او تلاش خواهد کرد تا با خرید زمان از طریق دریافت امتیازاتی در زمینه شل شدن برخی از تحریمها، در فرصت مناسب به مسیر اصلی بازگردد. در سیاستهای کلان خامنه ای و به منظور تامین و تضمین امنیت ولایت اش، کسب هژمونی در خاورمیانه نقش تعیین کننده دارد. این را بارها گفته اند که «عمق استراتژیک نظام» در عراق و لبنان و سوریه و... است. بدون داشتن ظرفیت «ساخت سلاح هسته ای» چنین امری اگر محال نباشد، بسیار بعید به نظر می رسد. به ویژه آن که حساب جدی و میان مدت روی دولت مالکی در عراق و بشار در سوریه نمی تواند عاقلانه باشد. بنابراین عقب نشینی خامنه ای هرچند محدود و موقت، خسرانهای جدی برای امنیت ولایت خواهد داشت. البته حسن روحانی می تواند مدعی شود که مذاکره پذیری رژیم به خاطر تحریمها نبوده و حتی به طور موقت در جلد محمود احمدی نژاد رفته و مدعی شود که قطعنامه ها فقط کاغذ پاره های شورای امنیت بوده و که فقط برای مسئولان نظافت این شورا درد سر ایجاد کرده و قطعنامه دادن کشورهای طرف مذاکره پاره پاره شده و.....

اما واقعیتهای سرسختی وجود دارد که بخش ناچیزی از آن در جریان مناظره سوم در جدال انتخاباتی از پرده برون افتاد. از این واقعیتهای سرسخت البته نمی توان به طور قطعی نتیجه گرفت که خامنه ای تن به عقب نشینی خواهد داد. تا چند روز دیگر صحنه روشن تر خواهد شد.

اما چه خامنه ای با نرمش قهرمانانه عقب نشینی کند و چه با مانور هنرمندانه موش و گربه بازی را ادامه دهد، چه به ظرفیت ساخت سلاح اتمی دست پیدا کند و چه نتواند به این هدف برسد، سرنوشت ولایت اش نه در ژنو که در خاک ایران ویران شده و به دست زنان و مردان آزادیخواه رقم خواهد خورد. وقاحت شیادانه مقام معظم در انتخاب هریک از این دو راه، فقط به افزایش خشم و نفرت مردم از نظام ولایت فقیه منجر خواهد شد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

خیالبافیهای باند حاکم و "ماموریت" به روحانی برای تحقق آن

منصور امان

آیا سخنان اخیر رهبر جمهوری اسلامی که در آن از مذاکره کنندگان با طرفهای خارجی پشتیبانی کرد و از "سازشکار" نامیدن آنها پرهیز داد، یک تغییر سیاست است؟ طیف میانه در صحنه سیاسی جمهور اسلامی و نیز محافلی در داخل و خارج که از خوشبینی سرمایه می سازند، به این پرسش جواب مثبت می دهند. آنها می گویند از سخنرانی ۱۲ آبان آقای خامنه ای دریافتند که وی به تدریج شروع به درک اهمیت مذاکرات کنونی کرده و فراتر از آن، افراطیها و تندروها را با این سخنان مجبور به خاموش شدن کرده است. آنچه که در سخنرانی مورد استناد این دسته با کمال میل نادیده گرفته می شود، خط قرمزی است که آقای خامنه ای برای نخستین بار به گونه علنی پیرامون مذاکرات اخیر ترسیم کرد. او تاکید کرد: "مذاکرات با شش کشور که آمریکا نیز جزو آنهاست، فقط در باره مساله هسته ای است و لاغیر."

حتی پیش از آنکه آقای خامنه ای لازم ببیند سیاست خود در برابر چالش خارجی را آشکارا در برابر دید همگان بگذارد، ابواب جمعی او با پرتاب لنگه کفش به سوی حُجّت الاسلام روحانی و احضار وزیر خارجه اش به مجلس برای ندامت گیری، وجود چنین خط قرمزی را برملا ساخته و مُرتکبان گذر از آن را کیفر داده بودند. آنها گفتگوی تلفنی آقای روحانی با آقای اوباما و دیدار دوجانبه آقای ظریف با همتای آمریکایی اش را به مثابه "خطا" و انحرافات از سیاست رسمی معرفی کردند.

دو گانه سیاست خارجی

بنابراین سخنان آقای خامنه ای فقط سیاستی را علنی می کرد که پیش از آن فقط به گونه ضمنی و غیر رسمی ثبت شده بود. باند ولی فقیه بحران مناسبات بین المللی خود را به دو بخش پرونده هسته ای و مُخاصمه با آمریکا تفکیک کرده است و در حالی که مذاکره و تلاش برای کاستن از تنش هسته ای را به سود خود می داند، اقدام برای بهبود یا پایان دادن به روابط تیره با واشنگتن را به مصلحت خویش نمی بیند.

تا آنجا که به ته کشیدن ذخایر سیاسی و اقتصادی "نظام" برای ادامه تداوم سیاست "بی دنده و ترمز" هسته ای و خواست رها شدن از کمند تنگ تحریمهای بین المللی برمی گردد، این یک ارزیابی جدید بدانگونه که مدافعان تغییر حال آقای خامنه ای را غافلگیر کرده و از چشمشان دور مانده باشد، نیست. مشاهده پذیرترین نشانه از تغییر این سیاست و عقب نشینی "رهبر" از آن را در نمایش انتخابات ریاست جمهوری می شد مشاهده کرد؛ جایکه وی حاضر به واگذاری منصب ریاست جمهوری شد و از سیاست یکپارچه و انحصاری کردن قدرت به سود خود، چند گام پس کشید.

فاکتور اساسی در "نرمش" انتخاباتی ولی فقیه، فشار سختی بود که تنگنای بحران هسته ای وارد می آورد و در عمل ادامه ی زیست در آن را ناممکن می ساخت. تحریمهای بین المللی به گونه موثری "نظام" را از منابع مالی تغذیه سیاست مزبور محروم کرده و مهار سررشته های تنظیم اقتصاد داخلی را از کف آن بیرون کشیده است.

آقای خامنه ای و همدستانش در پایان مُسابقه انگاره های خوش خیالانه ای مثل نفت بشکه ای ۲۰۰ یا حتی ۲۵۰ دلاری و رجزخوانیهای ریشخند آمیزی همچون "ضدضربه شدن" (خامنه ای) و "کاغذپاره" (احمدی نژاد) با "نفت خام ۸۰ دلاری و رُب گوجه ۲۵۰ دلاری" (عباس رجایی، رییس کمیسیون کشاورزی مجلس مُلاها) روبرو شده اند.

آثار شکست این سیاست در "بالا" به صورت تضعیف موقعیت "رهبر"، ژرف تر شدن شکافهای درونی، تلاشی باند قدرت و تحرک دوباره باند اخراج شده از "خیمه" پدیدار و مادی می شد. در "پایین" نیز فشار اقتصادی در ترکیب با نارضایتی اکثریت جامعه از استبداد دینی و آتش زیر خاکستر جُنُبش اعتراضی، بُشکه باروتی را زیر پای حکومت کاشته بود که در انتظار جرقه بسر می برد. این پیش زمینه ها بیش از دو گزینه برای عرضه به باند حاکم نداشت؛ یا می بایست سیاست

تنش زای خارجی خود را جلو ببرد و ریسک جنگ را نیز به تاوانهای آن بیافزاید و همزمان، طغیان جامعه را به جان بخرد و یا آنکه با مرکب دیگری مسیر را برود.

عقب نشینی تاکتیکی

باند حاکم راه حل دُوم را انتخاب کرده؛ ادامه استراتژی با وسایل دیگر! در این چارچوب، مذاکره هسته ای ابزاری برای تامین پیش شرطهای سیاست پیشین است که به سد تحریمهای فلج کننده برخورد کرده است. بنابراین، دستور کار مُقدم آقای خامنه ای و شرکا رهایی یافتن از مُجازاتهای اقتصادی کُنونی و جلوگیری از وضع تحریمهای بیشتر و سخت تر است. چشم اندازی که ایالات مُتحد از گامهای بعدی مُجازاتها ترسیم کرده، جای خیالپردازی اندکی برای آنها باقی گذاشته است. کنگره این کشور در مُرداد ماه اعلام کرد که طرحی را برای تشدید تحریمهای علیه رژیم مُلاها تهیه کرده که قطع باقی مانده صادرات نفتی آن و جلوگیری کامل از دسترسی به بازارهای جهانی را هدف گرفته است.

همچنان که می توان مشاهده کرد، آقای خامنه ای - آنگونه که لابیهای خارجی و داخلی توضیح می دهند - "به تدریج" خواب نما نشده، بلکه با مُحاسبه مُشخص سود و زیان، جامه عوض کرده و وارد پروسه مذاکره شده است. با این حال، درک و نتیجه گیری باند حاکم از شرایط دُشوار خویش، به گونه خودکار مُترادف تغییر استراتژی و کنار گذاشتن مولفه های تولید قُدرت و بقا نیست. از این رو، تغییر رویکرد آن در برابر بُحران خارجی، نه یک چرخش در سیاست، بلکه تغییر در روش و این بار عقب نشینی تاکتیکی است.

براساس مُحاسبات آقای خامنه ای، این یک بازی بُرد - بُرد برای او خواهد بود. بدین شکل که در صورت موفقیت مذاکرات و توقّف و تخفیف تحریمها، او و همدستانش موقعیت خویش در دستگاه قُدرت را به کُمک اهرمهای سیاسی و اقتصادی که در دست دارند و با رفع تحریمها صیقل خواهد خورد، بازسازی می کنند. موقعیت مزبور همچنین از آنجا که نگرانی در مورد شرایط انفجاری جامعه را برطرف کرده و واکنشهای آن را پیش بینی پذیر می سازد، مسیر تجدید سازمان قُدرت و کنار زدن رُقبا را هموار خواهد ساخت.

هر گاه احتمال دُوم، شکست مذاکرات، به واقعیت بپیوندد، باند ولایت فقیه به گمان خویش در این حالت نیز منافع رزرو شده ای خواهد داشت. بدین معنا که در این پروسه توانسته است تصویر همگانی از خود در جامعه که آن را ماجراجو، جنگ طلب و نابخرد نشان می دهد را با نقش و نگاری مُذاکره خواه و آشتی جو عوض کند. سپس، سیاست میلیتاریستی و بُحران آفرین خود را یک اجبار و تدبیری بدون گزینه جلوه دهد و بردن کشور به انزوای تهدید زا را امری تحمیلی و خواست "استکبار" معرفی کند.

از سوی دیگر، ناکامی مذاکرات، شکست اصلی ترین پروژه باند رقیب خواهد بود. آنها باند ولی فقیه را مسوول تشدید تنشهای خارجی، افزایش تحریمها و فروپاشی اقتصادی معرفی می کنند و از این زاویه، آن را که در موضع ضعف قرار دارد، مورد تهاجم قرار می دهند و از نظر سیاسی به عقب رانده اند. آنها برای حل مُشکلاتی که برمی شمارند، همه تَخم مُرغهای خود را در سبد موفقیت کاهش بُحران خارجی گذاشته اند و بدین سبب بازگشت از پُشت میز مذاکره با دست خالی، به مفهوم خلع سلاح شدن شان از نظر سیاسی است.

هیچکس بهتر از آقای خامنه ای این انگاشت را در سُخنرانی یاد شده شرح نداده است. او می گوید: "باذن الله از این مذاکرات ضرری نمی کنیم، بلکه تجربه ای در اختیار ملت قرار می گیرد مثل تجربه تعلیق موقت غنی سازی در سالهای ۸۲ و ۸۳، ظرفیت فکری و تحلیلی مردم را بالا می برد ... اگر اینکار را نمی کردیم، مُمكن برخی مُدعی شوند که اگر یکبار

عقب نشینی می کردید، مشکلات حل و پرونده هسته ای عادی می شد، اما با تجربه تعلیق موقت همه درک کردند که طرفهای ما دنبال اهداف دیگری هستند، لذا کار و پیشرفت را مجدداً شروع کردیم."

ضرورت دشمنی با آمریکا

ناگفته پیداست که سیاست مزبور و تابلوهای آن تا چه اندازه با واقعیت بیگانه است و مرزهای خرد و کردار عقلانی را در چه فاصله های بعیدی پشت سر می گذارد. تمام حساب باند حاکم در این سیاست، روی سراب جدا سازی مساله هسته ای از سیاست خارجی میلیتاریستی و مداخله گرایانه خود و در مرکز آن دشمنی با آمریکا بنا شده است؛ چرا که حفظ مناسبات جنگ سردی با کاخ سفید برای "نظام" یک ضرورت استراتژیک به شمار می آید و پایه بقای بخشهای گوناگون قدرت در ساختار آن را تشکیل می دهد. "نظام" از یکسو برای جذب و بسیج ایدیولوژیک نیروهای خود در داخل و تغذیه بنیادگرایی اسلامی در خارج، به این دشمنی نیاز دارد و از سوی دیگر، از بهانه مزبور که یک پایه اصلی استبداد سیاسی و سرکوب جامعه و پیگرد خونین مخالفان و منتقدان به حساب می آید، نمی تواند چشم بپوشد. اختیارات فوق العاده رژیم ولایت فقیه برای سلب حقوق پایه ای جامعه و انحصار قدرت و ثروت، به شرایط فوق العاده ای نیاز دارد که جنگ بی پایان با آمریکا و "دشمنان خارجی" محمل آن را ارایه می کند.

در همین حال، عادی سازی رابطه با آمریکا که برای رژیم ولایت فقیه به مفهوم آغاز قرار گرفتن تدریجی در چارچوب نظم سیاسی و اقتصادی منطقه ای - بین المللی است، سرچشمه تحولاتی در ساختار سیاسی و نظم اقتصادی آن خواهد بود که با موجودیت عقب مانده نظام ولایت فقهی ناسازگار و برای منافع دستگاه انحصار قدرت، زیانبخش و مخرب است. اینها اصلی ترین دلایلی است که پافشاری دایمی رهبران جمهوری اسلامی بر وجود یک "دشمن خارجی" که در حال دسیسه چینی، جاسوسی، خرابکاری و جز آن برای "براندازی" است و پشت هر بوته گیاهی و موجود انسانی کمین کرده را توضیح می دهد. ممکن است مشخصه های این سیاست به پارانویا هم شانه بساید، اما تردید نباید داشت که در انتها یک محاسبه ناب سیاسی انگیزه طرح آن را تشکیل می دهد.

در توهم جنگ سرد منطقه ای

با این حال به نظر نمی رسد روی زمین خاکی بتوان دیواری بین بحران هسته ای و بحران در مناسبات خارجی کشید، بیش از همه به این دلیل که بحران اولی، بخشی از بحران اصلی و در حقیقت زایده آن است و نه موضوعی مستقل! تلاش در جهت دستیابی به جنگ افزار هسته ای، یک داده منطقی از سیاست کلی تری است که تنش در مناسبات خارجی "نظام" را هدایت می کند و از اجزای گوناگونی تشکیل شده که از مداخله گری و نفوذ مخرب و فرقه ای در عراق و لبنان تا تغذیه مالی و لجستیکی گروه های تروریستی بنیاد گرا و از تحریک و بحران سازی دوره ای در رابطه با اسرائیل، مصر، عربستان، یمن، آذربایجان و جز آن تا جهتگیری میلیتاریستی در سیاست منطقه ای و تروریسم دولتی به عنوان مکمل آن را در بر می گیرد. به بیان دیگر، داشتن بمب اتمی یا توانایی بالقوه ساخت آن فقط در کادر استراتژی ایجاد بحران خارجی و تولید اقتدار (تضمین امنیتی بقا) از این طریق توجیه پذیر است.

مشکل اصلی طرفهای خارجی رژیم مَلاها نیز دقیقاً همین استراتژی است. آنها خواهان دست کشیدن رژیم مَلاها از تلاش برای تبدیل گردیدن به بازیگر مهم منطقه ای به وسیله ماجراجویی سیاسی، صدور تروریسم و بنیادگرایی و مداخله گری هستند. آمریکا و اروپا به رژیم مَلاها ایفای نقش به عنوان "بازیگر سازنده" با ابزارها و روشهای پذیرفته شده بین المللی را

پیشنهاد می کنند. از این رو، حتی برای خوش بینانه ترین دیدگاهها در میان جبهه مزبور، حل و فصل اختلافهای هسته ای گامی است که در این جهت گذاشته می شود و نه مقصد نهایی!

در این راستا، قوی ترین نشانه دست کشیدن رژیم مُلاها از پروژه تسلیح اتمی، همان "لاغیر" ی است که باند حاکم سرسختانه از آن تن می زند و "خط قرمز" خود می شمارد، یعنی تجدید هدف گیریهای در سیاست خارجی و آرایش یابی جدید در تنظیمات ناشی از آن! این امر در درجه نخست شامل برقراری رابطه با آمریکا و پایان دادن به رقابت دشمنانه با عربستان سعودی می گردد.

این در حالی است که آقای خامنه ای و شرکای نظامی و امنیتی او که در شرایط فوق العاده پروار شده اند، به ایجاد توازن منطقه ای از طریق دشمنی و بحران و بر پایه شکل گیری دو بلوک دوستان و دشمنان آمریکا و اسرائیل می اندیشند که در یک سوی آن رژیم جمهوری اسلامی، سوریه، حزب الله، عراق و جهاد اسلامی و حماس قرار گرفته اند و در سوی دیگر، آمریکا، اسرائیل، اروپا، عربستان، اردن، مصر، قطر، امارات و جز آن، نشانده می شوند.

باند حاکم مایل است باور کند که مناسبات آینده "نظام" با آمریکا را بر پایه این درگیری و تضاد و بر اساس روابط جنگ سردی می تواند سازمان دهد و آن را به عنوان یک وضعیت دوافکتو، رسمیت بین المللی ببخشد.

برآمد

سازش هسته ای به معنای تعلیق موقت بخشی از فعالیتهای هسته ای و فرار از نظارت و بازرسی بین المللی، در چارچوب یاد شده در بالا توجیه پذیر است، زیرا اگر چه یکی از ابزارهای این سیاست با کندی و توقف دوره ای روبرو می شود، اما برداشتن تحریمها به پیشرفت در تحکیم و گسترش ابزارهای دیگری که دست نخورده باقی مانده است، کمک می کند.

شرط داخلی جداسازی موضوع هسته ای از استراتژی سیاست خارجی و تبدیل آن به دستور کار روز، وادار ساختن یا جلب موافقت جناح میانه حکومت که قوه مجریه را به دست آورده، به اجرای این خط و پذیرفتن نقش مجری آن است. با توجه به واکنش خفیف و از موضع ضعف جناح مزبور به جنجال باند ولی فقیه بر سر نخستین تلاشهای آن برای رابطه با آمریکا، چنین نمی نماید که اینان توانایی مقاومت در برابر فشار "نظام" و بیرون کشیدن سکان از دست آن را داشته باشند.

دولت آقای روحانی گام به گام به بُن بستنی سوق داده می شود که سعی می کرد "ناجی" شکستن آن باشد. جناح میانه "نظام"، سیاست خارجی را برگ برنده خود می پنداشت و سرمایه اش را روی آن شرط بندی کرده بود. حال چنین پیداست که این پندار به دام تبدیل شده است. هر بار اعلام پشتیبانی آقای خامنه ای از "ماموران"ی که ماموریت یکجانبه هسته ای را به آنها "محول" کرده، این تله را نمایان تر و حلقه آن را تنگ تر می کند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و

رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

اصلاح یا تغییر قانون کار، با چه هدفی

زینت میرهاشمی

روز چهارشنبه ۲۹ آبان بیست و سومین سالگرد تصویب قانون کار جمهوری اسلامی بود. بدین مناسبت از طرف تشکل دولتی خانه کارگر مراسمی در کیلومتر ۹ جاده کرج برپا شد. یکی از موارد مطرح در برگزاری این مراسم اعتراض به طرح اصلاحیه قانون کار که در زمان دولت احمدی نژاد برای تصویب به مجلس ارائه شد، بود. سخنرانان این مراسم که همگی در حفظ نظام بسیار جدی هستند، در ظاهراً نگرانی خود را از تصویب تغییرات در قانون کار اعلام کرده و آن را خلاف منافع کارگران دانستند و البته همچنان بر حفظ وضع موجود و تلاش برای «متعهد کردن» کارگران به نظام پافشاری کردند.

یکی از سیاستهای جمهوری اسلامی برای مانع شدن از بروز جنبشهای توده ای کارگری به پس راندن وضع موجود است. پیشرفت و توسعه بستگی به برداشتن گامهایی به سمت جلو است. رژیم از طریق پس گیری حقوق و دستاوردهای تاقوننی مردم، سعی می کند آنها را حداکثر برای حفظ آنچه که در دست دارند فعال نگاه دارد. به قول معروف کلاهت را فعلاً بچسب تا آن را باد نبرد. این سیاستها همواره روحیه محافظه کارانه و قدر وضع موجود دانستن را تقویت می کند و این گفتمان را جا می اندازد که حرکت به سمت جلو یک فرصت به قدرت حاکم برای خراب کردن شرایط حال است و بنابراین باید به گونه ای حرکت شود که آب از آب تکان نخورد و در نهایت تغییر وضع موجود با صلاحدید قدرت حاکم خواهد بود. پایدارندگان این گونه تفکر برای حفظ شرایط موجود و یا در نهایت تغییر جزئی آن آشتی طبقات و نزدیک کردن منافع نیروی کار با صاحبان سرمایه را تجویز می کند. شوراهای اسلامی کار و سایر نهادهایی که به قدرت وابسته هستند، همین نقش را بازی می کنند.

بر همین منظر روند تعیین حداقل دستمزد در شورای عالی کار، ترکیب شورای عالی کار، حضور تشکلهای دولتی در اجلاس سازمان جهانی کار، و... نقش مدافعان دروغین حقوق مزدبگیران را بازی می کنند. سران شورای اسلامی کار برای حفظ موقعیت و منافع خود مصلحت را بر منافع کارگران و مزدبگیران ترجیح می دهند و در نهایت دولت به عنوان بزرگ سرمایه دار برای حفظ نظم سرمایه داری انگلی موجود با توسل به این گونه تشکلهای سیاست خود را پیش می برد.

به عنوان مثال عدم پرداخت حقوق کارگران به مدت طولانی، رواج قراردادهای سفید و موقت حتا به مدت بسیار کوتاه، اخراج و تنبیه کارگران معترض، دخالت نیروهای انتظامی برای سرکوب کارگران شرکت کننده در تجمعهای اعتراضی، شرایط ویژه ای را بر جنبش کارگری تحمیل می کند. این شرایط جنبش کارگری را بیشتر به یک جنبش تدافعی برای بازپس گیری آنچه که مدتی قبل داشته اند تبدیل کرده است. در برابر خواست افزایش حقوق، اعتراض برای گرفتن حقوق عقب افتاده و در برابر ارتقاء امنیت شغلی، حفظ شغل با همین شرایط و عملاً تبدیل به محور حرکتهای اعتراضی کارگران شده است.

قانون کار فعلی به دست پایوران رژیم و بدون مشارکت نمایندگان واقعی کارگری در سال ۶۹ یعنی در شرایط سرکوب و خشونت دیکتاتوری ولایت فقیه به تصویب رسیده است. همین قانون هم تا کنون به طور کامل اجرا نشده است. بر اساس گفته و گزارشهای منابع کارگری ۶۰ درصد از مواد این قانون مرتبط با کارگران و مزدبگیران اجرا نشده است. این قانون در

وضعیتی به تصویب رسید که رژیم با شعارهای فریب کارانه، خود را مدافع مستضعفان اعلام می کرد. طبیعی است که آن موادی که در آن شرایط به فائونگذاران تحمیل شده طی این مدت قدرت اجرایی پیدا نکند.

بر همین اساس لایحه اصلاح قانون کار یک لایحه دولتی است که تغییر را نه به سمت رعایت منافع نیروهای کار و ترقی آنها بلکه به سمت سودآوری بیشتر برای کارفرما و استثمار بیشتر برای نیروی کار مد نظر دارد.

قانون کار و تمامی مواد آن هنگامی می تواند به سود توسعه ای پایدار و دموکراتیک در جامعه نقش داشته باشد که منافع نیروی کار را دربرگیرد. چگونگی نقش آفرینی قانون کار در رابطه نیروی کار و مالکان سرمایه بنا به درجه پیشرفت سرمایه داری از یک سو و از سوی دیگر تشکل یابی، قدرت اتحادیه و سندیکاهای کارگری مستقل از دولت در تاثیرگذاری بسیج نیروهای کار بستگی دارد.

لایحه اصلاح قانون کار که توسط دولت احمدی نژاد به مجلس فرستاده شده علیرغم اعتراض فعالان کارگری همچنان مانند یک تهدید بالای سر کارگران است و طبق معمول باید در مجلس تعیین تکلیف شود. همه موارد مورد تغییر مشخص نیست ولی مواردی از آن در رسانه های حکومتی منتشر شده است. این موارد چنین است:

رواج قراردادهای موقت و جایگزینی آنها به جای قرارداد دائم. بدین ترتیب قرارداد موقت به هیچ زمانی محدود نمی شود. به همین دلیل طبیعی است که افزایش دستمزد هیچ معنایی پیدا نخواهد کرد. سابقه کاری و افزایش دستمزد و مزایایی که می تواند در قراردادهای طولانی مدت وجود داشته باشد در قراردادهای موقت از کارگران سلب خواهد شد.

حفظ کار و تن دادن به وضع موجود برای استفاده از فرصت امکان تبدیل قرارداد موقت به قرارداد دائمی، نیروی کار را در حالت تدافعی قرار داده و مانعی برای شرکت آنها در اعتراض برای کسب حقوق خود می شود.

اعتبار بخشیدن به قراردادهای شفاهی و قراردادهای سفید از جمله تغییراتی است که مد نظر لایحه دولتی است. در حالی که جمهوری اسلامی عضو سازمان جهانی کار است و به ایجاد تشکلهای کارگری غیر دولتی ملتزم است اما همیشه مانع ایجاد تشکلهای مستقل و یا همایشهای کارگری غیر فرمایشی بوده است. وجود فعالان کارگری و سندیکایی در زندان و محکوم کردن آنها به حبسهای طولانی و شکنجه و فشار نشان دهنده ماهیت ضد کارگری رژیم و قانون کار است.

قانونی نبودن حق اعتصاب و عدم برخورداری از تشکلهای مستقل، از دست دادن کار در برابر اعتراض بر کارگران و مزدبگیران تحمیل شده است. در لایحه اصلاحی کار، این شرایط غیر انسانی را با ضوابط قانونی افزایش می دهد.

به عنوان مثال در ماده ۱۷، کارگر بعد از تحمل حبس و بازداشت می تواند دوباره به سر کار بازگردد. این ماده از قانون کار رعایت نشده است. به عنوان مثال کارگران سندیکای شرکت واحد و یا بسیاری از فعالان کارگری سندیکایی هفت تپه کارشان را به دلیل فعالیت سندیکایی از دست داده و شکایتهای آنان بی پاسخ گذاشته شد. اما در لایحه جدید قانون کار، فسخ قرارداد کاری در پی حبس کارگران به کارفرما داده شده است. در نتیجه دست کارفرما برای لغو قرارداد کاملاً باز خواهد شد. از دست دادن کار یک تهدید جدی و مانع شرکت کارگران در اعتراض خواهد شد.

افزون بر نکته هایی که اشاره شد، در اصلاح قانون کار دست کارفرما برای فسخ قراردادهای کاری بسیار بازتر خواهد شد.

این که قانون فعلی کار دست مایه مشارکت فعال نیروی کار و کارشناسان غیر دولتی نیست ماهیت ارتجاعی قانون کار را تایید می کند. لذا هر گونه تغییری در آن بدون دخالت تشکلهای مستقل و نمایندگان منتخب این تشکلهای نمی تواند به نفع نیروی کار باشد.

برای گام برداشتن در جهت عدالت اجتماعی و توسعه ای دموکراتیک نه تلاش برای حفظ وضعیت موجود بلکه تلاش برای دگرگون کردن این شرایط ضروری است. هر روزه شاهد اعتراضهای کارگری هستیم. تعداد حرکتهای اعتراضی کارگری بیش از هر هنگام بی شمار است. وابستگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار کنار پایوران حکومت برای تدافعی نگاه داشتن جنبش کارگری قدم بر می دارند. تبدیل این جنبش به یک جنبش تعرضی برای تغییر شرایط کار، امنیت کار، افزایش دستمزد و رساندن آن به یک دستمزد واقعی و ... می تواند دستاوردهایی برای کارگران و مزدبگیران در بر داشته باشد. نامه نگاری به ربیعی و انتظار از پایوران حکومتی برای رعایت حقوق کارگران و مزدبگیران انتظاری بیهوده و در جهت وابسته کردن جنبش کارگری به حکومت است. ملزم کردن حکومت به رعایت کنوانسیونهای مربوط به نیروی کار، ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، حق اعتصاب و دخالت نمایندگان منتخب نهادهای کارگری مستقل در تعیین دستمزد و اصلاح قانون کار، می تواند با حرکتهای اعتراضی گسترده میسر شود.

ربیعی وزیر تعاون کار و رفاه برداشتن سدهای قرار گرفته در راه توسعه سرمایه داری و اشتغال را از سیاستهای خود در دولت روحانی اعلام کرده است. توسعه سرمایه داری مد نظر ربیعی در ادامه اجرایی کردن هر چه بیشتر اوامر سازمان جهانی تجارت و صندوق بین المللی پول، استثمار و بردگی نیروی کار را هر چه بیشتر نوید می دهد.

درگذشت مجاهد خلق رضا ستوده مرام در آلبانی



به گزارش سایت همبستگی، مجاهد خلق رضا ستوده مرام، فرزند مردم دلاور ارومیه، پس از سه دهه پیکار انقلابی در برابر ارتجاع و دیکتاتوری آخوندی بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۸ آبان در بیمارستانی در آلبانی درگذشت. زنده یاد رضا ستوده مرام بیش از ۶ سال زندانی سیاسی و تحت شکنجه در سیاهچالهای خمینی جلا داد بود. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت زنده یاد رضا ستوده مرام را به خانواده و به همزمان او به ویژه زنان و مردان مجاهد در زندان لیبرتی تسلیم می گوید.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۰)

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- فیلیپین و دانشمندان به ما می گویند تخریب محیط زیست، بحران بشریت است
- سکتاریسم در عراق، دست پرورده آمریکا و کارت بازی نوری مالکی

فیلیپین و دانشمندان به ما می گویند تخریب محیط زیست، بحران بشریت است



فاجعه توفان در فیلیپین بار دیگر به جهانیان گوشزد کرد که تهاجم سرمایه داری جهانی به منابع طبیعی، توان کره زمین را برای دفاع و حفظ ثبات خویش تضعیف کرده است. تخریب محیط زیست به دست بشر دیگر تنها یک عقیده شخصی نیست، دانشمندان که شامل فیزیکدانان، ستاره شناسان، پزشکان و زیست شناسان می شوند، نه تنها آن را به اثبات رسانده اند، بلکه نیاز به یک انقلاب زیست محیطی را ضروری و فوری اعلام کرده اند. آنها خود بارها

در صف مقدم اعتراضهای خیابانی قرار گرفته و علیه سلاحهای هسته ای، انرژی هسته ای، جنگ، آلودگیهای شیمیایی و خرافات مذهبی اعتراض کرده اند. دانشمندان بارها تاکید کرده اند که "تخریب محیط زیست فقط بحران زندگی کنونی ما نیست، بلکه بحران بشریت است."

یک زن از بازماندگان توفان در فیلیپین به خبرنگار "سی ان ان" می گوید: "اینجا بدتر از جهنم است، بدتر از جهنم!" بیش از ده هزار نفر در این فاجعه مرگبار جان سپرده اند. ساختمانها و محلهای مسکونی با خاک یکسان شده و بازماندگان بی صبرانه چشم براه کمک هستند. بسیاری از ساکنان در سیلاب ناپدید شده اند و یا در گورهای دستجمعی به خاک سپرده می شوند. شمار افرادی که جان سپرده اند نامعلوم است و امدادها برای آسیب دیدگان کافی نیست.

فیلیپین سرزمینی با بیش از ۷۰۰۰ جزیره واقع در اقیانوس آرام و در جنوب شرقی قاره آسیا است. در ماه جاری، توفانی به سرعت بیش از ۳۷۰ کیلومتر در ساعت و بالا آمدن سطح دریا بسیاری از این جزایر را به زیر آب برد.

روزنامه نیویورک تایمز گزارش می دهد: "شهر "تکلون" که زمانی زنده و پر رونق بود، با جمعیت ۲۲۰ هزار نفر به مخروبه ای تبدیل شده است. بازماندگان نامیدانه درخواست کمک می کنند، کودکان روی تخته پاره ها نوشته اند آب، غذا و دارو

نیاز دارند و یک تصویر از زنی که فریاد می زند "کمک کمک، زندگی مان نابود شد" از تلویزیون پخش می شود. تیم بین المللی "اورژانس اکسفم" خواهان رساندن فوری آب برای نوشیدن و مصارف بهداشتی شده است.

تاکنون کمکهای بین المللی و دولت فیلیپین ناچیز تر از ابعاد فاجعه و نیازهای بازماندگان آن بوده است. برخی گزارشات خبر از تلاش آسیب دیدگان گرسنه برای به دست آوردن مواد غذایی به هر قیمت می دهد. دولت فیلیپین با ارسال نیروهای ارتش و برقراری حکومت نظامی به این شرایط واکنش داده است.

وضعیت کنونی در فیلیپین پس از وقوع قویترین توفانی که تاکنون در تاریخ به ثبت رسیده، سوالهای بسیاری را برانگیخته است از جمله: علت این فجایع طبیعی چیست و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟ چگونه باید در برابر این حوادث آمادگی داشت؟ چه باید کرد؟



* علت این فجایع طبیعی چیست و چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟

این درست است که وقوع توفان در فیلیپین سابقه دار است، اما با تغییر آب و هوا و گرم شدن کره زمین تعداد و شدت این گونه توفانها نیز افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، اگر چه وزش یک توفان ساده را نمی توان نتیجه تغییر آب و هوا دانست، اما بنا به گفته دانشمندان وقوع توفانهای عظیم نتیجه مستقیم گرم شدن اقیانوسها و تغییرات آب و هوایی است.

آخرین نشست اعضای مجمع بین المللی سازمان ملل متحد IPCC پیرامون تغییرات آب و هوا بیشتر از گذشته و بدون تردید بر نقش انسان به عنوان مقصر اصلی گرمایش زمین انگشت گذاشته و هشدار می دهد چنانچه اقداماتی جدی صورت

نگیرد، باید در انتظار فجایع بیشتری بود. این نهاد بین المللی میزان اطمینان خود از نقش انسان در این تحول مخرب را ۹۵ درصد اعلام می کند، این در حالیست که پیشتر ۶۶ درصد گزارش شده بود.

از نمودارهای هشدار دهنده دیگر، بالا رفتن دمای کره زمین به میزان ۵ درجه در پایان این قرن است. همچنین بالا آمدن سطح آب دریاها که به گفته دانشمندان در سال ۲۱۰۰ تا ۸۲ سانتیمتر بالا خواهد رفت.



گزارش امسال حاصل کار صدها دانشمند است و با موشکافی زیاد تهیه

شده، زیرا گزارش ۲۰۰۷ با اشتباهاتی در اغراق میزان آب شدن یخچالهای طبیعی هیمالیا همراه بود. این اشتباه بهانه ای به بدبینان داد تا اعتبار تحقیقات این نهاد محیط زیستی و جایزه نوبل آن را مورد تردید قرار دهند. دانشمندان IPCC همچنین این نظر را که در ۱۵ سال گذشته سرعت افزایش گرمای زمین کمتر شده، رد کردند. آنها معتقدند که حتی اگر چنین امری صحت داشته باشد، به عوامل طبیعی بر می گردد که دوام ندارند. گازهای گلخانه ای عامل اصلی گرمایش زمین شناخته شده اند. (۱)

به طور دائمی گرمای زمین، جریان هوای گرم، خشکسالی، بارانهای شدید و سیل افزایش می یابد و انسان با نابودی جنگلها و افزایش گازهای گلخانه ای به آرامی اما پیوسته در حال نابود کردن محیط زندگی خود است. اگر چه کشورهای

فقیر از فجایع طبیعی بیشتر ضربه می‌خورند، اما آب شدن یخها که منجر به بالارفتن سطح آب دریاها می‌شود، سواحل کشورهای غنی را نیز تهدید می‌کند.

از این رو، از رهبران جهان خواسته می‌شود تا اقداماتی جدی را در برنامه‌های خود در مدنظر قرار دهند. اگر چه حکومتها پذیرفته‌اند برای دستیابی به یک توافقنامه جهانی در سال ۲۰۱۵ تلاش کنند، ولی زمان رسیدن به چنین توافقی یا امضای آن در دو سال آینده چندان معلوم نیست. این در حالیست که نشست زیست محیطی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ در کپنهاگ نیز شکست خورده است.

بسیاری از کشورها از جمله کشورهای قدرتمندی مانند آمریکا اقداماتی عملی برای جلوگیری از آلودگی گازهای گلخانه‌ای در دستور کار ندارند. به عکس، دولت آمریکا در تدوین سیاستهایی که منافع سرمایه‌داران بزرگ را تامین می‌کند و برای محیط زیست مخرب است، فعالیت بیشتری دارد. برای نمونه و به ویژه می‌توان به صنعت سوخت فسیلی اشاره کرد که شواهد علمی بسیاری از تاثیر مهم آن در تغییر آب و هوا وجود دارد. در واقع بیشترین مسوولیت جلوگیری از اقدامات جهانی برای بهبود محیط زیست، به گردن ایالات متحده است.



نزدیک به تمامی کشورها در حال حاضر نگران چگونگی تامین انرژی خود در آینده هستند. چین و آمریکا به ساخت نیروگاه‌های جدید اتمی می‌اندیشند، اما اغلب کشورها به خصوص بعد از فاجعه نیروگاه اتمی "فوکوشیما"ی ژاپن، در پی توسعه بهره‌برداری از انرژیهای دیگر به ویژه انرژیهای تجدیدپذیر برآمده‌اند.

* چگونه باید در برابر این حوادث آمادگی داشت؟

تجربه نشان داده که فجایع طبیعی همواره بیشترین آسیب را به مردم فقیر کشورهایی که فاقد ساختار توسعه یافته هستند و به امکانات کمتری در هنگام بحرانهای طبیعی دسترسی دارند. زده است. فیلیپین هم مستثنی از این امر نیست. نابرابریهای اجتماعی در سیستمی که فساد، فقر و استثمار بیداد می‌کند، طبیعی است. باوجود گزارشهایی که نشان می‌دهد این کشور رشد اقتصادی ۸ درصد داشته است، بنابر آمارهای رسمی، نزدیک به یک سوم مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند، از هر ۴ نفر فیلیپینی یک نفر با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کند، بیش از یک سوم جمعیت کشور نمی‌تواند برای خانواده اش مسکن و خوراک تامین کند و... همه اینها در حالیست که اکثریت جامعه در خدمت ثروت اندوزی افسانه‌ای اقلیتی ناچیز در داخل و شرکتهای خارجی است.

فیلیپین کشوری است که بخش اعظم ثروت در دست تنها ۱۵ خانواده است و میلیونها نفر در فقر بسر می‌برند. از این جهت، فجایع طبیعی تلفات زیادی به وجود می‌آورد. دولت این کشور سیاست ریاضت اقتصادی نو - لیبرالیستی را با قطع خدمات اجتماعی برای مردم فقیر و نیازمندان اجرا کرده و همچنین به خصوصی سازی بیشتر ادامه داده است. دولت اکنون در این شرایط هم رسیدگی به وضع مردم را به همین شرکتهای خصوصی سپرده و یا به زبان دیگر، هیچ اقدام جدی انجام نمی‌دهد.

* چه باید کرد؟

"ناومی کلاین"، نویسنده کتابهای پرفروش **No Logo** و **Shock Doctrine** در حال انتشار کتابی با عنوان "نیروی انقلاب تغییر آب و هوا" و یک فیلم در همین زمینه است. وی که از حامیان سرسخت جنبش حفظ محیط زیست است،

می گوید: "سرمایه داری برای کسب سود بیشتر، زندگی روی زمین را به خطر انداخته است. این دیگر موضوعی نیست که باید در کتابهای علمی خواند، بلکه نمودارهای آن در برابر چشمان ما است. ما فقط با ایجاد یک سد و یک چالش بزرگ در برابر کمپانیهای بزرگ می توانیم کره زمین را حفاظت کنیم. از این رو به یک "انقلاب جهانی" نیازمندیم."

وی می افزاید، حتی بسیاری از دانشمندان از نتایج تحقیقات علمی خود شوکه شده اند. آنها که به آرامی و سادگی تحقیقاتی را انجام می دادند، به ناگاه متوجه شدند که با سکوت شان ناخواسته در بی ثبات کردن نظم سیاسی و اجتماعی جهان دخالت دارند.

در حال حاضر مردم فیلیپین نیاز به کمکهای اولیه دارند. به موازات این، مبارزه علیه تغییر وضع موجود در کشورها و به لحاظ جهانی یک "انقلاب" علیه تخریب محیط زیست ضروری است.

اکنون ما در عصری زندگی می کنیم که همبستگی جهانی برای مبارزه علیه تخریب محیط زیست یک نیاز ضروریست. خواست دسترسی به توسعه پایدار در برابر جامعه جهانی قرار گرفته است. مبارزه در این راه جدا از مبارزه طبقاتی و نبرد علیه سرمایه داری و کمپانیهای بزرگ نیست.

در زیر، لیست بدترین و بهترین کشورها و کمپانیهای بزرگ به لحاظ حفظ محیط زیست برای تحقیق بیشتر آورده شده است:

- بهترین کشورها:

ایسلند، سوئیس، کاستاریکا، سوئد، نروژ، جزایر موریس، فرانسه، اتریش، کوبا و کلمبیا

- ۱۰ کشور بدتر:

برزیل، آمریکا، چین، اندونزی، ژاپن، مکزیک، هندوستان، روسیه، استرالیا و پرو

- بهترین شرکتها:

Walt Disney, Sony, Samsung, Volkswagen, IBM

- ۱۰ کمپانی بدتر:

Coca-Cola, Dow Chemical, DynCorp, Ford Motor Company, KBR (Kellogg, Brown and Root), A Subsidiary of Halliburton Corporation, Lockheed Martin, Monsanto, Nestle USA, Philip Morris USA and Philip Morris International

(۱) - بر اساس یک گزارش تازه، تنها ۹۰ شرکت در سراسر جهان مسئول تولید دو سوم از گازهای گلخانه‌ای هستند که موجب گرمایش زمین می‌شود. (راديو فردا، ۳۰ آبان ۱۳۹۲)

سکتاریسم در عراق، دست پرورده آمریکا و کارت بازی نوری مالکی

همزمان با ورود نوری المالکی به واشنگتن در روز اول نوامبر (۱۰ آبان)، چندین بمب گذاری و حادثه خونین در عراق روی داد و بر این امر که تحت حکومت فاسد و دیکتاتوری وی، عراق در پرتگاه جنگی سکتاریستی داخلی بسر می برد، تاکید کرد. شدت درگیریهای خشونت آمیز فعلی از سال ۲۰۰۸ تاکنون سابقه نداشته است. به طور متوسط هر ماه ۷۰ بمب گذاری و درگیری مسلحانه در عراق صورت می گیرد که حاصل آن کشته شدن نزدیک به ۵ هزار نفر تنها در ۹ ماه اول سال ۲۰۱۳ و زخمی گشتن هزاران نفر دیگر است. در همین حال میلیونها عراقی نیز ترک وطن کرده اند.

به گزارش خبرنگاران، اختلافات فرقه ای به گسترش ناآرامیها در این کشور دامن زده و خشونتها را از سال ۲۰۰۸ میلادی به بالاترین سطح رسانده است. گفته می شود که پیکارجویان سنی بیشترین عامل این حملات هستند.

به هر جهت، موقعیت عراق اکنون با دو سال پیش در آخرین دیدار نوری مالکی از واشنگتن و زمانی که اوباما از ظرفیت بالای عراق و توانایی به دست گرفتن امور به طور مستقل داد سخن می داد، متفاوت است. این بار مالکی از "ویروس القاعده" و "جنگ جهانی" که عراق در جبهه مقدم آن قرار گرفته، سخن می گوید.

روزنامه "نیویورک تایمز" در این باره می نویسد: "درگیریها بین عراقیهای سنی و شیعه که توسعه القاعده دامن زده می شود و تلاشهای نیروهای امنیتی برای جدا نگه داشته سنی ها و شیعه ها از یکدیگر، نشاندهنده عمق اختلافات فرقه ای در این کشور است. خشونت‌هایی که با ریشه مواضع فرقه ای در خاورمیانه رایج شده، روندی است که انقلاب سوریه را به بن بست رسانده و در عراق نیز هر روز قوی تر می شود، به طوریکه این کشور را به مرز جنگ داخلی کشانده است. مارتین کوبلر که نماینده ویژه سازمان ملل برای عراق تا اوایل سال جاری بود، در این باره گفته بود "جبهه عراق و سوریه در حال ادغام در یکدیگر هستند."

این روزنامه در ادامه می نویسد، همان قدرتهایی که این جنگها را در سوریه حمایت می کنند، همانها در عراق هم مشغولند.

مجله "اکنومیست" نیز در همین زمینه می نویسد: "ایران شیعه و عربستان سعودی سنی از جنگ افروزترین طرفها هستند."

"جووست هیلترمن"، از "گروه بین المللی برای بحران" می گوید: "عراق بنایی است که با کارتهای کاغذی روی هم سوار شده و هر لحظه در معرض فروریختن است."



با ورود مالکی به واشنگتن، رسانه های سرمایه داری حرفهای رایج خود مبنی بر "دیرینه و سنتی" بودن اختلافها بین مسلمانان شیعه و سنی را تکرار کردند. "نیویورک تایمز" از قول "انتونی کوردزمن"، تحلیل گر سیاستگذاری آمریکا می نویسد: "این برخورد درون تمدنهاست، به جای برخورد بین تمدنها".

این داستان سرایی و انواع مشابه تنها برای سرپوش گذاشتن بر نقش جنگ طلبان در عراق است.

"اشلی اسمیت" (۱)، نویسنده و تحلیل گر "سازمان بین الملل سوسیالیست" در مقاله ای تحت عنوان "ریشه امپریالیستی خشونتهای فرقه ای در عراق" از قول "نیر روزن"، نویسنده مقاله "از پیامدها: پس از خونریزیهای جنگ آمریکا در جهان اسلام" می نویسد: "در حالیکه هرگز در

کشور عراق یک همگرایی کامل مذهبی وجود نداشت اما هیچ سابقه ای نیز از جنگ داخلی بین سنی و شیعه تا زمان تهاجم آمریکا به عراق وجود ندارد. هیچگاه هم تا این حد رسانه ها و سیاستمداران و روحانیون بسیج نشده بودند تا از فرقه گرایی در عراق دم بزنند. این جنگ آمریکا در عراق بود که روابط بین شیعه و سنی را برهم زد، به طوری که اگر یک غریبه را در عراق ملاقات کنی، اولین سوال از تو این است که شیعه هستی یا سنی؟"

اسمیت معتقد است در حال حاضر مالکی سرکوب سنیها زیر عنوان جنگ علیه القاعده را پیش گرفته است.

او می افزاید: "یک علت دیگر کشیده شدن عراق به سمت جنگ داخلی، برخورد فرقه ای طبقه حاکمه منطقه با "بهار عرب" است. هنگامی که مردم تونس و مصر حاکمان جبار خود را از تخت پایین می کشیدند، طبقه حاکمه کشورهای دیگر نگران وضع خود شدند و به استراتژی "جدا کردن و اشغال" که آمریکا مبتکر آن بود، رو آوردند. اکنون جنگ فرقه ای به سوریه هم کشیده شده است. بشار اسد که با یک جنبش مسالمت آمیز برای تغییر روبرو شد، با آتش سنگین سلاح و ارتش با آن برخورد کرد. وی با اعلام جنگ علیه مخالفانش، وانمود می کرد که از اقلیت دفاع می کند و مخالفانش را تروریستهایی که از سوی عربستان سعودی و آمریکا حمایت می شوند، خواند. سایر کشورهای بانفوذ منطقه نیز مساله فرقه ای را در سوریه بزرگ کرده اند، دولت شیعه ایران و متحد آن لبنان و حزب الله از نیروهای اسد حمایت می کنند و حتی تن به تن با مخالفان در کنار ارتش اسد می جنگند. رژیم ایران از مالکی استفاده می کند تا تجهیزات جنگی به رژیم اسد برساند و عربستان سعودی و قطر از افراطی گران فرقه ای حمایت می کنند."

اشلی اسمیت در ادامه می گوید: "از همین رو، پدیده کشاکش فرقه ای شده از سوریه به عراق نیز گسترش پیدا کرده و خشونت را به سطوح بالاتری برده است. ایران و عربستان سعودی هر دو احزاب فرقه ای و شبه نظامیان آنها را حمایت می کنند. همین رفتار در عراق نیز دامنه پیدا کرده است و این کشور را به بازیچه ی همه طرفها برای کسب قدرت در منطقه، تبدیل کرده است."



در چنین شرایطی است که مالکی به ملاقات اوباما می آید و ادعا می کند که در جنگ با القاعده و جنگ علیه تروریسم هم پیمان و متحد آمریکا است. او به اوباما قول می دهد که ایران را راضی خواهد کرد در مورد مساله هسته ای کوتاه بیاید. همچنین قول می دهد برای برقراری صلح در سوریه تلاش کند. در عوض مالکی خواستار کمک نظامی از جمله هلیکوپتر، کشتی جنگی و هواپیماهای جنگی بدون سرنشین برای جنگ با القاعده می شود. البته اگر به سابقه وی نگاه کنیم، روشن است

که او خود را فقط برای سرکوب مخالفان تسلیح می کند.

اوباما و دیگر طراحان سیاستهای حکومتی در آمریکا با این نگرانی که شاید عراق را کاملاً و برای همیشه به جمهوری اسلامی باخته اند، با مالکی ملاقات می کنند. "الیوت انگل"، یک مقام بالا و سرشناس از حزب دمکرات در مجلس

نمایندگان آمریکا می گویند: "به نظر می آید ما خون دادیم و همه پولها را ما پرداخت کردیم، اما سرآخر ایران نفوذ بیشتری در عراق پیدا کرد و این بسیار آزار دهنده است."

در همین رابطه اشلی اسمیت می نویسد: "آمریکا که در اثر عقب نشینی در افغانستان و عراق تضعیف شده، در موقعیتی قرار ندارد که بتواند به مالکی امر و نهی کند. به همین دلیل با وجود اینکه بسیاری از شخصیت‌های مجلس سنا دست به انتقاد شدید از مالکی زده اند و او را به خاطر فساد و اعمال مستبدانه و سکتاریستی اش سرزنش کرده اند، اوباما او را تحت هیچ فشار قابل اهمیتی نگذاشت. دولت او تلاش می کند تا جایی که می تواند مالکی را به سمت خود بکشد و آنجا نگه دارد."

اوباما با ادامه فروش هواپیماهای جنگی F-16 و یک سیستم موشک دفاعی برای کنترل حریم هوایی عراق و همچنین رهگیری محموله های هوایی جمهوری اسلامی که برای اسد ارسال می شود، موافقت کرد، اما درخواست مالکی برای دریافت هلیکوپترهای جنگی را رد کرد. از سوی دیگر، از مالکی خواسته شد که دست از آزار سیاستمداران سنی بکشد و با تقسیم قدرت موافقت کند. اوباما در واقع مالکی را برای ادامه جنگ داخلی یاری می دهد.

اشلی اسمیت معتقد است: "اوباما هم مانند بوش امیدوار است که از سنیها و کردها استفاده کرده و بتواند عراق را از سمت ایران به سمت آمریکا سوق دهد."

وی می افزاید: "این مشکل است که پیش بینی کنیم تا چه زمانی درگیریهای فرقه ای که توسط آمریکا دامن زده شده، ادامه خواهد داشت. در حال حاضر کرد، شیعه و سنی بر یک امر مشترک پافشاری دارند و آن این است که چگونه هر یک می توانند درآمدهای صنعت نفت را که اکنون در کنترل دولت است، به چنگ بیاورند. همین هدف، بستری برای یک جنگ داخلی تمام عیار است."

چالش دیگری که در عراق وجود دارد. تمایلات گریز از مرکز است که به طور کلی می تواند به تقسیم عراق بیانجامد. برخی از کردها علایمی نشان داده اند که می خواهند از عراق جدا شوند. بخشی از سنیها نیز خواهان خودمختاری در منطقه خود هستند و این درحالیست که دولت عراق مصمم است کنترل سراسر کشور را در دست داشته باشد.

اگر چه نفوذ امپریالیسم آمریکا و رژیم مرتجع جمهوری اسلامی در عراق انکار ناپذیر است، اما آینده عراق اکنون به همزیستی گروهها و اقوام مختلف کشور عراق مشروط است. کشورهای دیگر و سازمانهای بین المللی باید برای بازگرداندن صلح به این کشور یاری کنند. دولت عراق به دلیل جلوگیری از ایجاد نهادهای دموکراتیک و فساد در همه ارکان آن، مسوولیت این نابسامانی را به عهده دارد. مردم عراق باید برای برقراری جامعه ای سکولار که برای همه ادیان احترام و حقوق مساوی در نظر می گیرد و جامعه ای مدرن و آگاه تلاش کنند. دست اشغالگران، از رژیم جمهوری اسلامی گرفته تا آمریکا و غرب، باید از این کشور کوتاه گردد. اینها ممکن نیست مگر در اتحاد مردم و مبارزات کارگران و زحمتکشانشان این کشور.

۱- فعال ضد جنگ آمریکایی و عضو هیأت تحریریه "سوسیالیست رویو"، نوشته های او در "کانتر پانچ"، "زی نت" و مجله "زی" چاپ می شود

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

توافقنامه ژنو

توافق به مخفی کاری بر سر جام زهر اتمی

جعفر پویه

تحریمهای بین المللی از "کاغذ پاره" پا را فراتر نهاده و تبدیل به معضلی اساسی برای رژیم ولایت فقیه شده است. کار برای رژیم آنچنان بالا گرفته که بعد از مدتها ایما و اشاره، پایوران آن به حرف آمدند و خواستار مذاکره با ۶ قدرت جهانی جهت کاهش تحریمها شدند. ناگفته پیداست که در این کار به هیچوجه علی خامنه ای و پادوهای او در ارکان قدرت حتی اندکی منافع مردم را در نظر ندارند، زیرا اگر اینگونه بود، از ابتدا می بایست جلو این فاجعه را می گرفتند. فقط وقتی که آثار تحریمها در تمام منافذ رژیم کارگر شد و مشکلات رخ نمایاند، کاربدستان و ریزه خواران خوان یغما دست به کار شدند تا چاره جویی کنند.

روانه کردن فشار تحریمها بر گرده مردم و وارد آوردن فشار مضاعف بر آنان برای اثبات اینکه تحریمها مردم ایران را هدف گرفته، تا کنون چندان کارگر نیفتاده است. کمبود آشکار دارو در بازار کشور و ادعای تحریم علیه بیماران، حتا کم اطلاع ترین افراد را هم نتوانست بفریبد، زیرا به یمن وجود دستگاههای ارتباط جمعی همگان می دانند که دارو شامل تحریم نیست و این دستهای آلوده و جنایت پیشگان رژیم است که اینگونه با زندگی مردم بازی می کند، تا مگر از این راه بتوانند خشم و نارضایتی مردم از شرایط موجود را به سمت خارج منحرف کنند.

دارو و مواد غذایی شامل تحریمها نمی شود و هر گونه بهانه رژیم در مورد کمبود این اقلام به معنی وارد آوردن فشار بر مردم تهیدست برای مقاصد سیاسی معنا می دهد. پس چه چیزی باعث می شود که علی خامنه ای، پادوهای خود را برای مذاکره روانه کند تا اندکی از فشار تحریمها بکاهند؟

واکنش زیر فشار

روی کار آمدن دولت روحانی با رنگ بنفش و کلیدی زنگ زده، نه تنها گرهی از کار مردم باز نکرد، بلکه آمار اعدامها به شدت رو به فزونی نهاد و بگیر و ببند دستگاههای داغ و درفش رونقی دوباره پیدا کرد. گلوی روزنامه نگاران و صاحبان قلم فشرده تر شد و بر تعداد گله های اوباش حکومتی در خیابانها افزوده گشت. به این دلایل روشن می توان گفت که وجود دولت روحانی، تغییر ویتترین رژیم رو به جامعه جهانی است برای عبور از گردنه سختی که قطار بی دنده و ترمز در آن گیر افتاده است.

منهای امپراتوری مالی و اقتصادی ای که خامنه ای آنرا کنترل می کند، بسیاری از اهرمهای قدرت او با پولهای باد آورده نفتی روغنکاری می شود. او که ثروت ملی مردم ایران را همچون ارث پدر خود و آخوندهای گردن کلفت و مفتخور می داند، از راه این درآمدهای کلان است که همه نهادهای داخلی و خارجی قدرت خود را تغذیه می کند. بند آمدن درآمد پترودلارها و فشردن گلوی آن توسط تحریم از یک طرف و بلوکه کردن داراییهای کلان اش از سوی دیگر، دست او و پادوهایش را از آنها کوتاه می کند. بدیهی است بدون این پترودلارها عربده رهبری جهان اسلام و سودای برپایی یک خلافت اسلامی بی معنی می شود. هزینه های سرسام آور پروژه های او در داخل و خارج کشور آنچنان سنگین است که بدون دسترسی به دلارهای نفتی ادامه حیات آنها ممکن نیست.

هرچند در داخل کشور بعضی از نهادهای سرکوب نظامی و امنیتی متولی امور اقتصادی و اجرایی هستند تا دست و کیسه شان از پول پر باشد. اما بدون یک ارتباط گسترده بین المللی و رابطه اقتصادی، این نهادها نیز به سرگیجه دچار خواهند شد، زیرا با به دور خود چرخیدن و دست درازی به منافع یکدیگر می رود تا بین آنها نیز کشاکش و درگیری به وجود آید. این است که چاره کار باز کردن روزنه هایی است تا بتوانند با جهان بیرون ارتباط برقرار کنند و با زد و بندهای اقتصادی و سیاسی از یک طرف کیسه شان را پر تر کرده و از طرف دیگر، امکان ارتزاق زیرمجموعه های خود را فراهم نمایند. اینها فقط بخشی از دلایلی است که ضرورت گفتگو و مذاکره پیرامون پرونده تخلفات اتمی را به روی میز رژیم می کشد. جابجایی ارگان اجرایی مذاکره هسته ای از شورای امنیت ملی به وزارت امور خارجه - در حالیکه همگان می دانند برگماری وزیر آن باید با مشورت رهبر و تایید او باشد - فقط بیرون آوردن مهره از یک جیب و گذاشتن در جیب دیگر معنا می دهد. اما به هر حال باید بزک تیم جدید از بیخ و بن نشانه های جدیدی را داشته باشد تا چرخش خامنه ای در سیاست خارجی را نشان دهد.

هرچند خامنه ای در ۳۰ تیر در مورد اظهارات مقامهای آمریکایی در مورد مذاکره گفت: "در ابتدای امسال هم گفتم که به مذاکره با امریکا خوشبین نیستم ... امریکاییها غیرقابل اعتماد و غیرمنطقی هستند و در برخورد هایشان صادق نیستند." اما اندکی بعد در ۲۶ شهریور در ملاقات با فرماندهان سپاه گفت: "من مخالف حرکت های صحیح دیپلماسی نیستم، بنده معتقدم به همان چیزی که سالها پیش نامگذاری شد، به نرمش قهرمانانه" هستم.

اینکه او از یک سو آمریکاییها را غیر قابل اعتماد می داند و به آنها خوش بین نیست و از سوی دیگر موافق دیپلماسی می شود و معتقد به "نرمش قهرمانانه"، خود گویای وضعیت به غایت بغرنجی است که در آن گرفتار شده است. این گرفتاری که او خود برای خویش ساخته را باید چاره کند. این است که روحانی در سفر به نیویورک، بر خلاف احمدی نژاد، نورچشمی و فرد مورد اعتماد خامنه ای، دست از حرفهای بی سر و ته بر می دارد و تلاش می کند تا چهره دیگری از رژیم را به نمایش بگذارد. روحانی در پایان این مسافرت با اوباما گفتگوی تلفنی می کند و اینگونه نه تنها خود را تابو شکن می داند، بلکه سعی دارد تا آن را دستاوردش برای علی خامنه ای از سفر نیویورک بنامد.

اما در فرودگاه تهران از او با لنگه کفش و صف نمازگزاران خیابانی که مسیر ماشینش را سد کرده بودند، استقبال شد. داد و هوار جریانهای مختلف از روزنامه کیهان گرفته تا سعید جلیلی (مذاکره کننده قبلی)، اطرافیان احمدی نژاد و بخشی از نمایندگان مجلس تا بخشهایی از سپاه و آخوندهای رنگار و وارنگ و مداح و به آسمان می رسد. کار به جایی می کشد که خامنه ای به شخصه به میدان می آید و می گوید: "برخی از اقدامات مسوولان دولت در سفر نیویورک به جا نبوده است."

اینگونه مخالفت، خود نشانه ای از نرمش قهرمانانه اوست، زیرا ظریف در مجلس و دیگر نشستهایی که برای پاسخگویی او ترتیب داده بودند، با مد و تشدید تکرار کرد که همه کارهای با اطلاع "مقام معظم رهبری" انجام شده است.

توصیه هایی از لندن

با همه این بگیر و ببندهایی که بوقهای رژیم یکسره در آن می دمند، اما دولت و دستگاه دیپلماسی رژیم خود را آماده می کند تا در ژنو با نمایندگان ۶ قدرت جهانی روبرو شود. برنامه ریزیها شروع می شود، بازار گفتگو و نظریه پردازی، گمانه زنی، خط دهی و کشاکش گرم است. این وسط به یکباره سر و کله جک استراو، وزیر امور خارجه سابق انگلیس و یار گرمابه و گلستان روحانی پیدا می شود. همچون همیشه "بی بی سی" در اختیار اوست که همه طرفهایش را به عنوان

"کارشناس" مورد خطاب قرار دهد. او پس از تعریف و تمجید فراوان، با اشاره به مذاکرات قبلی، روحانی را تایید صلاحیت کرد و گفت: "او هیچگونه نرمشی به خرج نمی داد و راه چانه زنی را به خوبی بلد بود، اما می شد با او به توافق رسید." جان کلام جک استراو در مورد مذاکرات پیش رو که به کار هم گرفته شد این بود: "نکته سومی هم هست و آن اینکه برای این کار باید مقدمات زیادی در پشت پرده آماده شود."

به یک کلام، مخفی کاری کنید! توافقات را از مردم و دستگاههای ارتباط جمعی پنهان نگه دارید! زد و بندها در پشت پرده انجام شود و کسی از آنها مطلع نگردد! این نصایح از سوی دو طرف این ماجرا یعنی ۶ کشور و عوامل رژیم به کار بسته شد.

این یعنی مذاکره ای که مربوط به منافع عموم مردم است از آنها پنهان می شود و از عرصه عمومی و رسانه ها و دستگاههای ارتباط جمعی آن به پشت پرده یعنی، حوزه خصوصی رانده می شود و معلوم نمی شود در پشت پرده نمایندگان دولتها و رژیمهای غالب و حاکم گرد منافع مردم چه زد و بندهایی خواهند کرد.

هرچه به زمان مذاکره نزدیک تر می شویم، تب و تاب طرفین نیز بالاتر می رود. در تهران شهرداری اقدام به نصب بیلبردهایی در مورد "صداقت آمریکایی" می کند که ادامه همان حرفهای گذشته خامنه ای و عدم اعتماد او به مذاکره است. نزدیک شدن سیزده آبان، (سالگرد اشغال سفارت آمریکا در تهران) گمانه زنان در مورد شعارهای این روز و چگونگی کشمکش باندهای حکومتی را به خود مشغول می کند. در حالی که همگان می دانند برخلاف لاف و گزاف عوامل رژیم، از همه بیشتر آنها هستند که به این مذاکره امید بسته اند، اما چگونگی برخورد آنها با این موضوع نیز مهم به نظر می رسد. در این آشفته بازار، خامنه ای روز ۱۲ آبان خود به میدان می آید و برخلاف گفته های سابقش می گوید: "مذاکره کنندگان ایرانی بچه های خود ما و بچه های انقلابند و هیچ کس نباید آنها را سازشکار بنامد." او همچنین گفت: "مذاکره کنندگان ماموریت سختی را بر عهده دارند و هیچ کس نباید ماموری را که مشغول کاری است، تضعیف کند."

با اینکه خامنه ای تلاش کرد تا اندکی از فشار نیروهایی که تیم مذاکره کننده و دولت را با بدترین اتهامات مورد هجوم قرار داده بودند بکاهد، اما تظاهرات سیزده آبان با تدارکات وسیع انجام گرفت و از همیشه تندتر و تیز تر به آمریکا تاختند. هرچند خامنه ای بسیار واضح گفت که تیم مذاکره کننده تنها "مامور" است و تصمیمها در بالاترین رده های حکومتی گرفته می شود، اما میدانند نیروهای ذی نفع نشان داد که کلاه خامنه ای چندان پشیمی ندارد و مدتهاست که آنها برای حرفهای او تره هم خرد نمی کنند.

اما به هرحال روز ۱۶ آبان مذاکرات اتمی در ژنو آغاز شد. جواد ظریف، وزیر امور خارجه رژیم ولایت فقیه در یک حرکت ناشیانه سعی کرد خود را شبیه دکتر مصدق بسازد. او اطوار کمر دردش را با دیدن تیترو روزنامه کیهان علیه خود و تیم مذاکره کننده اتمی توضیح داد. معلوم نبود اگر افرادی اقدام به کفن پوشیدن و سینه زنی در برابر دیدگان ظریف می کردند، چه بلایی بر سر وی می آمد؟

بحرانی که "غیرضروری" شد

ظریف در ژنو قبل از اینکه به محل مذاکرات بیاید، صبحانه کاری را با اشتون صرف کرد و قرار و مدارهای اولیه در آنجا گذاشته شد. او به این دلیل بر این گفتگوها نظارت دارد که روحانی در تبلیغات انتخاباتی اش گفته بود که در دوره او مذاکرات در سطح وزرای خارجه کشورها انجام شده و از اینکه سطح آن تنزل کرده و به افراد دست سوم و چهارم دیپلماسی واگذار گردیده، ابراز نارضایتی کرده بود. او در نیویورک نیز سعی کرد بر خلاف معمول رژیم، ظریف و جان کری،

وزیر امور خارجه آمریکا را پشت یک میز بنشانند تا عزم خود را برای بالا کشیدن سطح مذاکرات نشان دهد. به زبان دیگر، اقدام نیویورک اولین گام علنی روحانی برای "دیدن کدخدا" بود.

اما در ۱۶ آبان هر چند ظریف حضور داشت، اما سرپرستی هیات مذاکره کننده ایرانی را عباس عراقچی، معاون امور حقوقی و بین الملل وزارت خارجه به عهده داشت. از ۶ کشور مقابل نیز هلگا اشمید، معاون کاترین اشتون، وندی شرم، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، سرگی ریاکوف از روسیه، سایمون گس از بریتانیا، ژاک او دیبر از فرانسه، هانس دیتر لوکاس از آلمان و پنگ سن، مدیر کل اداره خلع سلاح وزارت امور خارجه چین حضور داشتند.

در مورد تیم مذاکره کننده رژیم، علی اکبر صالحی، معاون رییس جمهور و رییس سازمان انرژی اتمی و وزیر امور خارجه پیشین گفت، مذاکره کنندگان ایرانی با اختیارات وارد مذاکره شده اند. او تصریح کرد: "موضوع هسته ای بالاتر از همه موضوعات است و مقام معظم رهبری شخصا سکندار آن هستند."

با این حساب، آنچه در ژنو می گذرد را در اصل علی خامنه ای رهبری می کند. در مورد آنچه در صبح این مذاکرات گذشت، مایکل مان، سخنگوی اشتون گفت: "امروز صبح پیشنهاد ایران را از زبان آقای ظریف شنیدیم. بسیار مفید بود. مذاکرات را بعد از ظهر از سر می گیریم تا به جزییات بیشتر بپردازیم."

در مورد این پیشنهاد و چند و چون آن هیچ کسی حرفی به میان نیاورده است، اما گفته می شود که این طرح پیشنهادی "پایانی بر یک بحران غیر ضروری، آغازی برای افقهای جدید" نام داشته است.

اگر آنچه گفته می شود درست باشد، باید سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی و در راس آنها علی خامنه ای پاسخ دهند که چرا باعث و بانی "یک بحران غیر ضروری" شده اند که کشور را تا لبه پرتگاه یک جنگ کشانده است؟ چرا بحرانی را دامن زده اند که سالهاست به طور "غیر ضروری" اقتصاد و تولید کشور را دچار یک معضل بزرگ کرده و بسیاری از منابع اقتصادی آن را به باد داده است؟

در مورد این طرح خبرگزاری حکومتی ایرنا از قول عباس عراقچی می گوید: "این طرح محرمانه است و محرمانه باقی می ماند تا مذاکرات به نتیجه برسد."

همچنین مایکل مان، سخنگوی خانم اشتون نیز گفت: "مذاکره به خوبی آغاز شده، اما تمامی طرفها توافق کرده اند از افشای جزییات مذاکرات خودداری ورزند."

یک مقام آمریکایی که نامش ذکر نشده به روزنامه نیویورک تایمز گفت: "برای نخستین بار ما مذاکراتی با جزییات فنی دقیق داشتیم که بعد از ظهر هم ادامه پیدا کرد."

از ظاهر امر پیدا بود که نمایندگان رژیم تلاش داشتند تا به هر شکل ممکن با دست پر از این مذاکره بیرون بیایند. در پایان روز نخست، ظریف به خبرنگاران گفت: "مذاکرات امروز آن طور که همکارانم گزارش داده اند، بسیار مثبت بوده و زمینه برای ورود به مرحله نگارش متن فراهم شده که آن هم مرحله دشواری است. باید جزییات هماهنگ شود تا جلو برویم."

در پایان روز دوم یعنی پنج شنبه، باراک اوباما، رییس جمهور آمریکا به شبکه تلویزیونی ان بی سی گفت: "این امکان هست که با ایران به توافقی چند مرحله ای برسیم؛ به این شکل که ایران نخست هرگونه پیشبرد برنامه اتمی خود را متوقف و ما نیز تحریمها را نسبتا کاهش دهیم."

همچنین به دعوت کاترین اشتون، جان کری سفر خود به اسرائیل را نیمه تمام گذاشت و راهی ژنو شد. سفر کری با پوشش وسیع رسانه ای روبرو گردید و اکثر رسانه های خبری آن را نشانه روشنی از امکان توافق هسته ای دانستند. پس از جان کری، وزیران خارجه بقیه کشورهای حاضر در مذاکره نیز روانه ژنو شدند.

جان کری به محض رسیدن به ژنو در برابر هتل محل اقامتش در مورد علت حضورش تاکید کرد، توافقی صورت نگرفته و برای کم کردن فاصله دیدگاهها به ژنو آمده است.

همچنین عباس عراقچی به شبکه خبر گفت: "در صورت توافق این امکان وجود دارد که نشست در سطح وزیران امور خارجه برگزار شود."

او درباره طرحی که قرار است در ژنو به امضا برسد، تاکید کرد: "به نظر می رسد سندی امضا نمی شود و در این حد خواهد بود که یک بیانیه مشترک صادر شود."

به این ترتیب از نظر طراحی یک تبلیغات پر سر و صدا، دولت روحانی به خوبی عمل کرد. او که از قبل طرح گردآوری وزرای خارجه کشورهای شرکت کننده در مذاکره را در آستین داشت، با اجرایی کردن آن تمام رسانه ها را به سوی خود جلب کرد. در حالی که کری از یک طرف و از عراقچی از طرف دیگر تکرار کردند که توافقی حاصل نشده و حتا عراقچی گفت که در صورت جلسه وزیران خارجه حداکثر بیانیه ای منتشر می شود، پس این همه سر و صدای برای چه بود؟ دعوا و هیاهوی نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بر سر چه بود؟

یا کری و عراقچی دروغ می گویند، یا اینکه کاسه ای زیر نیم کاسه است و به توصیه جک استراو، همه آن را حاشا می کنند.

تصادفی نبود که خامنه ای در سخنرانی روز ۱۲ آبان گفت: "اگر مذاکرات به نتیجه برسد که چه بهتر، ولی اگر نتیجه نگرفتند، معنایش این باشد که کشور باید روی پای خودش بایستد."

او آنچنان حرف می زند که گویی تا کنون کشور روی پای کس دیگری ایستاده بود که از این به بعد باید روی پای خودش بایستد! هرچند او مشتاقانه در انتظار یک توافق حداقلی است تا اندکی از فشارها بر رژیم را کاهش دهد.

در پایان این روز عراقچی به خبرگزاری ایسنا در مورد تفاهم نامه احتمالی گفت: "متنی مشترک به طور بیانیه شامل طرح سه مرحله ای ایران (اهداف مشترک، گام اول، گام آخر) در حال مذاکره است و چارچوب این متن همان چارچوب طرح پیشنهادی ایران است که در ژنو ۱ ارایه شد و در ژنو ۲ نیز بر روی آن بحث می شود و قرار است بر همین مبنا به نتیجه برسیم."

این در حالی است که مذاکرات سه جانبه ظریف، اشتون و کری پس از بیش از چهار ساعت پایان یافت و جان کری در مورد آن گفت: "در حالیکه برای کم کردن فاصله تلاش می کردیم، پیشرفتهایی به دست آوردیم. هنوز کارهای بیشتری هست که باید انجام دهیم."

به هر حال روز دوم در سر و صدای رسانه ها و ماراتن مذاکرات سه جانبه ظریف، اشتون و کری به پایان رسید. روز سوم وقتی که مایکل مان خبر داد که جان کری و خانم اشتون مشغول مذاکره و مشاوره هستند، لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه تاکید کرد: "تاسیسات آب سنگین اراک و غنی سازی در سطح ۲۰ درصد، مورد اختلاف طرفین است."

توافقیهای پنهانی و بازی دوجانبه

طولانی شدن این مذاکرات از سوی کارشناسان از یک سو نشانه اختلافات عمیق و از سوی دیگر، مثبت ارزیابی شد. همزمان، فابیوس در مصاحبه با یک رادیو فرانسوی گفت، در این مرحله نهایی شدن قراردادی با ایران اصلا قطعی نیست. فابیوس افزود: "پیش نویس اولیه ای تهیه شده است که مورد تایید ۶ کشور حاضر در مذاکره نیست. به هیچ وجه مطمئن نیستیم که بتوانیم به سرانجامی برسیم."

از این نقطه به بعد است که بعضی از کارشناسان گفتند دست پخت کری و ظریف مورد پسند کشورهای دیگر نبوده و پس زده شده است. خبرگزاری حکومتی ایرنا در این مورد نوشت: "برخی تحلیلگران معتقدند که آنچه که از دیپلماتهای فرانسوی و آلمانی و سیاستمدارانی که با مذاکره کنندگان ارتباط دارند شنیده می شود، حکایت از آن دارد که علت و اشکال پیش آمده این است که ایران و آمریکا در تهیه متن توافقنامه عجله کردند. قرار بود این توافقنامه توسط گروه ۱+۵ به امضا برسد."

ایرنا، لوران فابیوس را مانع توافق اعلام کرد و نوشت: "تمام رسانه ها و محافل سیاسی پیش بینی می کردند که در این دور از مذاکرات طرفین به یک توافق بزرگ و قابل توجه دست خواهند یافت، اما با زیاده خواهیهای لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه در سومین روز مذاکرات ناگهان صفحه شطرنج بازی تغییر کرد و مذاکره کنندگان آچمز شدند."

دشمن سازی از فابیوس و چرخش نمایندگان رژیم از آمریکا به سوی فرانسه و مقصر دانستن آن در شکست این دور از مذاکرات باعث شد که جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در این مورد موضعگیری کند. او روز ۲۰ آبان در ابوظبی گفت: "قدرتهای جهانی با هم به توافق رسیده بودند، ولی ایران قادر نبود که این توافق را در آن لحظه خاص بپذیرد."

وی افزود: "این همراهی وجود داشت، ولی ایران آن را نپذیرفت."

هرچند به نوشته خبرگزاریها از ژنو، ظریف خود در روز شنبه با لوران فابیوس و کاترین اشتون دیدار سه جانبه ای را برگزار کرده بود و بعد از این دیدار خبرگزاری ایسنا از قول مقامهای ایرانی خبر داده بود: "احتمال توافق بر بیانیه مشترک ایران با اعضای ۱+۵ که شش وزیر خارجه آنرا نمایندگی می کنند، قوت گرفت."

پس از این خبرهاست که وزیران خارجه آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و آلمان بدون حضور نمایندگان رژیم ایران جلسه ای برگزار کردند تا پس از توافق، نتیجه را با آنها در میان بگذارند. همزمان با این جلسات اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت رژیم ولایت فقیه در جلسه روز شنبه مجمع درباره این مذاکرات گفت: "دنیا هم متوجه شد مذاکره کننده ها پشتیبانی رهبری و به تبع آن پشتیبانی مردم و مسوولان را هم دارند و اگر جدی نبودند، آنها جدی نمی شدند و وزرای خارجه شش کشور راهی ژنو نمی شدند و مذاکره ۵ ساعته آقای ظریف با آقای کری و خانم اشتون دلیل خوبی بر جدیت دو طرف است."

با این سخنان رفسنجانی بار دیگر تاکید کرد که آنچه در ژنو می گذرد از سوی خامنه ای رهبری می شود و او برای به دست آوردن نتیجه یا به زبان دیگر "سرکشیدن جام زهر" آماده بوده و جدیت دارد. به همین دلیل است که وزیران خارجه شش کشور در ژنو حضور دارند تا آن را پیمان زده و به حلق او سرازیر کنند.

اما با همه این حرفها در پایان این دور از مذاکرات همچنان که از قبل مقامهای ایرانی، معاون اشتون و وزرای خارجه شش کشور حاضر در ژنو گفته بودند، توافقی حاصل نشد و دور بعدی مذاکرات به ۲۸ و ۲۹ آبان محول شد.

اما آنچه از مجموع خبرها و حجم بالای شانتاژ خبری رژیم می توان نتیجه گرفت این است که:

۱- دستگاه دیپلماسی رژیم جمهوری اسلامی با همراهی شیخ دیپلمات و کلید بدست سعی کرد در این مدت بر خلاف گذشته، خود را مشتاق مذاکره و توافق به افکار عمومی معرفی کند. به همین جهت با خط دهی همدست انگلیسی اش "استراو"، ابتدا حوزه عمومی را از متن مذاکرات حذف کرد و سپس تلاش نمود تا با مظلوم نمایی و قیافه حق به جانب گرفتن در حضور وزیران امور خارجه شش قدرت جهانی، کسان دیگری را مقصر و کارشکن معرفی کند.

۲- مذاکره طولانی مدت ظریف و جان کری از یک طرف نشان می داد که رژیم دشمنی و شیطان سازی از آمریکا را کنار نهاده و از سوی دیگر، کسان دیگری را مخمل سر گرفتن روابط بین ایران و آمریکا معرفی کرد. به زبان دیگر رژیم در این

چند روز سعی کرد تا در جبهه بین شش قدرت جهانی، شکافی بین اروپا و آمریکا ایجاد کند و فرانسه یکی از کشورهای قدرتمند اروپایی را قربانی این طرح مزورانه خود سازد.

اما این طرح رژیم با واکنش سریع طرفهای مقابل به شکست انجامید و جان کری بی درنگ اعلام کرد که "ایران قادر نبود که این توافق را در آن لحظه خاص بپذیرد".

همزمان با جان کری، دولت آلمان نیز به خاطر آنچه "رویکرد سازنده" فرانسه در مذاکرات هسته ای با ایران خواند، از این کشور تقدیر کرد. برای اینکه مقامات غربی اثبات کنند که دست رژیم ایران و تیم حسن روحانی را خوانده اند، باراک اوباما روز چهارشنبه ۲۳ آبان با فرانسوا اولاند، رئیس جمهور فرانسه تلفنی گفتگو کرد و بر آنچه در ژنو گذشت تاکید کرده و پذیرش آنرا زمینه ای "جدی، محکم و قابل اعتماد" برای دستیابی به توافق خواند.

هرچند از مضمون کلام جان کری بر می آید که تیم مذاکره کننده رژیم برخلاف همه ادعاها، اختیاری از خود نداشته و باید برای نهایی کردن متن توافق، آن را به تهران برده و این خامنه ای ست که باید در اصل با سند جام زهرش موافقت کند، اما تیم حسن روحانی سعی کرد تا این میانه با شکاف در جبهه حریف، تونلی برای خود باز کرده مگر از محل آن بتواند روزنه ای برای عبور پیدا کند. موضعگیری به موقع مقامات آمریکایی و اروپایی نشان داد که دوره چنین سیاستهای بی ارزش و کودکانه ای بسر آمده است. زیرا همگان می دانند رژیم جمهوری اسلامی در بن بست قرار دارد که بدون توافق و عقب نشینی در پرونده اتمی نمی تواند از آن خارج شود. طراحی یک آکسیون پر سر و صدا و تبلیغاتی نمی تواند فرانسه یا اسرائیل را جانشین دشمنی با آمریکا کند و افکار عمومی هم چندان خریدار این دشمن سازی نشد.

جرعه ای از جام زهر

روز ۲۹ آبان ساعتی قبل از اینکه دور سوم مذاکرات در ژنو آغاز شود؛ خامنه ای در جمع بسیجیان در تهران سخنرانی کرد و با لحن لمپنی اسرائیل را خطاب قرار داد. او در این روز نشان داد که منشا ادبیات احمدی نژاد در ۸ سال بحران آفرینی کجا بود. باری، او در این سخنرانی گفت: "آیا نظام اسلامی به دنبال جنگ با دیگران است، جمله ای که از دهان سگ هار نجس منطقه یعنی رژیم صهیونیستی شنیده می شود که ایران تهدیدی برای جهان است. تهدید جهان آنهایی هستند که جز شر چیزی برای دنیا نداشته اند، مانند همین رژیم نامشروع."

او در ادامه تاکید کرد: "ما می خواهیم با همه ملت ها رابطه داشته باشیم. حتی ما با ملت آمریکا هم دشمنی نداریم، ما با دولت آمریکا و استکبار مشکل داریم."

بنابراین مشخص می شود او درخواست رابطه با آمریکا را در بسته ای از فحاشی به اسرائیل می پیچد تا حداقل بسیجیهای گردآورده را با ادبیات خود دلخوش نماید. شاید به همین دلیل باشد که محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران در یک سخنرانی می گوید، "ایستادن مقابل آمریکا شعار اصلی انقلاب است" و همزمان سایت "آینده" در گزارشی بدون اشاره به سپاه پاسداران می نویسد: "برخی مسوولان فرهنگی یک نهاد، منتقد برنامه های صدا و سیما هستند و این برنامه ها را به حد کافی انقلابی نمی دانند."

از این گزارش که فرماندهان سپاه برنامه های صدای سیمای تحت نظارت رهبر را به اندازه کافی انقلابی نمی دانند و حرفهای پاسدار جعفری می شود اینگونه برداشت کرد که بین این فرماندهان و خامنه ای بر سر سیاست خارجی رژیم و ارتباط با آمریکا می تواند اختلافی جدی وجود داشته باشد که در این گونه گزارشات یا سخنرانیها خود را نمایان می کند.

به هر حال در سومین روز دور سوم مذاکره در ژنو، سر و کله وزرای خارجه ۶ قدرت جهانی پیدا شد. بار دیگر گمانه زنیها بر سر توافق حداقلی بالا گرفت. در این روز ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه انگلیس به خبرنگاران گفت: "وزیران خارجه برای کمک به مذاکره آمده اند، ولی حضور آنان لزوماً به معنای دستیابی به توافق و پایان کار نیست." همچنین جواد ظریف به خبرنگاران گفت، مذاکرات وارد مرحله حساسی شده است و تاکید کرد که غنی سازی اورانیوم متوقف نخواهد شد.

خبرنگاران در روز چهارم مذاکرات گزارش دادند که جزییات دقیق موانع برای دستیابی به توافقی موقت روشن نیست، اما محافل نزدیک به هیاتهای نمایندگی در مذاکرات گفته اند که ایران بر سر خواست توقف غنی سازی ۲۰ درصد و نیز توقف ساخت راکتور آب سنگین در اراک آماده مصالحه است. اما با انتقال ۱۹۶ کیلو اورانیوم غنی شده خود به کشوری دیگر و محدود کردن غنی سازی به ۵ درصد موافق نیست.

در اولین ساعت روز پنجم، گزارشگر بی بی سی از ژنو می گوید عباس عراقچی در جمع خبرنگاران گفت: "باید غنی سازی به اسم در سند توافقنامه به رسمیت شناخته شود و تا وقتی که نظر ایران در مورد حق غنی سازی به رسمیت شناخته نشود، مجموعه سند توافقنامه مورد پذیرش نخواهد بود."

این درحالی است که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز قبل تاکید کرده بود که در این معاهده چیزی به نام "حق غنی سازی" وجود ندارد. به زبان دیگر، اگر نمایندگان ۶ کشور چنین شرطی را بپذیرند و امضا خود را پای چنین توافقی بگذارند، همه کشورهای جهان در آینده خواهند توانست با استناد به این توافق که امضای هر پنج عضو دائم شورای امنیت را پای خود دارد، شروع به غنی سازی اورانیوم کنند. این به معنای بی خاصیت شدن ماده چهارم ان پی تی برای همیشه خواهد بود.

بنابر همین گزارشات، در ساعتهای اولیه روز یکشنبه سوم آذر، خانم کاترین اشتون در جمع خبرنگاران حاضر شد و بعد از تشکر از ظریف و وزیران خارجه ۶ کشور بسیار کوتاه گفت: "ما بر اساس احترام مقابل موفق شدیم به توافقی برسیم که ما را به یک راه حل نهایی سوق خواهد داد."

محمد جواد ظریف نیز به سی ان ان گفت: "حق غنی سازی و استفاده از دانش هسته ای در متن پروتکل الحاقی وجود دارد و این حق مسلم ماست. توافق فعلی در دو بخش به وضوح اشاره می کند که برنامه هسته ای ایران ادامه خواهد یافت."

اما جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا می گوید: "ایران دیگر تاسیسات هسته ای نخواهد ساخت. سانتریفیوژهای جدید نخواهد ساخت. این توافقنامه نمی گوید که ایران حق غنی سازی دارد. در این سند فقط طرح اندازه غنی سازی ایران و برنامه صلح آمیز هسته ای ایران مورد اشاره قرار گرفته که باید با نظارت و بر اساس این توافق ممکن است ادامه یابد یا متوقف شود و هیچ جای آن به حق غنی سازی در پروتکل ان پی تی اشاره نشده است."

همچنین خبرگزاری حکومتی ایسنا گزارش می دهد: "بر اساس توافقنامه منتشر شده از سوی گروه ۱+۵، ایران در مقابل متعهد شده که غنی سازی بالاتر از ۵ درصد را متوقف کند و ارتباطات فنی لازم برای غنی سازی بالای ۵ درصد را برچیند. از سوی دیگر ایران تعهد کرده است که همه ذخایر اورانیوم غنی شده تا نزدیکی ۲۰ درصد خود را پیش از به پایان رسیدن فاز اولیه به زیر ۵ درصد تضعیف کند و یا به شکلی تبدیل کند که برای غنی سازی بیشتر مناسب نیست."

همچنین هرگونه بهره برداری از راکتور آب سنگین اراک هم بر اساس این توافق برای رژیم ایران ممنوع خواهد شد.

بعد از توافق اولیه، او با ما نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "ما تلاش کردیم که جلوی مسیر احتمالی ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای را بگیریم و با این توافق در ماههای آینده و برای نخستین بار در سالهای گذشته، برنامه هسته ای ایران پیشرفت نخواهد کرد."

گزارشها در مورد جزئیات بیشتر این توافق حکایت از آن دارد: "بر اساس این توافقنامه، تحریمها علیه تجارت طلا و پتروشیمی تعلیق خواهد شد و بیش از چهار میلیارد دلار از داراییهای بلوکه شده ایران به این کشور بازگردانده خواهد شد."

همزمان، حسن روحانی در نامه ای به علی خامنه ای، رهبر و ولی فقیه رژیم نوشت: "دستآورد قطعی توافق اولیه، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته ای ایران و حراست از دستاوردهای هسته ای فرزندان این مرز و بوم بوده است و در کنار آن، با توقف روند تحریمهای ظالمانه، بخشی از فشارهای غیرقانونی در تحریمهای یک جانبه برداشته و فروپاشی سازمان تحریم آغاز شده است."

در پاسخ به او خامنه ای هم نوشت: "دستیابی به آنچه مرقوم داشته اید، در خور تقدیر و تشکر از هیات مذاکرات هسته ای و دیگر دست اندرکاران است و می تواند پایه اقدامات هوشمندانه بعدی قرار گیرد."

همچنین هاشمی رفسنجانی در این مورد گفت: "موفقیت امروز، ما را از مخمصه بزرگی نجات داد و اکنون مردم احساس راحتی می کنند. هر چند که برای نهایی شدن قرارداد، زمان زیادی باقی مانده است."

اما در پشت این تبریکات مصنوعی رهبران رژیم به یکدیگر، دعوی جدی دیگری در جریان است. خبرگزاری تسنیم از تهران گزارش می دهد، در جلسه روز یکشنبه (۳ آذر) مجلس درگیری پیش آمده است. به گزارش این خبرگزاری، حمید رسایی، از نمایندگان تندرو و وابسته به جبهه پایداری، به محمد حسن ابوترابی فرد که جلسه را اداره می کرده، برای تبریک گفتن توافق هسته ای اعتراض کرده که این اعتراض به تشنج در مجلس منجر شده است.

از سوی دیگر، دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس گفت: "حال ایران از دستیابی به تسلیحات هسته ای فاصله گرفته است. این توافق نشان می دهد که چگونه فشار دیپلماسی و اعمال تحریمهای شدید توانست به ما در جهت پیشبرد منافع ملی مان کمک کند."

هر چند رهبران رژیم در مورد این توافق هیاهوی بسیاری می کنند و تلاش دارند تا آن را موفقیت دیپلماسی خود جار بزنند، اما ناگفته پیداست که جرعه ای از محتوای جام زهر را با همه فرافکنیهایش به حلق خامنه ای آشنا کرده اند. او هر چه می خواهد می تواند لاف و گزاف گویی کند، اما واقعیت این است که شکست سیاست تمامیت خواهی و لجبازی ابلهانه اش با همه باج دادن و تاوان پرداخت کردنهایش اینک در برابر چشم اش ردیف شده است. کوچکترین حرکت او جهت اقدام برای ساخت بمب اتمی، از سوی سازمانهای مربوطه طبق توافق زیر ذره بین قرار دارد و در صورت بروز چنین تخلفی، این بار معلوم نیست که چه تنبیه ای از سوی جامعه بین الملل در انتظار اوست. حال برای اینکه اندکی سوزش او از این شکست تخفیف یابد، خواجگان و کارگزارانش به او تبریک بگویند و یکدیگر را پیروز یک شکست مفتضحانه بخوانند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

مذاکره و سازش با امپریالیسم و همزمان اعلام جنگ به زحمتکشان

شهره صابری

مذاکرات ایران با کشورهای ۱+۵ در روزهای گذشته چیزی جز افشای ماهیت ضد انسانی رژیم ایران را نشان نداد. گردش ایدئولوژیک رژیم ایران دال بر خصلت دلال گونه ی آن و تلاش برای بقا است. نظام سرمایه داری و امپریالیسم جهانی هم ماهیت ضد انسانی اش را به مفتضحانه ترین شکلی در جریان مذاکرات برملا کرد. با وقوع جنبشهای توده ای در شمال آفریقا و در خاورمیانه، آمریکا که توانایی اش در کنترل اوضاع را کافی نمی داند، برقراری روابط صلح آمیز با رژیم ایران، البته با نقش آفرینی حسن روحانی را بهترین مسیر برای ادامه چنگ اندازی در خاورمیانه و کشورهای عربی و بیمه کردن خود در مقابل اقدامات مداخله گرانه ی رژیم ایران می داند. از طرفی اوضاع آشفته ی اقتصادی در ایران همچون موربانه ساختار رژیم را تکه تکه می کند. در شرایطی که امکان تهاجم نیروهای انقلابی با وجود بحران و از هم گسیختگی نظام بسیار جدی است، آمریکا ترجیح می دهد که با استفاده از رژیمی که چند دهه با آن دست و پنجه نرم کرده و ماهیت ضد انسانی و دلال گونه اش نیز هویداست، یک پایگاه ثابت قدم برای تجاوز و چنگ اندازی در خاورمیانه ایجاد کند که در نهایت همچون یک گماشته نقش آفرینی کند. با وجود نا آرامی در افغانستان (به دلیل حضور نیروهای آمریکایی) و در عراق (با توجه به دخالتهای رژیم ایران و



امپریالیسم آمریکا و غرب)، رژیم ایران که در آن حسن روحانی یک پایه از قدرت است، می تواند به عنوان ابزاری به منظور یکدستی در اعمال سیاست برای تسلط بر عراق و افغانستان به ابزار بسیار کارساز برای آمریکا تبدیل شود.

گردش ایدئولوژیک رژیم ایران پس از یک دوره تحمیل مشقات کمرشکن تحریمهای

اقتصادی به مردم، با راه اندازی تجهیزات مربوط به غنی سازی اورانیوم صورت گرفت که این نشانه ای از حيله گری و عدم صداقت رژیم در مذاکره است. پس از رسیدن به اورانیوم غنی شده، رژیم ایران با خیالی آسوده برای مقابله با فشار تحریمها و اوضاع آشفته ی اقتصادی و به منظور مصونیت از فروپاشی به سوی مذاکره و مصالحه با غرب و آمریکا تغییر مسیر داد.

در این میان، امپریالیسم آمریکا به منظور اعمال نفوذ در خاورمیانه و مهار خطر رژیم ایران، پیشرفت هدفهای بانک جهانی و نظام سرمایه داری جهانی در ایران را مهم تلقی می کند. این روند که از دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز شد در دوران محمود احمدی نژاد از نقطه عطف مهم حذف سوبسیدها و آزاد سازی قیمتها عبور کرد. از آن جا که نظام جهانی سرمایه داری امپریالیستی، گسترش قدرت استبدادی ولایت فقیه را در معارضة با پیشرفت منافع خود می بینند؛ برای غلبه بر این چالش پیشرفت کار حسن روحانی در برابر ولی فقیه و استبداد مذهبی را راهکار خود تعیین کرده و همزمان به کوششی مقدماتی بر قدرت طیف سنتی اقتصادی ایران یعنی علی خامنه ای پرداختند. این اقدام که با انتشار گزارشی درباره ی "ستاد پیگیری فرمان امام" در خبرگزاری رویترز انجام شد، پایه اقتصادی قدرت بی حد و حصر علی خامنه ای را به نمایش گذاشت.

در چنین شرایطی مذاکره و سازش با رژیم ایران برای آمریکا و غرب بهترین راهکار برای کاهش دردها و تامین منافع امپریالیستی در اوضاع آشفته کنونی جهان است. طرح گفتگو برای تغییر سیاست ایران در قبال سوریه و متقاعد کردن بشار اسد توسط ایران به منظور تشکیل دولت انتقالی، طرح سازش قطبهای معارض سرمایه داری جهانی برای گذر از بحران است. در این میان برای اسرائیل خوشه چینی در جنگ و بحران عامل بقا خواهد بود. دولت اسرائیل با هیاهو و جو سازی علیه رژیم ایران که تا کنون در همسویی کامل با آن بوده، مضحکه ی ننه من غریب را روی سن آورده و دولت فرانسه نیز با هواداری از کشورهای که مواضع آنها با مصالحه ی ایران با و آمریکا تضعیف می شود، غریب نوازی کرده و رژیم ایران را فریبکار معرفی می کند.

مصالحه ی رژیم ایران و آمریکا مسیری است که به بقای رژیم ضد انسانی ایران و ساختار سرمایه داری انگلی آن منتهی می شود. این سازش نه مصالحه به سود مردم که اعلام جنگ علیه زحمتکشان است.

پس از به ریاست جمهوری رسیدن حسن روحانی پیشروی ایران در اجرای سیاستهای بانک جهانی مصرانه تر در حال پیگیری و اجراست. به تعطیلی کشیده شدن واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران از پیامدهای این دوره ۱۰۰ روزه بوده که با وجود تحریمها سریع تر پیش رفته است. شعارهای رژیم علیه آمریکا به عنوان نظام استکباری در ابتدا ترفندی برای به انحراف کشاندن انقلاب زحمتکشان و پس از آن تا مدتی به منظور رسیدن به غنی سازی اورانیوم بوده است. ترفندهای رژیم برای مصالحه با آمریکا و غرب در جهت تامین منافع زحمتکشان ایران نیست. حمایت از سیاستهای رژیم و دولت روحانی فقط برای خائنان به زحمتکشان و کاسه ليسان یا سرخوردگان کارساز خواهد بود.

کارگران و مزدبگیران.....

چالشهای معلمان در آبان ماه

فرنگیس بایقره

مطالبات بازنشستگان فرهنگی پرداخت نشده است

۹ آبان - به گزارش "فارس"، رییس کانون بازنشستگان فرهنگی کشور از عدم پرداخت مطالبات فرهنگیان از سال ۸۶ تاکنون خبر داد و خواستار رسیدگی جدی از سوی ریاست جمهوری شد. احمد صافی اظهار داشت: "فرهنگیان بازنشسته در سطح استان و کشور دارای مشکلات متعددی هستند که برای رفع آن نیاز به اقدامی اساسی است."

وی با بیان اینکه بیش از ۶۵ درصد از بازنشستگان کشور در وزارت آموزش و پرورش هستند، ادامه داد: "۷۳۰ هزار بازنشسته از قشر فرهنگیان در کشور وجود دارد که به عنوان عظیم ترین سرمایه های انسانی محسوب می شوند و باید مورد توجه قرار گیرند." صافی اضافه کرد: "همچنین این نهاد آموزشی و تربیتی در سطح کشور دارای بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر پرسنل اداری است که با توجه به آمار بالای بازنشستگان، این مجموعه به عنوان پر قدرت ترین نهاد در کشور شناخته شده است."

معلم بازنشسته زندانی با دوختن لبانش دست به اعتصاب غذا زد

۱۱ آبان - به گزارش "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، معلم بازنشسته زندانی، محمد امین آگوشی در اعتراض به عدم درمان و مرخصی استعلاجی و فشارهای غیر انسانی، دست به اعتصاب غذا زد.

روز شنبه (۱۱ آبان)، معلم بازنشسته زندانی، محمد امین آگوشی که در زندان مرکزی زاهدان در تبعید بسر می برد، با بستن لبهای خود اقدام به اعتصاب غذا نمود. او از ۲ هفته پیش به رییس زندان و سایر زندانبانان اعلام کرده بود که اگر به خواسته هایش که از حقوق اولیه انسانی او است رسیدگی نشود، ناچار به اعتصاب غذا خواهد شد.

اما زندانبانان ولی فقیه شروع به تهدید وی کردند و صبح امروز پس از آنکه لبانش را به نشانه اعتراض دوخت، به جای رسیدگی به خواسته هایش، وی را به سلولهای انفرادی بند قرنطینه شکنجه گاه زندان مرکزی زاهدان منتقل کردند. خواسته های معلم بازنشسته زندانی به قرار زیر است:

۱- درمان در یکی از بیمارستانهای خارج از زندان

۲- در صورتی که قادر به درمان وی نیستند، دادن مرخصی استعلاجی تا خود اقدام به درمان خویش نماید

۳- پایان دادن به فشارها، اذیت و آزارها و محدودیتهای غیر انسانی

معلم بازنشسته زندانی از بیماریهای مختلف و حادی رنج می برد که از جمله آن آسم شدید است. فردی به نام خمر، افسر نگهبان زندان هنگام انتقال این زندانی سیاسی به سلول انفرادی اجازه بردن داروی آسم به وی را نداد. اعتصاب غذا، انتقال به سلول انفرادی و اجازه ندادن به وی برای بردن داروهایش، جان این زندانی را در معرض خطر جدی قرار داده است.

از دانش آموزان استفاده ابزاری می شود

۱۲ آبان - به نوشته "فرهنگیان نیوز"، "سازمان معلمان ایران" در بیانیه ای که به مناسبت ۱۳ آبان، "روز دانش آموز" صادر کرده، نسبت به استفاده از دانش آموزان به عنوان سیاهی لشکر در تظاهرات دولتی اعتراض کرده است. در این بیانیه آمده است:

"ماه آبان متعلق به دانش آموز است"

"دانش آموز، عنصر مهم و بی بدیل تعلیم و تربیت و معمار جامعه آینده است"

با وجود تعریف چنین نقش پر رنگی برای بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور، شاید فراموش شده ترین نقش در آموزش و پرورش "دانش آموز" باشد. به تدریج و در سالهای اخیر "نگاه ابزاری" به دانش آموز و کارکردهای آن نهادینه شده است و به جای آن که "نگاه انسانی" حاکم بر روابط و معادلات اجتماعی باشد، دانش آموز به محملی برای استفاده ابزاری منابع قدرت برای اهداف سیاسی تبدیل شده است. تشکل مزبور می نویسد: "در آستانه ۱۳ آبان به وزیر محترم آموزش و پرورش متذکر می شویم این وزارتخانه باید مجری برنامه های دولت تدبیر و امید باشد و در انجام مراسمی همچون ۱۳ آبان با وزارت خارجه این دولت هماهنگ گردد نه با نهادهایی که هیچ مسوولیتی در آموزش و پرورش نداشته و با نگاه ابزاری خود به دانش آموزان به دنبال اهداف سیاسی خود هستند. این خواسته اصلی ما در دفاع از حقوق دانش آموزان است."

مدارس دولتی دیگر رایگان نیست

۱۷ آبان - به گزارش "ایلنا"، یک معلم و فعال صنفی معلمان با اشاره به اصل ۳۰ قانون اساسی که بر رایگان بودن تحصیل دانش آموزان تا اخذ دیپلم اشاره دارد، گفت: "مدارس دولتی به نام هیات امنایی و همچنین کمک هزینه به

مدارس از والدین پول می گیرند و به نظر نمی رسد وزیر آموزش و پرورش برای تصحیح این روند ساز و کار ویژه ای اتخاذ کند."

مهدی بهلولی با اشاره به اینکه درخواست مدارس از والدین برای کمک مالی همچنان در دوره جدید وزارت آموزش و پرورش مشاهده می شود گفت: "به عنوان مثال، مدرسه فرزندم درخواست ۲۰۰ هزار تومان بابت مناسب سازی فضای کلاسها و مدرسه، تهیه امکانات و تجهیزات مناسب آموزشی و هزینه های جاری مدارس مانند آب، برق، کاغذ، تکثیر، تلفن، انرژی (سوخت) کرده است. سووال این است، آقای فانی در ابتدای سال تحصیلی عنوان کردند که "قرار نیست پولی از والدین گرفته شود" و اعلام کردند "سرانه مدارس پرداخت شده تا کارشان راه بیافتد"، اما مدرسه ای که در آن تدریس می کنم، سرانه ای دریافت نکرده است و اگر هم به مدارس سرانه داده اند، مطمئنا کفایت نکرده است."

وی ادامه داد: "برخی همکاران نیز می گفتند که مدارس فرزندان شان از آنها درخواست کمک مالی ۱۵۰ هزار تومانی و همچنین ۶۰ هزار تومانی کرده اند و همه اینها به خاطر مشکل سرانه مدارس است که باعث شده به هر دلیل و هر عنوانی از خانواده ها پول بگیرند."

وی با تاکید بر اینکه مدارس دولتی واقعا دیگر رایگان نیست، افزود: "اگر رایگان بود که دیگر این حرفها در قالب کمک مالی به مدارس مطرح نبود."

به گفته بهلولی درخواست مدارس از فرهنگیان برای کمک مالی به مدارس فرزندان شان در حالی است که اضافه کار اردیبهشت و خرداد فرهنگیان کل کشور هنوز پرداخت نشده است و فقط ۹ روز از ماه اردیبهشت را داده اند که این نوع پرداخت (چند روز از یک ماه) پدیده عجیب و جدیدی است."

تعطیلی مدارس روستایی هرمزگان به خاطر بی آبی

۲۱ آبان - "مهر" گزارش داد: کمبود آب آشامیدنی و بهداشتی در برخی از مدارس روستایی شهرستان سیریک مشکلات بهداشتی را برای دانش آموزان به بار آورده ضمن اینکه برخی از مدارس منطقه، یک یا دو روز در هفته به دلیل بی آبی به ناچار تعطیل می شوند.

علاوه بر اینکه مدارس از آب آشامیدنی سالم محروم هستند، نبود آب در سرویسهای بهداشتی اثرات سوو بر بهداشت فردی دانش آموزان ایجاد کرده است. در خیلی از مدارس روستاهای شهرستان سیریک خبری از آب آشامیدنی و بهداشتی نیست و یکی از مشکلات ناشی از کمبود آب در مدارس روستایی سیریک، نبود آب در سرویسهای بهداشتی است که معضلی برای بهداشت فردی دانش آموزان فراهم کرده است.

نبود آب سالم شرب در مدارس موجب شده تا دانش آموزان آب آشامیدنی مصرفی خود را از منزل به همراه بیاورند. مدیر آموزش و پرورش سیریک، ابوالفتح گرجی پور با بیان اینکه باید اداره آب و فاضلاب روستایی، آب مدارس را مدیریت کند، گفت: "با وجود برگزاری جلسات مستمر با حضور آب و فاضلاب روستایی سیریک، مشکل تامین آب مدارس رفع نشده است." و علی محمودی، رییس آب و فاضلاب روستای سیریک می گوید: "چنانچه آموزش و پرورش تانکر در اختیار بگذارد ما آب مدارس را تامین می کنیم، بدون اینکه هزینه ای برای آنها داشته باشد."

وی می افزاید: "بعضی از روستاها هر ۵ تا ۸ روز سهمیه آب گیری آنها به مدت ۴۸ تا ۷۲ ساعت است، که مدارس هم می توانند همراه روستا آب گیری خود را انجام دهند."

همزمان حمزه آشوری، رییس شورای روستای گونمردی با بیان اینکه بی آبی معضلی برای تحصیل دانش آموزان روستایی شده، گفت: "اگر بی آبی به طور مستمر در این روستاها ادامه پیدا کند، باید مدارس در این روستاها جمع شود چون در بیشتر روزها مدارس روستایی در بی آبی بسر می برند."

معلمان عطای استفاده از "بیمه طلایی" را به لقایش بخشیدند

۲۶ آبان - به گزارش "ایلنا"، یک فعال صنفی معلمان در تشریح علت عدم استقبال فرهنگیان از خدمات "بیمه طلایی" گفت: "بیمه طلایی فرهنگیان در ابتدا با استقبال نزدیک به یک میلیون معلم و فرهنگی مواجه شد، اما استقبال فرهنگیان به مرور زمان و گذشت ۴ سال از اجرای این طرح به دلیل مشکلاتی که در ارزیابی خدمات این بیمه گریبانگیر آنها شده، کاهش یافته است.

شعبان محمدی افزود: عدم پرداخت بدهی ۳۰۰ میلیارد تومانی دولت به فرهنگیان در خصوص بیمه طلایی بیانگر ضعف این طرح است. باید تاکید کرد علاوه بر بدهی دولت، نحوه استفاده از بیمه مذکور به خودی خود با موانع زیادی رو به رو است؛ بسیاری از آزمایشگاهها، مراکز درمانی، بهداشتی و تشخیصی، طرف قرارداد این بیمه نیستند و اگر یک مرکز درمانی با بیمه طلایی قرارداد داشته باشد، روند اداری به گونه ای است که بیمه شده را نسبت به استفاده از خدمات منصرف می کند. "محمدی در ادامه بیان کرد: "عدم پذیرش این بیمه از سوی اکثر مراکز درمانی باعث تنزل شان معلمان شده است. کم توجهی، عدم ارزیابی خدمات مناسب و عدم پرداخت کل هزینه به بیمار باعث شده است که اکثر معلمان عطای استفاده از این بیمه را به لقایش ببخشند و هر ساله تعداد معلمانی که از این طرح انصراف می دهند، بیشتر شود."

احضار مجدد هاشم خواستار به اجرای احکام

۲۷ آبان - براساس گزارش "سودویند"، هاشم خواستار، معلم بازنشسته و رییس "کانون صنفی معلمان مشهد" بار دیگر به اجرای احکام دادگاه مشهد احضار شد.

در حالیکه ابهام در پرونده قضایی آقای هاشم خواستار موجب سردرگمی قاضی جدید شعبه رسیدگی کننده به پرونده ایشان شده است، خانم صدیقه مالکی فرد، همسر آقای خواستار ابلاغیه ای مبنی بر توقیف وثیقه اش به نفع دولت در صورت عدم معرفی مکفول خود دریافت کرد.

گفتنی است، مرداد سال جاری آقای هاشم خواستار طی نامه ای برای اجرای حکم به دادگاه انقلاب مشهد احضار شد. این در حالی بود که تا لحظه دریافت احضاریه، هیچ حکمی از سوی دادگاه به او ابلاغ نشده بود و آقای غلامحسین دوستعلی مکی، وکیل او نیز از ابلاغ حکم اظهار بی اطلاعی می کرد.

آقای هاشم خواستار نیز پیشتر و در گفتگوی تلفنی با تارنمای "حقوق معلم" در خصوص روند پیچیده پرونده خود گفته بود که وکیلش با مراجعه به اجرای احکام دادگاه انقلاب شهر مشهد متقاضی رویت حکمی شد که به شکل غیابی برای او صادر شده و از درونمایه آن هیچ آگاهی در دست نیست. "اجرای احکام" اما ایشان را به شعبه رسیدگی کننده ارجاع داد که پس از مراجعه به شعبه به ایشان گفته شده که قاضی شعبه تغییر کرده و قاضی جدید هم اطلاعی از چگونگی صدور حکم و درونمایه پرونده ندارد! با این وصف، در حالیکه قاضی جدید شعبه، وکیل پرونده و متهم از ماهیت حکم و چگونگی صدور آن اطلاعی ندارند، در روزهای گذشته اختاریه ضبط اموال برای همسر آقای خواستار به دلیل عدم مراجعه ایشان به اجرای احکام ارسال شده است.

هاشم خواستار، معلم بازنشسته و عضو هیات مدیره "کانون صنفی معلمان مشهد" مدتهاست که از سوی دادگاه انقلاب مشهد با احکام مختلفی رو به رو می شود که از آن جمله می توان به ۷۷۵ روز زندان بدون مرخصی، جریمه نقدی، ممنوعیت مصاحبه با رسانه ها و ممنوعیت خروج از کشور اشاره کرد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.co

چرا دانشگاه آزاد برای جمهوری اسلامی مهم است؟

مجید شمس

مقدمه

قشر محافظه کار مذهبی که پیش از انقلاب تجربه راه اندازی و مدیریت مدارس مذهبی همانند "مدرسه رفاه" را در کارنامه خود داشت، بعد از انقلاب سودای راه اندازی دانشگاه اسلامی را عملی کرد؛ سودایی که پیش از قیام از زبان افرادی که عضو هیات امنای مدرسه رفاه بودند، شنیده شده بود. در این میان نام هاشمی رفسنجانی هم در تاسیس مدرسه رفاه و هم تاسیس "دانشگاه آزاد اسلامی" نشانه ای از تداوم برنامه های فرهنگی قشر محافظه کار ایران بعد از انقلاب در سطح آموزش عالی است. بر این مبنا دانشگاه آزاد در ابتدا قرار بود چیزی میان دانشگاه و حوزه باشد که مدرک تحصیلی در آن نقش بزرگی بازی نکند، اما در اولین قدم این فکر کنار گذاشته شد و دانشگاه آزاد در مسیری مشابه دیگر نظامهای دانشگاهی کشور گام برداشت.

واقعیت این است که امروزه دانشگاه آزاد اسلامی ایران نقش بسیار مهمی در صحنه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایران ایفا می کند. در این نوشته کوشش می شود مرور گذرایی بر نقش دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان پایگاهی برای آزمایش اجرای برنامه های نرم اما حساب شده فرهنگی - سیاسی و نظامی حکومت فاشیست جمهوری اسلامی داشته باشم.

الف) ارزش اقتصادی دانشگاه آزاد برای رژیم

دانشگاه آزاد، موسسه ای است با سه میلیون و ۷۰۰ هزار فارغ التحصیل و در حال حاضر نیز حدود یک میلیون و هفتصد هزار دانشجو دارد. اگر دولت می خواست ۱.۷ میلیون دانشجوی دانشگاه آزاد را از طریق بودجه دولت تامین مالی کند، بایستی سالانه هزاران میلیارد تومان را به این موضوع اختصاص می داد.

بزرگ ترین دانشگاه حضوری جهان، ۳۸۵ واحد دانشگاهی در سراسر ایران دارد. همچنین در این دانشگاه ۳۳ هزار کادر اداری و حداقل ۳۰ هزار کادر علمی به کار مشغولند. ۱۰ مجتمع بیمارستانی، ۱۱۴ آموزشکده و ۴۰۰ مدرسه با حدود ۶۰ هزار دانش آموز و بیش از بیست میلیون مربع فضای آموزشی و رفاهی در شهرهای بزرگ، کوچک و دور افتاده در زمره داراییهای آن قرار دارد. (۱)

همچنین روزنامه "شاپرک"، روزنامه "آفرینش"، هفته نامه "فرهیختگان"، "خبرگزاری آنا" و "خبرگزاری ایسکانیوز" متعلق به دانشگاه آزاد است. این مجموعه عظیم رسانه ای می تواند در پروژه های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی "نظام" موثر و جهت هر گونه تبلیغی برای دولتمردان و مسوولان آن نقش مهمی بازی کند

ب) دانشگاه آزاد در خدمت برنامه های فرهنگی ارتجاعی حکومت

در تاریخ ۳۵ ساله حکومت ننگین جمهوری اسلامی همواره زنان پیشگام مبارزات بوده و در برابر احکام قرون وسطایی رژیم مانند چند همسری، حجاب و پوشش اجباری، نابرابری حقوقی و تبعیض جنسیتی ایستادگی کرده و در اکثر مواقع جلوتر از مردان به مبارزه برخاسته اند. زندانهای ایران از زنان روشنفکر و مبارز و فعالان دانشجویی پر است. رژیم اقتدارگرای جمهوری اسلامی از اتحاد زنان و مردان هراس دارد و در این راستا از بدو آغاز دولت پادگانی-امنیتی احمدی نژاد، بحث تفکیک جنسیتی در دانشگاهها آغاز شد.

پروژه تفکیک جنسیتی که برای جداسازی دختران و پسران دانشجو به عنوان قشر آگاه جامعه برای بستر سازی یکی از مرتجعانه ترین اندیشه های "نظام" که همانا جداسازی زنان و مردان جامعه و فاصله انداختن بین این دو به دلیل هراس از اتحاد مردمی در برابر ظلم و استبداد حاکم است، در آزمایشگاه عظیم دانشگاه آزاد در حال پی ریزی و اجرا می است. فرهاد دانشجو، رییس سابق دانشگاه آزاد در این باره می گوید: "مسایل فرهنگی با فکر، ذهن و عقل سر و کار داشته و یکسری پیچیدگیهای خاص خود را دارد. باید مسیر را تبیین کنیم تا شناخت افراد نسبت به مسایل اسلامی، جمهوری اسلامی، شیعه، اصل ولایت فقیه و مراجع افزایش یابد." (۲)

ج) در نبود احزاب سیاسی، دانشگاه آزاد در هنگامه انتخابات به عنوان حزب عمل می کند هفت و نیم میلیون نفر فارغ التحصیل و دانشجوی دانشگاه آزاد که با خانواده هایشان جمعیتی با حدود بیست و دو میلیون نفر را تشکیل می دهند، منبع انسانی بسیار مهمی به شمار می آیند. حمید میرزاده، رییس فعلی دانشگاه آزاد می گوید: "دامنه پوشش دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور بسیار گسترده شده است، به گونه ای که تقریباً از هر دو خانواده ایرانی یکی از آنها با دانشگاه آزاد اسلامی ارتباط دارد؛ یعنی یا دانشجو بودند یا فارغ التحصیل شده اند." (۳)

بدیهی است چنین حجمی خود به تنهایی می تواند تعیین کننده سرنوشت انتخابات به نفع طیف خاصی گردد. در همین رابطه منتقدان دانشگاه آزاد انتقاداتی به این دانشگاه و شیوه های مدیریتی آن کرده که اهم آن بدین شرح است:

- مدیریت طولانی و متمرکز رییس دانشگاه آزاد (اشاره به سه دهه مدیریت عبدالله جاسبی)
- نحوه گزینش نیروهای مورد نیاز دانشگاه اعم از استادان و کادر اداری
- چگونگی استفاده از سرمایه های متعلق به دانشگاه (سواستفاده هایی که از امکانات مالی دانشگاه آزاد شده، ولخرجیها و یا واگذاری زمینهای متعلق به دانشگاه به عده ای خاص)

- سیاسی بودن مدیریت دانشگاه آزاد و موضع گیری در انتخابات به نفع یک گروه خاص
- پذیرش دادن به برخی از مدیران دولتی خارج از ضوابط کنکور

فرهاد دانشجو رییس وقت دانشگاه در رفع اتهام سواستفاده از امکانات دانشگاه آزاد به نفع یک جریان و افراد خاص در انتخابات ریاست جمهوری ادعا کرد باوجود اینکه تشکلهای دانشجویی اجازه فعالیتهاى سیاسی را داشتند، اما دانشگاه آزاد در انتخابات از هیچ کاندیدایی حمایت نکرده است.

دانشجو خاطرنشان کرد: "پرداخت هزینه به تشکلهای دانشجویی برای فعالیت آنها در زمینه انتخابات برای افراد خاص صحت ندارد. البته یکی از تشکلهای برای استاد آقای روحانی فعالیت داشته، ولی اگر ۴۶۲ واحد دانشگاه آزاد خلافی انجام داده باشند، قطعاً ما متوجه می شدیم و یا اگر پولی هم جابه جا شده باشد، ما از آن باخبر بودیم."

دانشجو با بیان اینکه "ما به رووسای دانشگاههای خود اعلام کرده ایم که در هیچ ستادی در ایام انتخابات همکاری نداشته باشند"، گفت: "۹۵ درصد آنها به این دستور گوش کردند و برخی نیز اجرا نکرده و در ستاد آقای روحانی و... فعالیت کردند." (۴)

د) دانشگاه آزاد محلی برای تسویه حسابهای جناحی

پس از روی کار آمدن دولت پادگانی - امنیتی احمدی نژاد، دانشگاه آزاد به نهادی برای تسویه حسابهای جناحی و سیاسی بین "اصولگرایان" و "اصلاح طلبان" تبدیل شد. از اولین تصمیماتی که احمدی نژاد در دولت نهم اتخاذ کرد، چنگ انداختن بر لقمه چرب و نرم دانشگاه آزاد اسلامی بود که در این پروسه درگیریهای لفظی شدیدی بین وی و مووسسان دانشگاه به وجود آمد. این تنشها حتی فراتر از دو قوه مجریه و قضاییه، خامنه ای را هم به میانه میدان کشید. زمانی که موضوع وقف دانشگاه آزاد مطرح گردید، خامنه ای می بایست به عنوان مرجع حل اختلاف به آن پاسخ دهد و به آن پاسخ منفی داد.

احمدی نژاد قصد تغییر مدیریت دانشگاه را داشت، اما هیات امنای ریاست هاشمی رفسنجانی از آن جلوگیری می کرد. داستان دنباله دار تغییر در مدیریت دانشگاه آزاد از ابتدای سال ۸۴ شروع شد و در نهایت دی ماه ۹۰ به مدیریت طولانی مدت عبدالله جاسبی بر دانشگاه آزاد پایان داده شد و به جای او فرهاد دانشجو، برادر وزیر علوم و از اعضای نزدیک به دولت بر صندلی ریاست این دانشگاه تکیه زد. روزنامه های دولتی آن روز با خوشحالی نوشتند "دانشگاه آزاد، آزاد شد" و "دانشگاه آزاد را خدا آزاد کرد." (۵)

همچنین احمدی نژاد در اقدامی دیگر نام میرحسین موسوی را از لیست هیات امنای دانشگاه آزاد خط زد.

* احمدی نژاد جاه طلبی کینه توز

احمدی نژاد زمان کوتاهی بعد از انتصاب فرهاد دانشجو، از این مساله پشیمان شد. دلیل این تغییر ۱۸۰ درجه ای سخنانی بود که دانشجو بر زبان آورد و موجب کینه ورزی احمدی نژاد شد. دانشجو در اظهار نظری در باره انتخاب خود از سوی احمدی نژاد، ضمن تشکر از او اعلام کرد: "برای من افتخاری است که رییس جمهور بر ریاست بنده بر دانشگاه آزاد نظر مثبت داشته باشد، اما برای من تکلیف، مساله شرعی است و تمایل ندارم به این سوال پاسخی بدهم، زیرا مایل نیستم بگویم اگر رییس جمهور دستور بدهد، کاری را انجام نمی دهم. در هر حال مرجعی که مسایل شرعی را تعیین می کند، رهبری است." (۶) پس از این اظهار نظر، احمدی نژاد از امضای حکم ریاست فرهاد دانشجو خودداری کرد و حتی در آخرین روز کاری خود نیز دست از سر برادران دانشجو برداشت و با انتشار گزارشی از سوی دفتر بازرسی ریاست جمهوری، از عملکرد برادران دانشجو انتقاد کرد و به افشاگری علیه آنان پرداخت.

* تصرف مجدد پس از انتخابات

نزدیک به سه ماه بعد از به قدرت رسیدن روحانی، موسسه دانشگاه آزاد دوباره به تصرف رفسنجانی و طیف کارگزاران درآمد و سازو کار ایجاد شده توسط متصرفان قبلی، برچیده شد. در یکی از اولین گامها در این راستا، هیات امنای دانشگاه در یک جلسه فوق العاده، فرهاد دانشجو را برکنار کرد و به طور نمادین به انتها رسیدن دوره سابق را اعلام داشت. صادق زیبا کلام، استاد دانشگاه تهران و یکی از وابستگان رفسنجانی درباره برکناری فرهاد دانشجو چنین اظهار نظر می کند: "کنار گذاردن دکتر فرهاد دانشجو، نه شکستی برای اصولگرایان بود و نه موفقیتی برای اصلاح طلبان و نه حتی

پیروزی برای آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان بنیانگذار دانشگاه آزاد. واقعیت آن است که گرفتن دانشگاه آزاد از همان ابتدای پیروزی آقای احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ به دلیل مخالفت با آقای هاشمی رفسنجانی به صورت یک هدف درآمده بود و به رغم آنکه آقای احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ از نظر قدرت سیاسی و نفوذ در حد بالایی بود، اما همانطور که آمد با همه وجود به دنبال گرفتن دانشگاه آزاد بود. اصولگرایان، دانشگاه آزاد را در اختیار دولت آقای احمدی نژاد گذاردند. اقدامی که دولت احمدی نژاد در مورد دانشگاه آزاد انجام داد، نوعی بی توجهی به قانون بود و آنچه دیروز اتفاق افتاد [برکناری فرهاد دانشجو]، در حقیقت اعتبار بخشیدن به حرمت قانون است." (۷)

و اما دانشجو عزل خود از ریاست ۶۰۰ روزه بر موسسه دانشگاه آزاد را "سیاست زدگی" و "کینه سیاسی" می داند. (۸)

ه) مشارکت دانشگاه آزاد در پروژه هسته ای

با لو رفتن مشارکت دانشگاه آزاد در پروژه غنی سازی اورانیوم، این مرکز نیز در تیررس تحریمها قرار گرفت. "راديو فردا" به نقل از روزنامه "گاردین" در این باره نوشت: "یک شرکت آمریکایی به همراه دانشگاه آزاد اسلامی تهران موافقت کرده اند که به اتفاق هم در یک پروژه هسته ای مربوط به همجوشی اتمی (گداخت) همکاری کنند. تردیدها درباره اینکه چطور تحریمهای تجاری آمریکا علیه ایران اجازه چنین توافقی را بدهد وجود دارد، اما شرکت "لارنس ویل پلاسما فیزیک" در یک بیانیه کتبی ادعا کرده است که قرارداد یاد شده بر اساس معافتهای وزارت خزانه داری آمریکا بر "مشارکت شرکتهای آمریکایی با موسسه های تحقیقاتی و آکادمیک در ایجاد و اشاعه نشریات نوشتاری" منعقد شده است." (۹)

در اوایل سال جاری نیز رییس دانشکده فنی و مهندسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد خبر داده بود که این موسسه در حال ساخت "نیروگاه هسته ای" است. ناصر شریف لو که سمت قبلی او "رییس نیروگاه اتمی بوشهر" ذکر شده، گفت: "نیروگاه "دارخوین" در حال پی ریزی است و ظرفیت آن ۳۶۰ مگاوات است." (۱۰)

و) دانشگاه آزاد، کارخانه مدرک سازی برای مسوولان نظام

با گذشت بیش از سه دهه از عمر دانشگاه آزاد اسلامی بخش بزرگی از نسل جدید مدیران در رده های مختلف کشور تربیت شده این دانشگاه هستند؛ سیاستمدارانی که وسوسه رسیدن به پست و کرسیهای مدیریتی دارند، بدون آنکه شایستگی آن را داشته باشند. در همین راستاست که با تغییر دولتها، مدیریت دانشگاه آزاد هم زیر ذره بین جریانات پیروز انتخاباتی قرار گرفته و گاهی جهت گیریهای سیاسی به تغییرات مدیریتی در این دانشگاه بزرگ کشور منجر می شود. در تاریخ سی و اندی ساله فعالیت دانشگاه آزاد، گاهی دولتها نه فقط در سطح مدیریت دانشگاه که حتی در مرحله چگونگی پذیرش دانشجو و انتخاب استادان نیز مداخله کرده و برای دانشگاه تعیین تکلیف کرده اند، به ویژه در دوره احمدی نژاد که این امر با قلع و قمع دانشجویان و اساتید چه با محرومیت از تحصیل و تدریس و چه از طریق شکنجه و بازداشت و ارباب آنها شدت گرفت.

دانشگاه آزاد در خدمت به دولتمردان با تاسیس واحدهای بین المللی سعی در بین المللی کردن و کسب اعتبار تحصیلی برای مسوولان دولتی کرد، اما با افتضاحاتی که در این راستا به وجود آمد و حتی به رسانه های بین المللی هم کشیده شد، دیگر آبرویی برای دولتمردان جمهوری اسلامی باقی نماند.

دانشگاه آزاد، این نهاد به ظاهر خصوصی که در سی سال گذشته با مدیریت عبدالله جاسبی اداره شده، با روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد طی ۸ سال گذشته محل تنشها و درگیریهای جناحی فراوانی بود. انتقادات از مدیریت سی ساله جاسبی بالا گرفت و این فرایند در مهرماه ۱۳۸۷ به اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد در شورای عالی انقلاب فرهنگی انجامید. هنگامی که هیات موسس نتوانست مانع اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد در شورای عالی انقلاب فرهنگی شود، هیات امنای این دانشگاه در اسفند ۱۳۸۷ تصمیم به وقف دانشگاه آزاد گرفت؛ مساله ای که با درگیری و مخالف دولت احمدی نژاد مواجه شد. وقف دانشگاه آزاد با مخالفت خامنه ای متوقف شد. در پایان این کشمکش، فرهاد دانشجو، گزینه مورد نظر دولت احمدی نژاد جایگزین عبدالله جاسبی در دانشگاه آزاد شد.

درگیریهای جناحی بر سر اداره دانشگاه آزاد گویای منابع عظیم قدرتی است که گستردگی این دانشگاه اکنون به وجود آورده است. تصور اینکه می توان ریاست ۳۸۵ واحد این دانشگاه و بسیاری از زیر مجموعه های آن را تعیین کرد و در مصرف منابع عظیم آن برای اهداف گوناگون سیاسی بهره برد، دانشگاه آزاد را به موضوع جذابی برای رقابت بر سر منابع ثروت و قدرت تبدیل کرده است. گویی در نبود احزاب سیاسی قوی در ایران، باندهای قدرت در فکر بهره بردن از منابع و گستردگی نهادهایی هستند که می توانند نقش حزب گونه ای را برای مقاصد سیاسی آنها ایفا کنند.

گروههای سیاسی در ایران همواره نیازمند امکاناتی بوده که بتوانند از طریق آن هواداران وفاداری را جلب کرده نگه دارند و داشتن هوادار وفادار، نیازمند امکانات مدیریتی و مالی وسیعی است. شاید از این منظر بتوان مناقشه هایی که بر کنترل و اداره این موسسه صورت می گیرد را بهتر فهمید.

با اتمام دوره دولت احمدی نژاد، زمزمه هایی که از برکناری فرهاد دانشجو به گوش می رسید، تحقق یافت. اکنون گروه سیاسی جدیدی در این دانشگاه به قدرت رسیده که دانشگاه آزاد و منابعش برای آن به همان میزان اهمیت دارد که برای دیگر شرکای قدرت!

پانویس

- ۱) دانشگاه آزاد سومین دانشگاه جهان پس از دانشگاه ایندیپندینا گاندی هند و علامه اقبال پاکستان و بزرگترین دانشگاه حضوری در دنیا می باشد. نقل از ویکی پدیا
- ۲) سایت عصر ایران - ۱۶ فروردین ۱۳۹۱
- ۳) سایت تابناک - ۲ آبان ۱۳۹۲
- ۴) سایت سرآمد اخبار به نقل از خبرگزاری تسنیم - ۲۶ شهریور ۱۳۹۲
- ۵) خبرگزاری بولتن نیوز - ۱۸ شهریور ۱۳۹۲
- ۶) خبرآنلاین - چهارشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۲
- ۷) خبر آنلاین - پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲
- ۸) سایت باشگاه خبرنگاران - شهریور ۱۳۹۲
- ۹) گداخت هسته ای یا "فیوژن"، فرآیندی برعکس عمل شکافت هسته ای است که در غنی سازی اورانیوم و استفاده از آن به عنوان سوخت در راکتور هسته ای یا بمب اتمی کاربرد دارد. همچنین در گداخت هسته ای، مشکلات زباله های سوخت هسته ای حاصل از فرآیند شکافت و معضل دفع آن نیز وجود ندارد. رادیو فردا - ۷ خرداد ۱۳۹۱
- ۱۰) خبرگزاری "ریانووستی" به نقل از خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا) - ۲۰ فروردین ۱۳۹۲

زنان در مسیر رهایی

کمپین نادیده گرفتن منع رانندگی زنان در عربستان



دوپچه وله، ۴ آبان - کوشندگان عربستان سعودی با وجود هشدار مقامهای این کشور، اقدام به انتشار ویدیوهایی از رانندگی زنان در خیابانهای این کشور در اینترنت کردند. این اقدام در پی فراخوان "کمپین ۲۶ اکتبر" برای لغو ممنوعیت رانندگی زنان انجام می شود.

زنان عربستانی تصمیم گرفتند روز

شنبه ۲۶ اکتبر (۴ آبان) پشت فرمان اتومبیلها نشسته و مخالفت خود با ممنوعیت رانندگی زنان در این کشور را نشان دهند. این اقدام در پاسخ به فراخوان "کمپین ۲۶ اکتبر" انجام می شود که هدف آن مبارزه با منع رانندگی زنان و به چالش کشیدن آن در این روز است.

از آغاز شروع کمپین در ساعات اولیه شنبه ۲۶ اکتبر، بیش از ۱۰ ویدیو در "یوتیوب" منتشر شده که نشاندهنده رانندگی زنان در خیابانهای عربستان سعودی است.

به گفته شاهدان عینی، نیروهای امنیتی و پلیس دینی عربستان به بسیاری از خیابانهای اصلی شهرها اعزام شدند تا در صورت دیدن زنی پشت فرمان اتومبیل، او را دستگیر کنند. پلیس پیش از این هشدار داده بود که با "بر هم زندگان نظم عمومی" به شدت برخورد خواهد کرد.

روحانیون تندروی عربستان نیز علیه سرپیچی از منع رانندگی زنان هشدار داده اند. ۱۵۰ روحانی عربستان سعودی علیه متمردان از این قانون ابراز نگرانی کرده و از مقامهای کشور خواستند به شدت با آن مقابله کنند. یکی از آنان، کمپین یادشده زنان را "آمریکایی" نامیده است.

به نقل از سازماندهندگان این کمپین، از زمان آغاز کمپین در ۲۰ سپتامبر در شبکه های اجتماعی اینترنتی، بیش از ۲۰ هزار تن از شهروندان عربستان از آن حمایت کرده اند.

دست اندرکاران "کمپین ۲۶ اکتبر" در صفحه خود در اینترنت نوشتند: "کمپین متوقف نخواهد شد ... ما با هم تا برچیده شدن این ممنوعیت راه را ادامه خواهیم داد."

این دومین کمپینی است که از سال ۲۰۱۱ میلادی تا به حال در چالش با منع رانندگی زنان راه اندازی می شود. در عربستان قانونی رسمی برای ممنوعیت رانندگی زنان وجود ندارد؛ با این حال برای زنان گواهینامه رانندگی صادر نمی شود و زنانی که اقدام به رانندگی می کنند، دستگیر می شوند. در سال ۱۹۹۰ میلادی ۴۷ زن در خیابانهای عربستان سعودی به علت اقدام به رانندگی دستگیر و به شدت مجازات شدند.

زنان هندی بیشتر از گذشته علیه تجاوز به قانون شکایت می برند

دی پی ای، ۸ آبان - در دهلی نو، پایتخت هند، شمار شکایات به خاطر تجاوز جنسی در حال افزایش است. تا ۱۵ اکتبر سال جاری (۲۴ مهر) پلیس ۱۳۳۰ مورد شکایت از خشونت جنسی را ثبت کرده است که آشکارا رقمی بسیار بیشتر از ۷۶۰ شکایت ثبت شده در سال گذشته میلادی است. به گفته مقامهای پلیس این افزایش ناشی از درگرفتن بحث همگانی پس از تجاوز گروهی به یک زن جوان در اتوبوس است. این تبهکاری در دسامبر سال گذشته



(آذر ماه ۱۳۹۱) جامعه هند را به وحشت انداخت.

سخنگوی پلیس، "راجن بهاقات" می گوید: "بیشتر بسیاری از موارد تجاوز اطلاع داده نمی شد، زیرا قربانیان از طرد شدن از سوی جامعه هراس داشتند. اکنون اما حتی بین پلیسها هم در این باره حساسیتی شکل گرفته است. در گذشته زنان به گونه دایمی از سوی پلیس دست بسر می شدند، چون شکایت آنها را جدی نمی گرفتند. حتی به برخی از زنان توصیه می شد که برای به خطر نیانداختن حیثیت خانواده شان، با فرد متجاوز ازدواج کنند."

پلیس آمار یاد شده را به درخواست دادگاه عالی کشور منتشر کرده است. در این آمار همچنین قید گردیده که بین ۱ ژانویه تا ۲۴ مارس سال جاری در دهلی نو ۳۵۹ شکایت از تجاوز ثبت شده است که در مقایسه با سال گذشته، افزایشی ۱۴۸ درصدی را نشان می دهد. شکایتها از مزاحمت جنسی در این دوره زمانی، حتی ۵۹۰ درصد افزایش داشته است. یک مقام قضایی در این بار می گوید: "زنان به گونه روزانه در قطار و اتوبوس آماج مزاحمت جنسی قرار می گیرند. آنها اینک اعتراض می کنند، زیرا این امر بالاخره از سوی بسیاری به عنوان یک معضل به رسمیت شناخته شده است."

کنیا: دستگاه قضایی می خواهد فوراً دست به اقدام بزند



دی پی ای، ۱۳ آبان - پس از اعتراضها علیه مجازات ریشخند آمیز چمن زنی برای یک گروه تجاوز کننده به یک دختر نوجوان در کنیا، قضایی ارشد کشور به دستگاه قضایی دستور داد دست به "اقدام سریع" بزند. "ویلی موتونگا" روز شنبه در نایروبی گفت، افزون بر این، پرونده مزبور را به شورای عالی دستگاه قضایی ارجاع داده است.

این امر که دستگاههای مربوطه چهار ماه پس از این تجاوز گروهی هیچ واکنشی نشان ندادند، صدها زن کنیایی را به خیابانها کشاند. یک فراخوان اعتراضی اینترنتی در همین رابطه، یک میلیون و سیصد هزار نفر امضا کننده یافت.

"لیز"، دختر نوجوان ۱۶ ساله، به گفته بستگانش در ماه ژوئن در غرب کنیا مورد حمله ۶ مرد قرار گرفت که پس از تجاوز به او، پیکر نیمه جانش را به درون گودال فاضلاب افکندند. لیز افزون بر جراحات، دچار شکستگی ستون فقرات شد و اکنون محکوم به نشستن روی صندلی چرخدار گردیده است. اهالی روستا، سه تن از متهمان را به پلیس تحویل دادند. مادر لیز در یک مصاحبه مطبوعاتی می گوید: "این سه نفر فقط باید چمن ایستگاه پلیس را کوتاه می کردند و کمی بعد دوباره آزاد شدند."

"چمن زدن کیفر تجاوز جنسی نیست"، این شعار بر پلاکاردهای صدها تظاهر کننده به چشم خورد که روز پنجشنبه در نایروبی راهپیمایی کردند. آنها شعار می دادند: "احترام، احترام، احترام، کرامت" و بر نرده های یک مرکز پلیس، لباس زیر آویختند. "نبیله عبدالملک"، کوشنده زنان که گردآوری امضا در اینترنت را سازمان داد، خواهان آن است که "متهمان دستگیر و پلیسها تنبیه انضباطی شوند".

خشونت علیه زنان در کنیا نیز رواج دارد. براساس یک پژوهش دولتی در سال ۲۰۰۹، یک پنجم زنان و دختران کل این کشور آفریقای شرقی، قربانی خشونت جنسی می شوند.

اعتراض جوانان ترکیه به مخالفت اردوغان با زندگی مختلط دانشجویی

دویچه وله/یورونیوز - چند ماه پس از اعتراض گسترده در ترکیه که جوانان پرچمدار آن بودند، رجب طیب اردوغان، بار دیگر با اظهار نظری جنجالی مخالفت بسیاری از جوانان را برانگیخت. نخست وزیر اسلامگرای ترکیه می گوید که با زندگی مختلط دانشجویان خارج از چارچوب ازدواج شرعی مخالف است.

هزاران دانشجوی ترک روز چهارشنبه ۶ نوامبر (۱۵ آبان) در مراکز تحصیلی این کشور با خواست دمکراسی بیشتر تظاهرات کردند. اما اردوغان بی توجه به این فراخوانها در صدد اصلاحاتی است که حتی به مذاق رای دهندگان او خوش نمی آید و جامعه ترکیه را چند قطبی می کند.

در ادامه اعتراضها، صدها تن از دانشجویان روز شنبه (۹ نوامبر/۱۸ آبان) نیز در استانبول گرد آمده و نسبت به این رویکرد آقای اردوغان واکنش نشان دادند.

یک دختر دانشجو در این تجمع گفت: "وقتی که ما در خانه ها دور هم جمع می شویم، می توانیم با هم مطالعه کنیم و غذایمان را با هم تقسیم کنیم. می توان زندگی مشترک داشت و می توان در جایی خصوصی تبادل عقیده کرد. یک خانه دانشجویی خصوصی تر است و می توانید با جان و دل در خدمت دوستانتان باشید. نمی دانم مردم چه فکری می کنند، ولی در جامعه ما که ادعا می شود محافظه کار و اسلامی است، قبول ازدواج شرعی آزاد است ولی آنان فکر می کنند که این غیراخلاقی است که دوستان با هم در خانه ها حرف بزنند. نمی فهمم و این طرز تفکر را نمی پذیرم".

چنگیز آکتر، کارشناس مسایل سیاسی در مرکز مطالعات سیاسی استانبول می گوید: "من حتی فکر هم نمی کنم که این مساله به یک قانون بدل شود، ولی چیزی که اتفاق می افتد این است که برخی که می خواهند نقش پلیس اخلاق را بازی کنند، جوانان و خانواده هایشان را آزار خواهند داد. آنها با پشتوانه سخنان نخست وزیر چنین رفتاری را دارند؛ رفتاری که از هم اکنون آغاز شده است."

"ترکیه ایران نخواهد شد"

عصر ایران، ۱۶ آبان - یک نماینده زن مجلس ترکیه از حزب لاییک جمهوریخواه خلق (CHP) در اعتراض به سیاستهای دولت اسلامگرای رجب طیب اردوغان با یک پلاکارد در جلسه مجلس حاضر شد.

به گزارش سی.ان.ان.ترک، در این پلاکارد با مقایسه حجاب زنان ایران در سال ۱۹۶۰ و سال ۲۰۱۳، دو تصویر متفاوت از ایران دوران شاه و زمان حاضر را به نمایش گذاشته شده و زیر آن نوشته شده: "ترکیه ایران نخواهد شد."



افزایش سهمیه زنان در هیاتهای مدیره موسسات دولتی سویس

اس دی ای، ۱۶ آبان - شورای فدرال سویس (دولت) قصد دارد سهمیه زنان در هیاتهای مدیره پست، راه آهن و دیگر موسسات دولتی را افزایش دهد. دولت روز چهارشنبه ۷ نوامبر (۱۶ آبان) قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن برای این پستها هر دو جنس سهمیه ای ۳۰ درصدی خواهند داشت. براساس یک گزارش دولت سویس به مجلس در نوامبر ۲۰۱۲ (آبان ماه ۱۳۹۱)، از ۲۶۴ عضو هیاتهای مدیره ای که توسط مجلس فدرال انتخاب می شوند، ۱۹۹ نفر مرد و ۶۵ تن زن بودند. این رقم بیانگر سهمیه ای برابر با ۲۵ درصد برای زنان بود.

قانون جدید که از جمله موسسات دیگری همچون سازمان نظارت بر بازار مالی، سازمان بازرسی ایمنی اتمی و کارخانه تسلیحاتی RUAG را نیز شامل می شود، از ابتدای سال جدید میلادی به دست اجرا گذاشته خواهد شد. هدف ۳۰ درصدی می بایست تا سال ۲۰۲۰ تحقق یابد.



از سال آینده می بایست سهمیه بندی جنسیتی هیاتهای مدیره، در گزارش سالانه مالی شرکتها ثبت شده و قابل اثبات باشد. این گزارش از سوی دولت به هیات بودجه مجلس فدرال ارائه می شود.

سوئد فیلمها را براساس رعایت تساوی حقوق رتبه گذاری می کند

فیلم استارت، ۱۶ آبان - از این پس در کشور پادشاهی سوئد فیلمهای سینمایی رتبه جدیدی به نام "رتبه A"

می گیرند، اگر زنان به صورت برابر در کنار مردان به نمایش درآمده باشند. برای دریافت این رتبه، فیلمها باید از آزمون "بکدل" موفق بیرون بیایند. آزمون بکدل نام خود را از "الیسون بکدل"، کارتونیسست آمریکایی وام گرفته که این ابتکار را در یکی از آثار خود (قانون) در سال ۱۹۸۵ مطرح کرد. آزمون مزبور از یک فیلم سه شرط مطالبه می کند:

۱. وجود دستکم دو نقش زن

۲. این دو نقش باید باهم دیالوگ داشته باشند

۳. موضوع دیالوگ چیزی غیر از مردها باشد

به گفته مسوولان صنعت فیلم سوئد، این واقعیت که چه تعداد اندکی فیلم در این آزمون موفق می شوند، شوکه کننده است. "الن تیله" مدیر یک سینمای محبوب در استکهلم و یکی از مبتکران رتبه بندی جدید می گوید، برای مثال سه گانه "ارباب حلقه ها"، تمام فیلمهای "جنگ ستارگان"، یا همچنین فیلمهایی مانند "شبکه اجتماعی" و "داستان عامه پسند" در این آزمایش ساده ناکام می مانند. به گفته وی، واکنش تماشاچیان به رتبه گذاری مزبور که از یک ماه پیش به دست

اجرا گذاشته شده، بسیار مثبت است. این امر، چشم بسیاری را به روی این زاویه از فیلمهای سینمایی باز کرد. امید می رود که با این گام، زمینه ورود فیلمهای بیشتری با سناریوهای زنانه یا از زاویه دید زنان به سینماها فراهم شود.

افزوده بر شماری از سینماهای سوئد که این رتبه بندی را در برنامه های خود درج می کنند، قرار است برخی از کانالهای تلویزیونی نیز به آنها بپیوندند. در همین رابطه یک کانال کابلی اعلام کرده از این پس یک ابر- یکشنبه "رتبه A"



سازماندهی می کند که در آن فقط فیلمهایی همچون "مسابقه گرسنگی"، "بانوی آهنین" و فیلم "وحشیها" ساخته اولیور استون که موفق به گذراندن آزمون شده اند، به نمایش درخواهند آمد.

در سوئد سالهاست که بحث در باره تبعیض جنسی و مطالبه برابری بیشتر حقوق جریان دارد و موجب دگرگونی و تغییر قوانین در بخشهای گوناگون شده است. ابتکار جدید بی تردید زیر نگاه هالیوود نیز قرار می گیرد، چرا

که در آنجا هم این بحث انجام می شود. براساس پژوهش یک موسسه در سن دیه گو پیرامون چگونگی برخورد با زنان در سینما و تلویزیون، در صد فیلم موفق سال ۲۰۱۱ تنها ۳۳ درصد کلیه نقشها زن بوده است و فقط ۱۱ درصد نقش اصلی را زنان بازی کرده اند. پژوهش مزبور معتقد است که این تناسب با عصر حاضر همخوانی ندارد. برخی تحلیل گران از این رو توصیه کرده اند که اگر استودیوهای بزرگ مایلند از بیشتر شدن شمار فیلمهای شکست خورده در گیشه جلوگیری کنند، باید تجدید نظر کرده و در فیلمهای خود به گونه نیرومند تری تماشاچیان زن را نیز مخاطب قرار دهند.

بلاتر خواهان رفع ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها در ایران شد

خبرگزاری مهر، ۱۷ آبان - ژوزف بلاتر، رییس فیفا در بازدید اخیر خود از ایران خواهان برداشتن ممنوعیت حضور بانوان در استادیومهای فوتبال این کشور شد.

اسوشیتدپرس در گزارشی پیرامون حضور بلاتر در ایران نوشت: "بلاتر در گفتگویی که با سران ایران از جمله علی لاریجانی، رییس مجلس داشت، خواهان برداشتن ممنوعیت حضور بانوان در ورزشگاهها شد.

قطر که سال گذشته نخستین نماینده زن خود را در المپیک ۲۰۱۲ لندن به میدان فرستاد، وعده داده در سال ۲۰۲۲ که میزبان جام جهانی خواهد بود، به بانوان اجازه حضور در ورزشگاه ها را خواهد داد."

خانم "مویا داد"، عضو کمیته اجرایی فیفا و نایب رییس بانوان کنفدراسیون فوتبال آسیا که بلاتر را در این سفر همراهی می کرد نیز یکی از نگرانیهایش را حل مشکل زنان ایرانی و حضور آنها در ورزشگاهها دانست و ابراز امیدواری کرد به زودی این مشکلات برطرف شود.

وی پیرامون گفتگوی بلاتر با رییس مجلس ایران در مورد حضور زنان در ورزشگاهها اظهار داشت: "من در آن جلسه حضور نداشتم، ولی خیلی امیدوارم این اتفاق بیفتد. این برای یک بازیکن انگیزه بالایی ایجاد می کند که وقتی در زمین است، خواهر و مادرش از روی سکوها او را تشویق کنند. من به شخصه نمی توانم تصور کنم پسر من در زمین بازی می کند و من نتوانم به ورزشگاه بروم تا او را تشویق کنم."

مویا داد در ادامه افزود: "البته ما نمی توانیم قوانین کشورها را عوض کنیم و به آن احترام می گذاریم، اما تا جایکه امکان دارد، تلاش می کنیم این اتفاق رخ دهد و شرایط حضور زنان ایرانی در ورزشگاهها هم فراهم شود تا آنها در کنار بازی کردن فوتبال و فوتسال، بتوانند بازیهای مختلف را هم از روی سکوها تماشا کنند."

کاهش شکاف جنسیتی در بسیاری از کشورها

بی بی سی، ۳ آبان - براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، شکاف جنسیتی میان مردان و زنان در خلال سالهای اخیر در بسیاری از کشورها کمتر شده است. بر اساس این گزارش، ایسلند، فنلاند و نروژ در میان ۱۳۶ کشور در صدر جدول بهبود وضعیت زنان در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، تحصیل، سلامت و حقوق هستند. خاورمیانه و شمال آفریقا تنها دو منطقه‌ای هستند که در سالهای اخیر هیچ پیشرفتی در زمینه مباحث زنان نداشتند و کشور یمن نیز در انتهای این لیست قرار گرفته است. ایران در این فهرست در رده ۱۳۰ در میان ۱۳۶ کشور قرار دارد. سوریه در رده ۱۳۳ و پاکستان در رده ۱۳۵ قرار دارد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آبان ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۳۶ حرکت اعتراضی نیروهای کار در آبان ماه



*روز سه شنبه ۳۰ مهر، کشاورزان شهرستان تنگستان در استان بوشهر در مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، در این تجمع کشاورزان نسبت به عدم اختصاص سوخت به کشاورزان، عدم تخصیص بودجه لازم برای احداث سد و انتقال و فروش غیرقانونی آبهای مازاد معترض بودند.

*کارگران کارخانه سرب و روی زنجان طی روزهای چهارشنبه ۱، پنجشنبه ۲ و جمعه ۳ آبان در اعتراض به تعطیلی کارخانه برای سومین بار طی سه ماه اخیر در مقابل استانداری زنجان تجمع و خواستار بازگشایی این کارخانه شدند.

به گزارش مهر، کارخانه سرب و روی زنجان در ۲۳ مرداد امسال در پی بالا گرفتن موج اعتراضات به آنچه که آلاینده بودن فعالیتهای کارخانه سرب و روی بود تعطیل شد.

*اعضای تعاونی ۴۸۶ واحدی مسکن مهر سیرجان با نام تعاونی فردای ماندگار روز شنبه ۴ آبان در مقابل فرمانداری سیرجان تجمع و نسبت به عملکرد بد هیات مدیره این تعاونی اعتراض کردند.

به گزارش فارس هنوز زیرسازی، آسانسور و راه پله های مسکن مهر باقیمانده و شرکت تعاونی نیز اعلام کرده که متقاضیان باید ۲۳ میلیون تومان دیگر پرداخت کنید در غیر این صورت از لیست مسکن حذف می شوید.

*به گزارش یزد رسا، روز شنبه ۴ آبان، کارگران بخش فولاد آبتین زیر نظر کارخانه فولاد ارفع اردکان به دلیل اعتصاب از انجام فعالیت سرباز زدند.

*کارگران اخراج شده کارخانه «فولاد زاگرس» در اعتراض به اجرا نشدن مصوبات مجلس در مورد مشکلات کارخانه با سفر به تهران در روز یکشنبه ۵ مرداد در مقابل ساختمان مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران کارخانه

فولاد زاگرس درباره این تجمع گفت: بعد از آنکه اعتراض صنفی کارگران فولاد زاگرس روز ۲۶ تیر ماه سال جاری در تهران با وعده تعدادی از نمایندگان مجلس خاتمه یافت و مجلس نیز مصوباتی را برای بازگشت بکار این کارگران و همچنین پرداخت معوقات حقوقی آنان به تصویب رساند، اما اجرای این مصوبات با بی توجهی مسئولان استانی و کارفرمای کارخانه مواجه شد.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران با تکان دادن نرده های جلوی مجلس به طور یکپارچه اقدام به سر دادن شعار کرده و شعار می دادند؛ یا مرگ یا زندگی / توپ تانک فشفشه، این مجلس کارگر کُشه / مجلس بی اقتدار، نوکر سرمایه دار و...،

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل ساختمان مجلس روز دوشنبه ۶ آبان وارد دومین روز خود شد. کارگران پس از چندین ساعت تجمع در مقابل مجلس و محقق نشدن وعده دیروز کارفرما در خصوص پرداخت مطالبات کارگران، با حضور در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پی گیر مطالبات صنفی خود شدند. کارگران ذوب آهن فولاد زاگرس بعد از سه روز اعتراض سرانجام سه شنبه شب ۷ آبان، با دریافت بخشی از حقوق معوقه ۷ ماه گذشته شان راهی محل اقامت خود در شهرستان قروه شدند.

*به گزارش ایران کارگر، جمعی از کارکنان شرکت گلرنگ کرمانشاه، به دلیل عدم دریافت ۶ ماه اضافه حقوقشان در روز دوشنبه ۶ آبان دست به تجمع اعتراضی در مقابل شرکت زدند.

*در پی لغو مجوز ۲ آموزشگاه موسیقی در نجف آباد، بیش از یکصد نفر از نوازندگان این شهر روز دوشنبه ۶ آبان در مقابل اداره ارشاد اصفهان تجمع کردند تا نسبت به آن عمل غیر قانونی اعتراض کنند. به گزارش آژانس ایران خبر، درحالیکه این تجمع در سکوت انجام می شد عده ای از افراد لباس شخصی که تعدادشان بیش از ۵۰ نفر بود تجمع کنندگان را محاصره کرده و با فحاشی و پرت کردن اشیایی به سمت آنها قصد تحریک داشتند. در این میان تعدادی از اساتید موسیقی که در بین تجمع کنندگان بودند جوانان را به آرامش دعوت کردند، اما ناگهان تعدادی از افراد لباس شخصی با وحشیگری تمام و با چوب و چماق به میان جمعیت آمده و تعداد زیادی را مجروح نمودند.

*کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت تپه از روز دوشنبه ۶ آبان دست به اعتصاب زدند. به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، خواسته های کارگران اعتصابی پرداخت پاداش سال ۹۱ و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است.



Iranian Labour News Agency

کارگران نی بر در دیدار با مدیریت شرکت نیشکر در روز سه شنبه ۷ آبان اعلام کردند که تا دستیابی به خواسته هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

*روز چهارشنبه ۸ آبان، کارگران کارخانه پلی اکریل ایران به دلیل تغییر نوع قرار داد، حذف هزینه سختی کار از فیش حقوقی و در نهایت جداسازی شرکتهای زیر مجموعه که منجر به تعدیل نیرو می شود مقابل درب این

کارخانه تجمع کردند.

به گزارش تسنیم، شرکت پلی اکریل ایران در ۴۵ کیلو متری جاده اصفهان مبارکه قرار دارد و دارای حدود ۶ شرکت زیر مجموعه است که به صورت یک هلدینگ با یکدیگر همکاری می کنند اما در این بین بر اساس گفته کارگران این شرکت، برخی از مسئولان این کارخانه به دنبال جدا سازی شرکتهای زیر مجموعه بوده و در همین راستا نیز تعداد نیروی کاری برخی واحدها را تعدیل کردند که منجر به افزایش فشار به کارگران باقی مانده شده است.

*روز شنبه ۱۱ آبان، جمعی از کارگران کارخانه پلی اکریل ایران در اعتراض به تصمیم کارفرما بر جداسازی برخی از شرکتهای زیر مجموعه این کارخانه، در مقابل ساختمان اداری این کارخانه در اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران در اعتراض به واگذاری شرکت پلی اکریل ایران به چند شرکت اقماری تجمع کردند، چرا که با تغییر مدیریت، نحوه تنظیم قراردادها و سایر مزایای حقوقی کارگران نیز تغییر می کند.



روز یکشنبه ۱۲ آبان، بیش از هزار تن از کارگران پلی اکریل ایران برای سومین بار طی پنج روز گذشته، در اعتراض به سیاست «کوچک سازی» در مقابل ساختمان اداری این کارخانه در اصفهان تجمع کردند.

*روز شنبه ۱۱ آبان، کارگران گرگان فلز در اعتراض به عدم دریافت ۱۵ ماه حقوق و معوقات خود در مقابل استانداری گلستان دست تجمع کردند. به گزارش فارس، کارفرمای این واحد تولیدی را تعطیل کرده و کارگران را نیز مرخص کرده و در عین حال که ۱۵ ماه حقوق معوقه آنان را نمی پردازد، به آنها گفته شده که هر کاری می خواهید انجام دهید.

*بازنشستگان تحت پوشش بیمه تکمیلی دی برای دریافت مطالبات خود در روز شنبه ۱۱ آبان در مقابل یکی از شعبات آن واقع در خیابان برفروشان (روبروی پارک هنرمندان) تجمع کردند. به گزارش تسنیم، مشکلات مردم با بیمه دی مربوط به امروز و این هفته نبود و افرادی که بعد از طی مراحل درمانی و پرداخت هزینه ها از جیب خود برای دریافت خسارت مراجعه می کردند، با پاسخهای غیرموجهی از سوی کارمندان بیمه مواجه می شدند.

*روز یکشنبه ۱۲ آبان، تعدادی از کارگران شرکت پیمانکاری «ساحل سبز خوزستان» وابسته به شهرداری منطقه دو اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات صنفی خود در پارک ایثار اهواز دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارفرمای شرکت ساحل سبز خوزستان از شهریور ماه سال ۹۰ با هیچ یک از کارگران خود قرار داد همکاری منعقد نکرده است.

*روز یکشنبه ۱۲ آبان، شماری از بازنشستگان پالایشگاه آبادان با تجمع مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت ضمن درخواست ملاقات حضوری با وزیر نفت خواستار پیگیری فروش منازل سازمانی بازنشستگان این پالایشگاه شدند. به

گزارش تسنیم، بازنشستگان این پالایشگاه خواستار رسیدگی به فروش ۷۵ درصد از منازل سازمانی به افراد غیردولتی شدند.

*جمعی از کارگران فاز ۱۳ میدان گازی پارس جنوبی در عسلویه روز یکشنبه ۱۲ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق چهار ماهه خود تجمع کردند.

به گزارش ایسنا، این تجمع با وعده مسئولان سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مبنی بر پرداخت حقوق معوقه کارگران به پایان رسید.

فاز ۱۳ پارس جنوبی از قراردادهای ۳۵ ماهه محسوب می‌شود اما در حال حاضر توسعه این فاز به دلیل تغییر در اولویتهای وزارت نفت در توسعه فازهای میدان مشترک پارس جنوبی متوقف شده است و چهار هزار کارگر آن چهار ماه است با وجود داشتن قرارداد بیکارند. هدف از توسعه فاز ۱۳ تولید روزانه ۵۶ میلیون متر مکعب گاز است. علاوه بر این با تکمیل توسعه این طرح روزانه ۷۵ هزار بشکه میعانات گازی، ۲۹۰۰ تن گاز مایع (LPG)، ۲۷۵۰ تن اتان و روزانه ۴۰۰ تن گوگرد تولید می‌شود.

پیشرفت کل این طرح تاکنون به ۶۱ درصد رسیده که سهم پالایشگاه خشکی از این پیشرفت ۷۲.۲۷ درصد است. ساخت چهار سکو دریایی این فاز که باید توسط شرکت فراساحل صدرا بوشهر صورت گیرد نیز تاکنون ۵۵ درصد پیشرفت داشته است.

همچنین در حال حاضر کلیه لوله‌های مورد نیاز برای ساخت خط لوله‌ای به طول ۱۸۰ کیلومتر تامین و کوتینگ شده است اما هنوز ساخت خط لوله آغاز نشده است.

سرمایه مورد نیاز برای توسعه فاز ۱۳ پارس جنوبی ۶.۱ میلیارد دلار اعلام شده که تاکنون ۳.۸ میلیارد تومان آن هزینه شده است.

به گزارش ایسنا، در ابتدا طرح توسعه فاز ۱۳ میدان پارس جنوبی به شرکتهای انگلیسی - هلندی شل و رپسول اسپانیا سپرده شد، اما این دو شرکت با عذرخواهی رسمی و به دلیل آنچه مشکلات اقتصادی عنوان شده بود، از حضور در این پروژه کناره‌گیری کردند.

بعد از آن مذاکراتی با قرارگاه خاتم‌الاولی (ص) برای واگذاری فاز ۱۳ صورت گرفت اما در نهایت طرح توسعه فاز ۱۳ پارس جنوبی به شرکتهای پترو پایدار ایرانیان، مپنا و صدرا سپرده شد.

*کارگران اخراج شده از شرکت پونل در روز دوشنبه ۱۳ آبان در مقابل اداره کار پاکدشت تجمع کردند. به گزارش سایت همبستگی ملی، این کارگران خواهان پرداخت حقوق معوقه خودشان و بازگشت به کار شدند. حکم توقیف اموال این شرکت در رابطه با مطالبات کارگران صادر شده اما به دلیل زد و بندهای پشت پرده با کارفرمای شرکت این حکم تاکنون عملی نشد.

*روز سه شنبه ۱۴ آبان بیش از هزار تن از کارگران پلی اکریل ایران برای چهارمین بار در طی هفت روز اخیر در اعتراض به سیاست «کوچک سازی کارخانه» در محوطه داخلی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران انتظار داشتند با شروع اعتراضات، مسئولان کارخانه و مقامات استانی نگرانی کارگران را درباره پروژه جداسازی شرکتهای وابسته و انتقال قراردادهای به شرکتهای اقماری بشنوند.

جمعی از اعضای شرکتهای تعاونی تولیدی روستایی روز سه شنبه ۱۴ آبان در مقابل درب شمالی مجلس تجمع کردند. به گزارش فارس در حال حاضر حدود چهار هزار تن در تعاونی تولیدی روستایی کشور فعالیت می کنند.



*روز سه شنبه ۱۴ آبان، کارگران کارخانه قطعات بتونی گیلان در اعتراض به ۴ ماه حقوق معوقه، در مقابل ساختمان این کارخانه در رشت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این کارخانه در روز چهارشنبه ۱۵ آبان برای دومین روز متوالی تجمع کردند.

کارگران شرکت تولیدی کانال پیش ساخته، لوله و قطعات بتونی گیلان که تحت نظارت شرکت پیمانکاری «گیلان آفتاب یکتا» فعالیت دارند از ۴ ماه گذشته حقوق نگرفته و بیمه آنان نیز واریز

نشده است. کارگران برای سومین روز متوالی در روز پنجشنبه نیز به تجمع خود ادامه دادند.

*جمعی از پرسنل و کارگران شرکت گروه صنعتی فلات کوهرنگ که در تولید لبنیات فعالیت می کنند، روز پنجشنبه ۱۶ آبان در مقابل ساختمان این کارخانه تجمع کرده و اعلام کردند که حدود چهار ماه است حقوق نگرفته اند. در این شرکت حدود ۵۰۰ پرسنل در سه شیفت کاری فعال هستند. گروه صنعتی فلات کوهرنگ در شهر کیان از توابع شهرستان شهرکرد و در فاصله هفت کیلومتری مرکز استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است.

*تجمع کارگران شرکت قطعات بتونی گیلان در محوطه این کارخانه روز شنبه ۱۸ آبان وارد پنجمین روز شد. به گزارش ایلنا، کارگران اعلام کردند که حقوق کارگران هنوز پرداخت نشده و مسئولان استانی همچنان در برابر مطالبات صنفی ۲۰۰ کارگر سکوت کرده اند. و در جمع کارگران حاضر نشده تا صدای آنها را بشنوند. حرکت اعتراضی این کارگران در روز دوشنبه ۱۳ آبان آغاز شد.

کارگران موفق شدند روز سه شنبه ۲۱ آبان دو ماه از ۴ ماه حقوق معوقه شان را دریافت کنند.

*جمعی از کارگران نیروگاه دماوند صبح روز شنبه ۱۸ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود در مقابل درب ورودی این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، ۶۰۰ کارگر شاغل در این نیروگاه بیش از یک سال بابت حقوق بیمه اجباری و تکمیلی، اضافه کاری، عیدی، پاداش و بن کارگری از کارفرما طلبکارند. مالکیت نیروگاه حرارتی دماوند که هشت سال از شروع فعالیت آن می گذرد در سال ۹۱ از شرکت توانیر به بنیاد شهید واگذار شد.

نیروگاه حرارتی دماوند بزرگترین نیروگاه حرارتی سیکل ترکیبی در خاورمیانه است و در حال حاضر ۳۵ درصد برق مصرفی تهران و ۷ درصد برق مصرفی کشور در این واحد تولید می شود.

*کارگران اخراج شده از شرکت شیمیایی فلزی خاور، روز شنبه ۱۸ آبان در مقابل دادسرای پاکدشت دست به تجمع زدند. به گزارش ایران کارگر، این کارگران پس از ماهها اعتراض و پیگیری موفق به اخذ حکم توقیف کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. کارگران معترض بیش از ۹ ماه حقوق معوقه طلب دارند.

*جمعی از کارگران شرکت جهاد نصر مشهد روز یکشنبه ۱۹ آبان با تجمع در مقابل استانداری خراسان رضوی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان به علت خصوصی شدن شرکت جهاد نصر مشهد و مشکلات شغلی کنونی خود، خواهان بازگشت به سازمان جهاد کشاورزی به عنوان محل کار قبلی خود شدند.

*روز دوشنبه ۲۰ آبان کارگران شرکت شیر و گوشت زاگرس که از ماهها پیش به عدم دریافت حقوق خود معترض بودند جاده سامان به شهرکرد را بسته و باعث بروز کیلومترها راه بندان در محور سامان به شهرکرد که بخشی از جاده قدیم اصفهان به شهرکرد است شدند. به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران امیدوارند این اعتراض دو ساعته که مشکلات بسیاری را نیز برای تردد مسافران و حمل و نقل در پی داشت دست آورد مثبتی هم به دنبال داشته باشد.

*جمعی از کارگردان شهرداری بهبهان در روز سه شنبه ۲۱ آبان به دلیل حقوقهای معوقه خود اقدام به تجمع و تحصن کردند. به گزارش مهر، به دلیل بلوکه شدن حسابهای شهرداری بهبهان، بخشی از حقوق کارگران این شهرداری پرداخت نشده است.

*در پی اعتراض پنج روزه کارگران پلی اکریل، با تعیین مهلت ده روزه، قرار بود تا ۲۵ آبان خواسته های صنفی آنها توسط مسئولان استانی رسیدگی شود. به گزارش ایلنا، کارگران این کارخانه در ظهر روز یکشنبه ۲۶ آبان با تجمع در محیط کارخانه، اعتراضات صنفی خود را از سر گرفتند.

*کارگران کارخانه «نکاسفال» شهرستان نکا در شرق مازندران روز یکشنبه ۲۶ آبان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و معوقات خود در فرمانداری نکا تجمع کردند. به گزارش فارس، شرکت نکا سفال یکی از شرکتهای و کارخانجات بزرگ شرق مازندران در تولید سفال است که حدود یک سال به دلیل مشکلات مالی تعطیل شده است. به گزارش ایلنا، بیشترین بدهی حقوق معوقه این شرکت به برخی از کارگران دو میلیون تومان است که روز دوشنبه ۲۷ آبان مقرر شد تا مقداری از حقوق معوقه کارگران به آنان پرداخت و همچنین تولید این کارخانه بعد از یک ماه تعطیلی از سر گرفته شود.

*روز یکشنبه ۲۶ آبان، کارگران شهرداری هندیجان به دلیل حقوق معوقه پنج ماهه خود تجمع کردند. به گزارش فارس این کارگران خواستار رسیدگی هر چه سریع تر مسئولان استانی به این وضعیت پرداختی حقوق در شهرداری هندیجان شدند.

*روز دوشنبه ۲۷ آبان بیش از ۱۵۰۰ کارگر پتروشیمی بسباران دست به اعتصاب زدند. به گزارش سایت پیام، کارگران خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند. کارگران معترض اعلام کردند؛ دستمزدهای کنونی به هیچ عنوان تامین کننده هزینه های سرسام آور زندگی نیست و تا رسیدن به خواست خود برای افزایش مزد به اعتصاب خویش ادامه خواهند داد.

*صدها تن از کارگران پلی اکريل اصفهان عصر روز دوشنبه ۲۷ آبان در اعتراض به آنچه خلف وعده فرماندار می دانستند بار دیگر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران پس از مشورت، تصمیم گیری در خصوص آینده اعتراض صنفی خود را به روز سه شنبه ۲۸ آبان موکول کردند.

۱۵۰۰ کارگر پلی اکريل اصفهان سالهاست که در قالب شش شرکت زیر مجموعه تحت مسئولیت شرکت مادر (هلدینگ) کار می کنند و حال با تصمیم کارفرما مبنی بر جدا سازی شرکتهای زیر مجموعه، امنیت شغلی خود را در معرض خطر می بینند.

*کارگران پیمانی تاسیسات دانشگاه علم و صنعت در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران این مجموعه و آنچه شرایط ناعادلانه کاری عنوان می کردند، صبح روز دوشنبه ۲۷ آبان در مقابل اداره خدمات این دانشگاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران بخش تاسیسات دانشگاه علم و صنعت زیر نظر شرکت پیمانکاری «پارس آماد» فعالیت می کنند. ۱۰ کارگر ماه گذشته اخراج شدند و پیمانکار اعلام کرده است ۲۰ کارگر دیگر نیز به زودی اخراج می شوند.

*روز سه شنبه ۲۸ آبان جمعی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی ساوه به خاطر مشکلات نحوه خدمات رسانی و پایین بودن حقوق ماهانه دست از کار کشیدند. به گزارش آژانس ایران خبر، این رانندگان اعلام کردند که ماهانه ۴۵۰ هزار تومان حقوق می گیرند که با توجه به شرایط اقتصادی و تورم بالا، به هیچ وجه نمی تواند مسائل معیشتی یک خانواده کارگری را تأمین کند.

*در ادامه تجمع صدها تن از کارگران پلی اکريل، آنها دوشنبه شب را در مسجد کارخانه سپری کردند و صبح روز سه شنبه ۲۸ آبان با پیوستن سایر کارگران، تجمع اعتراضی را از سر گرفتند. به گزارش ایلنا، بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگر پلی اکريل اصفهان در سومین روز از دور جدید حرکت اعتراضی خود، در واکنش به سیاست کوچک سازی و تصمیم کارفرما مبنی بر جداسازی شرکتهای زیر مجموعه، بار دیگر در محوطه کارخانه تجمع کردند. بر اساس سیاست کوچک سازی، مجموعه شرکتهای پلی اکريل ایران در حال واگذاری است و قرار است آزمایشگاه به شرکت نیک آزمون، نیروگاه به انرژی گستران، پلی استر به پلی استر هشت بهشت، اکلیت ۲ به الیاف زاینده رود، اسکه سازی به شرکت خدمات بندری و بخش خدمات نیز به شرکت پهن گستر انتقال یابد.

*روز چهارشنبه ۲۹ آبان تجمعات اعتراضی کارگران پلی اکريل وارد چهارمین روز خود شد. به گزارش ایلنا، کارگران برای گرفتن هر گونه بهانه ای از مخالفان شان و مقابله با برچسب احتمالی «اغتشاش گر» که زمینه را برای فراموشی مطالباتشان فراهم می کند، تصمیم گرفته اند خللی در روند تولید کارخانه ایجاد نشود.

*اعتصاب چهار روزه کارگران شهرداری بهبهان با دریافت یک ماه از هشت ماه حقوق عقب افتاده در روز چهارشنبه ۲۹ آبان پایان یافت. به گزارش مهر، تاخیر در پرداخت هشت ماه حقوق آن هم ماهی ۵۰۰ هزار تومان که کارگر با آن حتی نمی تواند مایحتاج روزمره خود را هم تامین کند باعث شد تا این کارگران دست به اعتصاب طولانی بزنند.

*چهار کارگر پلی اکریل اصفهان در ساعت چهار بامداد روز پنجشنبه ۳۰ آبان توسط نیروهای سرکوبی رژیم بازداشت شدند. به گزارش ایلنا بازداشت شدگان به دستگرد، در ۱۳ کیلومتری شمال شهر اصفهان منتقل شدند. جواد لطفی، عباس حقیقی، کیومرث رحیمی و احمد صابری چهار کارگری هستند که با ادامه دور دوم اعتراضات کارگران پلی اکریل بازداشت شدند. کارگران پیشتر، طی دور اول اعتراضات در روزهای ۸، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ آبان با برگزاری تجمعاتی خواستار رسیدگی مسئولان استانی به مطالبات صنفی شان شدند.

دور دوم اعتراضات از ۲۵ آبان، پس از پایان مهلت ده روزه رسیدگی به مطالبات صنفی کارگران شروع و در روزهای ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ آبان با تجمع در محوطه کارخانه ادامه پیدا کرد.

کارگران پلی اکریل در ادامه اعتراضات خود، صبح چهارشنبه ۲۹ آبان از ساعت ۷ تا ۱۱ در محوطه کارخانه تجمع کردند و با شروع بارندگی به مسجد کارخانه رفتند تا درباره آینده اعتراضات صنفی شان تصمیم بگیرند.

اتحاد مان چاره ساز است!

دوستان کارگر

با کوشش کارگران سندیکایی فلزکار و مکانیک و سندیکای کارگران نقاش و حمایت کارگران، طرح دو فوریتی تعیین تکلیف اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده اند، پس از اعمال اصلاحاتی در مجلس به تایید شورای نگهبان رسید. کارگران کم سابقه می توانند با پرداخت پول به سازمان تامین اجتماعی و خرید کسر سابقه بیمه تا ۱۰ سال سابقه پرداخت بیمه، از مزایای بازنشستگی با دریافت ۱۰ روز مستمری و دسترسی رایگان به خدمات درمانی بهره مند شوند.

این طرح که به سود کارگران شاغل در کارگاههای کوچک و کارگران قرارداد موقت و سفید امضا بود در شورای نگهبان رد شد. کارگران سندیکایی با ارسال نامه ای در تاریخ ۶ مهر ۱۳۹۲ به ریاست مجلس، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، ۲ تن از نمایندگان مجلس، سازمان تامین اجتماعی، وزارت کار و خبرگزاری ایلنا، اعتراض خود را اعلام کرده خواستار تصویب طرح فوق شدند. این نامه از طرف ۷۴۴ کارگر شامل؛ کارگران فلزکارمکانیک، کارگران نقاش، کارگران زن شاغل در کارگاهها، کارگران کارخانه پاکشوما، کارگران کارخانه طیوران ابزار شهرک صنعتی پرند، کارخانه تابان گستر پویا شهرک صنعتی نصیرآباد شهریار امضا شد. نا گفته نماند که ۲۰ درصد امضاها جمع آوری شده متعلق به کارگران زن شاغل در کارگاهها بوده است.

قابل ذکر است که برای اولین بار در جمع آوری طومار در ایران ۳۲ کارگر فلزکار و مکانیک با نوشتن شماره تلفنهای خود به این طومار اعتباری خاص بخشیدند.

با آرزوی محکم تر شدن همبستگی کارگران ایران در دفاع از حقوق کارگری خود.

سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

۴ آبان ۱۳۹۲

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- تصور سرنگون شدن سیستم سیاسی کنونی تنها چیزی از سیاست است که مرا به وجد می آورد (راسل براند، متولد ۱۹۷۵، کمترین انگلیسی، هنرپیشه، شومن و نویسنده)
- انسان نباید تمام زندگی اش را صرف این کند که خودش را از دریچه چشم دیگران ببیند (پنه لوپه کروز، متولد ۱۹۷۴، هنرپیشه و مدل اسپانیایی)

سینما



اعتراض سینماگران به ممنوعیت خروج محمد رسول اف

شماری از کارگردانان سینمای جهان در اعتراض به ممنوعیت خروج محمد رسول اف، کارگردان ایرانی، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در سوئد تجمع کردند. محمد رسول اف اجازه نیافته است برای شرکت در جشنواره فیلم استکهلم از ایران خارج

شود. حدود ۲۰ کارگردان در حالیکه پارچه ای به چشمان خود بسته بودند، در مقابل سفارت رژیم دست به اعتراض زدند. دستمال چشم آنان اشاره به فیلم "دست نوشته ها نمی سوزند"، ساخته محمد رسول اف داشت. این اثر، یکی از فیلمهای حاضر در جشنواره استکهلم است.

۱۹ میلیارد تومان هزینه برای تولید ۸ فیلم با فروش ۴۹۶ میلیون

در دوره مدیریت سیداحمد میرعلایی، مدیرعامل پیشین بنیاد سینمایی فارابی، بیش از ۱۹ میلیارد تومان برای تولید آثاری که حدود ۵۰۰ میلیون تومان فروش داشته اند، هدر داده شده است. بودجه ده فیلم تولید شده از سوی بنیاد سینمایی فارابی در مجموع ۲۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بوده است.



در میان انبوهی از فیلمهای سینمایی در سالهای اخیر که با بودجه این موسسه دولتی تولید شدند، فقط ۳۰ درصد توانسته اند سرمایه

ای که صرف آنها شده را برگردانند. بنیاد سینمایی فارابی در سایت رسمی خود از انتشار نام فیلمهایی که با سرمایه گذاری بنیاد تولید شده خودداری کرده است.

ناآرامیهای تابستان ۲۰۱۳ در استانبول بر روی پرده سینما

در هشتمین دوره "جشنواره فیلمهای ترکی" در کلن، در کنار تازه ترین فیلمهای سینمایی این کشور، چند مستند از تظاهرات گسترده مردم در مخالفت با برنامه های دولت رجب طیب اردوغان، نخست وزیر این کشور نیز به نمایش درمی آید.



"این تازه آغاز کار است"، مونتازی از فیلمهای کوتاه در این باره است که به انتخاب "نشاطی سونمز"، یکی از دست اندرکاران "جشنواره فیلمهای مستند ترکیه" تهیه شده است.

موسیقی

انیو موریکونه بهترین آهنگساز سال ۲۰۱۳ اروپا شد

"انیو موریکونه"، آهنگساز و موسیقیدان سرشناس ایتالیایی برای ساخت موسیقی فیلم "بهترین پیشنهاد" ساخته "جوزپه تورناتوره" از سوی آکادمی فیلم اروپا به عنوان بهترین آهنگساز سال ۲۰۱۳ اروپا برگزیده شد. هیات داوران هفت نفره آکادمی فیلم اروپا گفتند که او به راستی یک آهنگساز جهانی و یک استاد واقعی است. انیو موریکونه، آهنگساز سرشناس ایتالیایی، با فیلمهای ماندگار تاریخ سینما چون "خوب، بد، زشت" پیوند خورده است. وی تقریباً در تمام فیلمهای "سرگیو لئونه" مسوولیت ساخت موسیقی را برعهده داشت. کارنامه سینمایی او سرشار از افتخارات و جوایز متعدد است. وی پنج بار نامزد دریافت جایزه اسکار بود که در سال ۲۰۰۷ جایزه ویژه دستاورد هنری را از آکادمی اسکار دریافت کرد.

موریکونه با کارگردانان سرشناسی چون "برناردو برتولوچی"، "پیر پائولو پازولینی"، "پدرو آلمادوار"، "جوزپه تورناتوره"، "اولیور استون"، "ترنس مالیک"، "برایان دی پالما"، "کوینتین تارانتینو" و "بری لوینستون" همکاری داشته است. موسیقی فیلمهایی چون "یک مشت دلار" (۱۹۶۴)، "به خاطر چند دلار بیشتر" (۱۹۶۵)، "روزی روزگاری در غرب" (۱۹۶۸)، "روزهای بهشت" (۱۹۷۸)، "روزی روزگاری در آمریکا" (۱۹۸۴)، "ماموریت" (۱۹۸۶)، "تسخیرناپذیران" (۱۹۸۷)، "سینما پارادیزو" (۱۹۸۸)، "هملت" (۱۹۹۰)، "مالنا" (۲۰۰۰)، "بیل را بکش" و ... از کارهای اوست.



دریافت نشان افتخار دولتهای ایتالیا، فرانسه و مقدونی، جایزه "گرمی"، دو "گلدن گلوب"، پنج "بافتا"، ۹ جایزه "دیوید دو دوناتلو" (اسکار سینمای ایتالیا)، ۱۰ "روبان نقره ای"، "شیر طلایی" افتخاری فستیوال ونیز، "عقاب طلایی" آکادمی سینمایی روسیه (۲۰۰۳) و جایزه موسیقی "پولار" از جمله افتخارات وی محسوب می شود. از میان آثار او که بیش از ۶۰ میلیون نسخه از آن در جهان به فروش رفته، "روزی روزگاری در غرب" با فروش تقریبی ۱۰ میلیون نسخه از پر فروش ترین موسیقیهای بی کلام فیلم در تاریخ سینما به شمار می آید.

عذرخواهی وزیر خارجه ترکیه از خواننده کرد

"احمد داوود اوغلو"، وزیر امور خارجه ترکیه در مصاحبه با موسسه "بروکینگز" در واشنگتن از خواننده کرد، "شوان پرور"، به خاطر "سیاستهای نادرست" که باعث دور افتادن وی از ترکیه شده، عذرخواهی کرد.

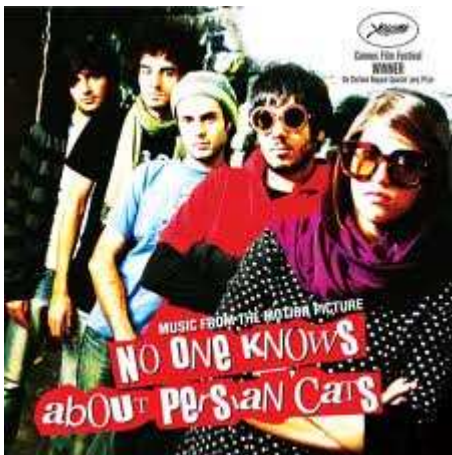
وی گفت: "من در کنار شوان پرور، خواننده کرد در اتوبوس نشسته بودم، نه به عنوان وزیر بلکه به عنوان یک شهروند عادی. من او را درک می‌کنم و احساس همدردی با او دارم. من به خاطر تمام سیاستهای نادرست که باعث شده تا این خواننده از کشورش دور بماند، عذرخواهی می‌کنم. او فرزند این سرزمین است. سیاستهای نادرست قبل باعث دور افتادن او از وطن شده است."

داوود اوغلو همچنین به راهپیمایی چند روز قبل طرفداران حزب حاکم "عدالت و توسعه" در "دیاربکر" اشاره کرد که در آن شوان پرور نیز شرکت داشت.

شوان پرور چندین دهه است که به خاطر خواندن یک آواز به زبان کردی در تبعید و در اروپا به سر برده است. حضور وی در این راهپیمایی اولین بازگشتش به وطن از سال ۱۹۷۶ میلادی محسوب می‌شود.

وزیر امور خارجه ترکیه در ادامه گفت: "رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه نیز شخصا از این خواننده کرد استقبال می‌کند."

دو نفر از اعضای گروه موسیقی "سگهای زرد"، به همراه یک هنرمند دیگر ایرانی در خانه خود در بروکلین نیویورک کشته شدند.



آرش فرازمند، ۲۸ ساله، نوازنده سازهای ضربی، سروش فرازمند، ۲۷ ساله، نوازنده گیتار و علی اسکندریان، آهنگساز، نوازنده و خواننده، توسط فردی به نام علی اکبر رفیعی کشته شده اند که گفته می‌شود پیشتر در یک گروه موسیقی راک به نام "فری کیز" فعالیت داشته است.

علی اکبر رفیعی نیمه شب دوشنبه به وقت محلی نیویورک به محل اقامت اعضای گروه موسیقی "سگهای زرد" در محله ویلیامزبرگ شرقی حمله می‌کند. به گفته پلیس، با یک مسلسل کالیبر ۳۰۸ به قربانیان شلیک شده است. قاتل با شلیک گلوله به سر و صورت برادران فرازمند و علی اسکندریان آنها را کشته و نفر چهارم، ساسان صادق پور اسکور را هم با شلیک دو گلوله از ناحیه دست

زخمی کرده است. جسد علی اکبر رفیعی در پشت بام این ساختمان پیدا شده است. به گفته مقامهای پلیس، او با شلیک گلوله به سرش خودکشی کرده است.

به گفته مقامات پلیس محلی، انگیزه قتل اختلاف مالی در یکی از این دو گروه راک، "فری کیز" یا "یلو داگز" بوده است. "سگهای زرد" از گروههای مطرح موسیقی راک زیرزمینی در تهران بود و با فیلم "کسی از گربه های ایرانی خبر ندارد"، ساخته بهمن قبادی به شهرت رسید. این گروه از سال ۲۰۰۶ در آمریکا در محله بروکلین نیویورک به کار هنری خود ادامه داد و در این مدت موسیقی آنها توجه منتقدان محلی نیویورک را به خود جلب کرده بود. "سگهای زرد" همچنین در جشنواره های مستقل موسیقی برنامه اجرا می‌کرد و شبکه خبری "سی ان ان" هم در مورد آنها و موسیقی زیرزمینی ایران گزارشی تهیه کرده بود.

نام علی اسکندریان نیز در دنیای موسیقی با پروژه "شکوه آزادی" پس از خیزشهای ۸۸ مطرح شد. اسکندریان در حمایت از جنبش اعتراضی مردم به همراه عده ای دیگر از هنرمندان ساکن آمریکای شمالی، آهنگ "شکوه آزادی" را منتشر کرد که با استقبال گسترده ای روبرو گردید.

تاتر

چهاردهمین جشنواره تیاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید (گوهر مراد) در پاریس

چهاردهمین جشنواره تیاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید (گوهر مراد) در پاریس "به یاد زنان و مردان آزادیخواه جهان و با هدف معرفی هنرمندان مهاجر یا تبعیدی، از ملیتهای مختلف" با حضور خانم "کلودین بویگ"، معاون شهردار پاریس در امور حقوق بشر، در دو بخش برگزار شد. برنامه های این جشنواره که از ۷ نوامبر سال جاری تا ۱۷ نوامبر ادامه داشت، شامل اجرای نمایشنامه، نمایش فیلم، کنسرت موسیقی و شعر خوانی بود.

نقاشی

تجارت با تابلوهای نقاشی رکورد می شکنند

یک تابلوی "فرانسیس بیکن"، نقاش معاصر ایرلندی - بریتانیایی در حراجی "کریستیز" در نیویورک رکورد شکست و به مبلغ ۱۴۲ میلیون دلار حراج شد. تا پیش از این گران قیمت ترین تابلو فروخته شده تابلوی "جیگ"، اثر "ادوارد مونک" بود که سال گذشته ۱۲۰ میلیون دلار فروش رفت.

کتاب

رونق دوباره کتاب کاغذی در بازار کتاب



با ورود کتابهای الکترونیکی به بازار، کارشناسان نشر پیش بینی کردند که به زودی کتابهای کاغذی روانه موزه ها می شوند، اما چند ناشر آلمانی با انتشار کتابهای نفیس و گرانبها، بازار کتاب چاپی را همچنان داغ نگه داشته اند.

"الکساندر زندر"، رییس نهاد غیرانتفاعی "هنر کتاب" در این رابطه می گوید: "در حال حاضر توجه به طرح و آرایش کتاب، بیشتر شده است. این گرایش - برخلاف انتظار - به ویژه در نسل جوان کتاب خوان دیده می شود." به گفته این کارشناس، بخشهای تزئین و آرایش کتاب "در حال حاضر بیش از پیش مورد توجه خوانندگان قرار می گیرد."

طنز

آنکه گفت آری و آنکه گفت یس



هادی خرسندی

- ولی خداییش الان بهترین وقت است که آقای مهاجرانی دوباره در باره فقدان نقطه خاکستری در زندگی اقتصادی آقای خامنه ای و علی الخصوص خاندانش یک فتوای جدید بدهد. اصلا این دفعه از آن دفعه واجب تر است. حتی ممکن است

واجب شرعی یا کفایی یا یکی از اینها باشد که من فرقتش را نمی دانم. خلاصه یک جوری بیاید این نود و پنج میلیارد ریال را ...

- دلار!

- گفتم که برای من فرقی نمی کند. یکجوری این نود و پنج میلیارد را رفع و رجوع کند. خیرش را ببیند. جای دوری نمی رود. خامنه ای هم آدم بی چشم و رویی نیست، پیش خودش نمی گذارد. خاندانش هم همینطور. آقامجتبی که حتما حالا التماس و دعا دارد. شاید الان آمده باشد لندن خدمت آقای مهاجرانی. البته پیش خودمان بماند، من خیلی نگرانم. یعنی می ترسم آقای مهاجرانی نود میلیاردش را ماله بکشد، اما توی پنج میلیارد آخرش بماند. یعنی خسته شود. خیلی پول است. من که هنوز مانده ام نود و پنج میلیارد ریال است یا دلار؟ به نظر من وزیر ارشاد اسبق باید به زور هم شده به وظیفه شرعی خودش عمل کند. علی الخصوص این پنج میلیارد آخر را باید صاف کند.

- یعنی دوباره برود به سالن دانشگاه لندن بنشیند بغلدست آقای فرخ نگهدار و همان...

- نه. به نظر من ایندفعه باید به انگلیسی بگوید. اصلا خوب است یک نامه انگلیسی به رویتر بنویسد، یک تعدادی رازهای زندگی آقای خامنه ای را فاش کند که باتری ساعتش را چند وقت به چند وقت عوض می کند و عمامه اش را چند دور، دور سرش می پیچد و سرانجام نات آنلی بلاک پوینت، ای.ون وان گری...

شعر

گیلان

شهریور همه جا لهجه ی رشتی
دارد
باران هاش بوی سفال می دهد
بادها عطر چای
روی حلب ها که بریزد
رادیو را خاموش می کنم
پنجره را باز
طاقچه ی خیس و دخترهای
همسایه
فرقی نمی کند
وقتی عاشق می شوم
هر کجا باشم : گیلان است
مهرداد عرفانی



برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

همراه با مردم کردستان و زندانیان سیاسی، علیه مجازات اعدام

زینت میرهاشمی



با استفاده از فراسوهای خبر روزهای یکشنبه ۵ و ۱۹ آبان

با روی کار آمدن حسن روحانی و محوری شدن مساله اتمی، ماشین کشتار ولایت فقیه فعالتر شده است. اعدام جمعی زندانیان سیاسی؛ اعدام زندانیان سیاسی کرد؛ بلوچ و اقلیتهای مذهبی، یورش و کشتار مجاهدان در کمپ اشرف و گروگان گیری ۷ تن از آنها، نشان از وضعیت بحرانی رژیم و ناتوانی مدیریت خامنه ای در حل بحران حکومتی است.

با برجسته شدن بحران اتمی و احتمال خوردن جام تلخ زهر توسط رهبر حکومت، حذف زندانیان سیاسی از طریق فشار، سرکوب، نرساندن امکانات دارویی و در نهایت اعدام دسته جمعی در دستور کار سران رژیم قرار گرفته است. زیرا به خوبی بر این امر واقفند که اگر رژیم بر مساله اتمی مجبور به عقب نشینی شود، بحرانهای گوناگون یکی پس از دیگری برجسته می شود.

خامنه ای به درستی در سخن پراکنیهایش به این موضوع اشاره کرده و گفته؛ اگر امروز غنی سازی حل شود فردا بهانه دیگری می گیرند. بعد از آن حقوق بشر مطرح می شود.

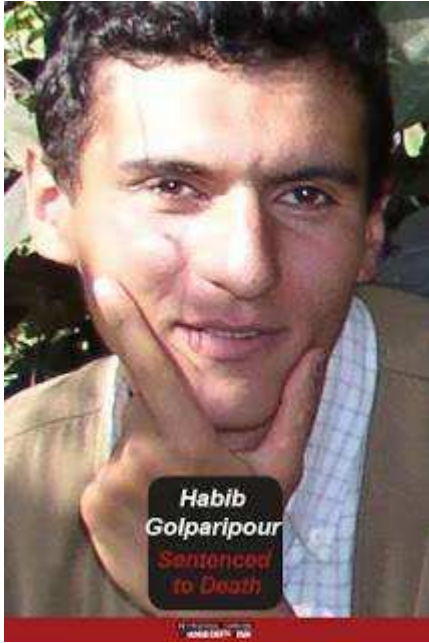
هدف رژیم از اعدامهای اخیر و فعال کردن چوبه های دار برای جلوگیری از همین امر است. این اعدامها نه از موضع قدرت رژیم بلکه دقیقا از موضع ضعف و زبونی و هراس از سقوط کشتی ورشکسته حکومت است. بر همین منظر تنها و تنها اعتراض همگانی، مردمی و در سطح گسترده با شعار «اعدام نه» می تواند ماشین کشتار رژیم را ضعیف کرده و از کار بیاندازد. دولت «اعتدال و امید» روحانی سنگری برای آمران و عاملان اعدام است. حرف روحانی در دروان تبلیغات انتخاباتی اش که گفت دوست ندارد کسی در زندان باشد با واقعیت سه ماه گذشته فاقد اعتبار و پیشیزی ارزش نداشته و ندارد.

همه باندهای رژیم در برابر اعدام و قتل عام شریک هستند. چه آنهایی که آمر و عامل آن هستند و چه آنهایی که برای حفظ نظام در برابر آن سکوت می کنند.

استفاده رژیم از فرصت برای کاهش بحران، یکی از سیاستهای دیرینه جمهوری اسلامی است. در شرایط فعلی که برخی از قدرتهای جهان تحت پوشش روضه خوانیهای لابیهای دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته و دلشان را به بهبود رابطه خوش کرده اند، اعدام زندانیان سیاسی به جریان افتاده است. پرونده نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی باید همچون پرونده اتمی به شورای امنیت برده شود. نباید این فرصت را به جمهوری اسلامی داد تا به بهانه بازار گرمی بر سر پرونده اتمی، کشتار زندانیان را تشدید کند.

روز شنبه ۴ آبان ۱۶ زندانی سیاسی طی یک اقدام جنایتکارانه در زندان مرکزی زاهدان به دار آویخته شدند. محمد مرزیه، بیدادستان جنایتکار زاهدان، اعدام این ۱۶ نفر را پاسخ به درگیری مسلحانه جمعه شب (۳ آبان) در منطقه مرزی سراوان اعلام کرد.

وی در گفت و گو با خبرگزاری حکومتی فارس با وقاحت گفت: «با توجه به هشدارهایی که از قبل به عوامل اشرف و گروهکهای معاند نظام داده بودیم مبنی بر این که اگر هر گونه اقدامی که سبب آسیب رسیدن به مردم بی گناه و عوامل



امنیتی و انتظامی صورت بگیرد اقدام مقابله به مثل می‌کنیم، صبح امروز در پاسخ به شهادت مرزبانان شهرستان سراوان، ۱۶ نفر از اشرار متصل به گروهکهای معاند نظام را اعدام کردیم».

در رویدادی دیگر در روز شنبه ۴ آبان، رضا اسماعیلی (مامدی) ۳۴ ساله، زندانی سیاسی کرد در سلماس که از سال ۸۸ تا کنون در زندان بوده و حبیب الله گلپری، زندانی سیاسی کرد در زندان مرکزی ارومیه اعدام شدند. حبیب الله گلپری در سال ۸۸ دستگیر و تاکنون زیر شکنجه و فشار بوده است.

حمله موشکی به کمپ لیبرتی در روز از اعلام ریاست جمهوری حسن روحانی، کشتار اعضای سازمان مجاهدین و قتل عام ۵۲ تن از ساکنان کمپ اشرف و گروگان گیری ۷ تن از آنان در ۱۰ شهریور (همزمان با بیست و پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی) تا اعدام ۱۸ زندانی در یک روز و ... واکنش رژیم برای

جلوگیری از قیام مردم در شرایط بحرانی است که می‌تواند شرایط زهر خوردن ولی فقیه باشد.

در آخرین گزارش احمد به تاریخ اول آبان آمده است: «۷۲۴ زندانی در فاصله ژانویه ۲۰۱۲ تا ژوئن ۲۰۱۳، در ایران اعدام شده‌اند». احمد شهید وضعیت حقوق بشر در ایران را نگران کننده دانسته و تاکید کرده که نشانی از بهبود وجود ندارد. این گزارش بر مذاق کارگزاران رژیم خوش نیامده و آن را «غیر منصفانه» خوانده‌اند.

در ماه گذشته شهرهای کردستان در ایران و عراق شاهد اعتراضات گسترده مردمی علیه اعدامهای اخیر در جمهوری اسلامی بود.

روز چهارشنبه ۱۵ آبان در شهرهای مریوان و سقز، اعتراضهای گسترده ای علیه اعدام زندانیان سیاسی صورت گرفت. علیرغم حضور نیروهای سرکوبگر رژیم و درگیری با تظاهرکنندگان، مردم شجاع کردستان به تظاهرات خود ادامه دادند.



در شهرهای کردستان عراق مانند شهرهای اربیل، کرکوک و سلیمانیه گردهمآئیهایی در اعتراض به اعدامهای سیاسی اخیر برپا شد.

تعدادی از فعالان سیاسی در مخالفت با مجازات اعدام در شهر سقز، با نصب آدمکهای اعدام شده بر فراز درختهای خیابان، تنفر خود را نسبت به مجازات اعدام نشان دادند.

ارگانهای مدافع حقوق بشر گرد و نهادهای مدنی روز پنجشنبه ۲۳ آبان را به عنوان عزای عمومی در کردستان اعلام کرده و از همه مردم و سازمانهای سیاسی و مدافع حقوق بشر خواسته‌اند که از این فراخوان اعلام حمایت نموده و با خانواده‌های زندانیان سیاسی اعدام شده کرد در کردستان ابراز همدردی کرده و بر سر مزار آنان حاضر شوند.

در مخالفت با مجازات اعدام و حمایت از اعتراض مردم کردستان برای توقف خشونت و اعدام همراه با فعالان حقوق بشر تلاش می‌کنیم.

ممانعت سیستماتیک نخست وزیری عراق برای انتقال بیماران لیبرتی به بیمارستان و دسترسی به خدمات پزشکی

افسر جنایتکار استخبارات، احمد خضیر، که دستورات خود را از نخست وزیری عراق دریافت می کند، همچنان به کارشکنی در انتقال بیماران به بیمارستان ادامه می دهد. وی روز یکشنبه ۲۶ آبان (۱۷ نوامبر) نیز از انتقال دو تن از ساکنان به بیمارستان جلوگیری کرد. این دو بیمار که از ناراحتی شدید چشم رنج می برند از ماهها قبل از پزشک متخصص قرار ویزیت گرفته بودند.

علاوه بر این احمد خضیر کارت شناسایی دو مترجم بیماران را نیز سوراخ و از دور خارج کرد تا از این پس نتوانند بیماران را همراهی کنند. بیماران و مترجمان بلافاصله به تیمهای مانیتورینگ یونامی که در آنجا حضور داشتند، مراجعه کرده و این برخورد ضد انسانی و غیر قانونی مأموران عراقی را با آنها در میان گذاشتند اما آنها اقدام مؤثری به عمل نیاوردند. در روز ۲۴ آبان نیز یکی از کسانی که در لیبرتی در اعتصاب غذا به سر می برد، دچار ناراحتی شدید قلبی شد و بنابه تشخیص پزشکان عراقی باید به سرعت به قسمت سی سی یو در بیمارستان بغداد منتقل می شد ولی نیروهای نخست وزیری وی را که در وضعیت اورژانسی به سر می برد، به مدت یک ساعت به بهانه های مختلف در سیطره در داخل آمبولانس نگه داشتند.

احمد خضیر همان جنایتکاری است که در حملات جنایتکارانه به اشرف شرکت داشته است. او از مدتی قبل از قتل عام ۱۰ شهریور در اشرف مستقر شده بود و برای این جنایت بزرگ علیه بشریت زمینه سازی می کرد.

مقاومت ایران با توجه به اینکه محاصره پزشکی اعمال شده بر اشرف و لیبرتی از سال ۲۰۰۹ به این سو از مصادیق برجسته جنایت علیه بشریت است و با توجه به تعهدات مکتوب و مکرر دولت آمریکا و ملل متحد در قبال امنیت و سلامت ساکنان لیبرتی، خواهان مداخله فوری برای پایان دادن به این محاصره ضد انسانی و دسترسی آزادانه همه ساکنان لیبرتی به خدمات پزشکی است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۷ آبان ۱۳۹۲ (۱۸ نوامبر ۲۰۱۳)

شهدای فدایی در آذر ماه

رفقای فدایی: همایون پریزاده - قرنی حسنی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشردوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیکچه همدانی - علیرضا بهاریپور - علی عبدالعلی زاده - محمدرضا شهنواز - غلامرضا کاروردیان چایچی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - زهرا آقانبی قلهکی - علیرضا شهاب رضوی - ماهرخ فیال - مینا رفیعی - محمدعلی پاپویار - مسعود صارمی - جلال دهقان - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - وحید پیروزنیا به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

گزارش احمد شهید آرمونی برای دولت روحانی

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۳ آبان

سازمان ملل از تداوم پایمالی حقوق بشر در ایران و استمرار نقض تعهدات بین المللی رژیم جمهوری اسلامی در مورد رعایت حقوق شهروندان خویش خبر داده است. این سازمان می گوید: "وضعیت حقوق بشر در ایران همچنان موجبی برای نگرانی است."

در گزارش ارایه شده توسط نماینده ویژه سازمان ملل به مجمع عمومی این نهاد تاکید گردیده که با وجود وعده های دولت جدید ایران به ریاست آقای حسن روحانی پیرامون بهبود وضعیت، "هیچ نشانه ای از بهبود وجود ندارد". آقای احمد شهید در نخستین گزارش خود در دوره ریاست جمهوری حجت الاسلام روحانی، حتی از به وخامت گراییدن شرایط در پاره ای موارد سخن می گوید.

افزوده بر محورهای تغییرناپذیر پایمالی حقوق مردم ایران همچون سرکوب اقلیتهای مذهبی و قومی، نقض آزادی بیان، رسانه ها و اجتماعات، پیگرد و آزار دگراندیشان، کوشندگان سیاسی و مدنی، روزنامه نگاران و تبعیض جنسیتی که گزارشگر ویژه بر آنها انگشت گذاشته، وی از گسترش دامنه تجاوز حکومت به حقوق و کرامت انسانی شهروندان ابراز نگرانی کرده است. آقای شهید در این رابطه به قانونی شدن سوواستفاده جنسی از کودکان که زیر عنوان "اجازه ازدواج سرپرست با فرزند خوانده" به تصویب مجلس مَلاها رسیده، اشاره می کند.

اگرچه بخش عمده گزارش مزبور دوره زمانی یکساله پیش از ریاست جمهوری آقای روحانی را در بر گرفته، با این حال این واقعیت مانع از آن نگردیده که نماینده دولت فعلی جمهوری اسلامی در سازمان ملل به دفاع از این کارنامه سیاه برنخیزد و به گونه رسوایی در صدد توجیه آن برنیاید. نمایندگی مزبور ادعا کرده است که دستگیری روزنامه نگاران یا وبلاگ نویسان ربطی به نقض آزادی بیان ندارد و همچنین موضوع اعدامهای گسترده، سنگسار و مثله کردن محکومین مساله ای فرهنگی است.

اما این هنوز تمام هنر دفاع از خود نمایندگی مزبور نیست. وی برای رد محکم و بی گفتگوی اتهام نقض حقوق پیروان بهاییت مدعی شده که آنها خود یکدیگر را "تفتیش عقاید" می کنند. میزان استحکام و جدی بودن دفاعیات یادشده را از این واقعیت می توان دریافت که حتی رسانه های رسمی جمهوری اسلامی نیز آن را فقط پس از حذف و قلم گرفتن نکات بلاهت آمیزش انتشار داده اند.

واکنش دولت جدید جمهوری اسلامی به این گزارش و قطعنامه ی درپی آن می تواند نوع نگاه و رویکرد آن به حقوق پایه ای مردم ایران را نیز روشن سازد. طرح جهانی مساله پایمالی حقوق بشر در ایران، فرصت مناسبی است که آقای روحانی پایبندی خود به وعده هایش به مردم ایران و تعهدات رژیم اش به جامعه بین المللی را در عمل ثابت کند.

در هر صورت، سنگر گیری دولت حجت الاسلام حسن روحانی در دفاع از کارنامه "افراطیها" و دولت دست نشانده آنان به ریاست آقای احمدی نژاد، نشانه خوبی از تمایز با آنها و خواست "بهبود شرایط" ارسال نمی کند.

خواست افزایش جمعیت از سوی خامنه ای نشانه بی مسوولیتی و خودکامی است

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۱ آبان

سخنان اخیر علی خامنه ای پیرامون لزوم افزایش جمعیت بار دیگر بر بی لیاقتی، بی مسوولیتی و درک بسیار نازل او از جامعه مهر تاکید زد و نشان داد میان تفکر او و رفتار جامعه دره عمیقی وجود دارد؛ جامعه ای که برعکس وی هوشیار، مدبر و مسوول است و نشان داده که برای هذیانهای او و رییس جمهور دست نشانده پیشین اش پیشیزی ارزش قایل نیست. مردم ایران با صلاحدید خود و بر اساس واقعیتهای زندگی، جمعیت خانواده شان را تنظیم کرده اند. خامنه ای روز پنجشنبه ۹ آبان در همایشی به نام "تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه" در قم مدعی شد که جمعیت ایران باید دو برابر شده و از صد و پنجاه میلیون هم بیشتر شود.

او با لودگی تمام به خانواده هایی که به خاطر نگرانی از شرایط معیشتی خود و آینده فرزندان شان حاضر نیستند "چهار یا پنج بچه روی دوش" داشته باشند، اعتراض می کند و می گوید: "فکر این را هم بکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند، چه کمکی می توانند به پیشرفت کشور بکنند" و بعد ابلهانه می پرسد: "چه چیزی باعث می شود که جامعه میل به فرزند کمتر داشته باشد؟"

لزومی نیست که پاسخی به حرفهای بی سر و ته وی داده شود. مردم ایران زیر بار مشکلات حتی برای تامین نیازهای اولیه یک خانواده کوچک کمر خم کرده اند. بی مسوولیتی و سیاستهای خانمانسوز همین فرد، بیکاری، گرانی و مشکل مسکن را نصیب آنها کرده است، اما او بدون داشتن هیچگونه ساز و کاری، فرمان افزایش جمعیت می دهد. علی خامنه ای با واقعیتهای زندگی مردم بیگانه است و گویی برای اثبات همین پرت افتادگی است که "اطفا غریزه جنسی" را برای تشکیل خانواده کافی می داند و حیرت زده سووال می کند: "مگر جوانان هفده ساله، هجده ساله، نوزده ساله احتیاج به اطفا نیاز جنسی و غریزه جنسی ندارند؟"

این در حالیکه این نوجوانان و جوانان آرزوی تحصیل و شغل مناسب بر دلشان مانده است؛ امری که برای کودکان کار خیابان خواب و کارتون خواب که فرزندان پدران و مادران بیکار و بی مسکن هستند؛ حتی به حد آرزو در دل هم نمی رسد.

اما خامنه ای چه هدفی را دنبال می کند که به طور موسمی خواهان ازدیاد جمعیت می شود، آنهم وقتی رژیم او اکثریت جمعیت موجود را به سیئه روزی نشانده است؟ بیش از هر چه او به فکر حفظ قدرت نظام و ادامه حکومت اش است. او مایل است مردم و به ویژه جوانان را چندان اسیر و درگیر زنجیرهای معاش روزانه کند که خود و حکومت فاسدش از نظرها گم شوند و نیروی اعتراضی قشر جوان در جدال روزمره و طاقت فرسا با تامین معاش و زندگی شرافتمندانه فرسایش یابد.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

ورشکستگی ولی فقیه از زبان خودیها

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۲ آبان

روز شنبه ۱۱ آبان، یک مقام امنیتی سپاه پاسداران با اشاره به انفعال حوزه های علمیه قم در اجرای اوامر ولی فقیه گفت: «متأسفانه باید اذعان کنیم نظام ولایت فقیه تنها و رابطه آن به عقبه تئوریک حوزه قطع است.»

نگاهی به سخن پراکنی حسن رحیم پورازغندی، در همایش ضد مردمی تغییرات جمعیتی، نشان دهنده هیچ گرفتن حرف خامنه ای است. ولی فقیه ضمن انتقاد به خود تا کنون چندین بار گفته است که ایران ظرفیت جمعیت ۱۷۰ میلیونی را دارد و خواهان افزایش جمعیت شده است. بر همین مبنا بسیاری از امکانات پزشکی که برای جلوگیری از بارداری به طور رایگان در اختیار روستاها و خانواده های فقیر بود حذف شده است. از آن جایی که حرف خامنه ای در بین مردم خریداری ندارد، حسن رحیم پورازغندی طلاب حوزه علمیه قم را به انتقاد گرفته چرا که آنها در پیام رسانی به مردم و در تبلیغ سیاست خامنه ای کوتاهی کرده اند. از مجموع سخنرانی او در زمینه سیاست جمعیتی می توان گفت که حتا اعضای حوزه علمیه قم همراه با فتوای خامنه ای نیستند و به گفته این مقام امنیتی سپاه، بر تئوری ولایت سوار نیستند.

وی به حوزه علمیه انتقاد می کند که چرا «چند کرسی در باره سیاست جمعیتی» بر پا نکرده و می گوید: «حوزه علمیه قم یک حوزه منفعل است و قدرت و ظرفیت نظام سازی ندارد...مشهد و اصفهان نیز چنین است و نجف که به طریق اولی ندارد». این مقام امنیتی آن قدر اوضاع دین و حوزه را بحرانی می بیند که آن را با «دوران قبل از انقلاب» یکی دانسته است.

این کارگزار رژیم در حالی که وظیفه حوزه را «نظام سازی» و حل مسائل دانسته، معتقد است که حوزه «حل المسائل» ندارد.

حرفهای وی تأکیدی بر این امر است که اتوریته خامنه ای برای اعمال قدرت بر عقبه خود از طریق راهکارهای دینی کاملاً در هم شکسته شده و ایادی ولی فقیه برای به کرسی نشاندن حرفهای ولی فقیه مجبور به راه حلهای سرکوبگرانه هستند.

سرنوشت قطار بی دنده و ترمز هسته ای در تصادم با تحریمها

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۸ آبان

هیچیک از گزافه گوییها و لاف زندهای جمهوری اسلامی که میلیاردها دلار از ثروت مردم ایران هزینه آن گردید، در مذاکرات ژنو به پیشیزی خریدار نشد. صحنه برای نشان دادن جدیت شش کشور و پابرجایی قطعنامه های شورای امنیت از پیش آماده شده بود.

در آمریکا بحث بر سر تحریمهای بیشتر بین کنگره، سنا و رییس جمهور، علامتهای هشدار آمیزی می فرستاد. سپس، اعلام گردید ویندی شرمین، معاون وزیر امور خارجه آمریکا که تیم مذاکره کننده آمریکا را هدایت می کند، در حال تماس همزمان با مقامات اسراییل و کشورهای خلیج فارس است. از سوی دیگر کاخ سفید اعلام کرد حاضر است بدون تغییر در ساختار اساسی تحریمها، فرصتی "محدود و قابل برگشت" به جمهوری اسلامی بدهد. آمریکا توضیح داد که هدف از این پیشنهاد همچنین جلوگیری از تلاش جمهوری اسلامی در جهت ادامه وضعیت موجود به بهانه مذاکرات است.

و آنگاه، برای محکم کاری، در دومین روز نشست ژنو، جان کری، لوران فابیوس، ویلیام هیگ و گیدو وستروله وزیران خارجه آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان نیز برای پیوستن به مذاکرات عازم سویس شدند.

در باره موضوع مذاکرات ویندی شرمین تاکید کرد که به عنوان بخشی از چارچوب گام اول، شش قدرت خواهان تعلیق فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی برای ایجاد زمان جهت رسیدن به یک توافق جامع هستند. این مرحله باید شامل روشن شدن میزان و وسعت غنی سازی اورانیوم ایران، ذخایر موجود و ظرفیت تاسیسات هسته ای که شامل تعداد سانتریفیوژهای نصب شده و قابل نصب است و همچنین نظارت بین المللی بشود. اینها پیش شرطهایی است که مانع استفاده جمهوری اسلامی از مذاکرات به عنوان پوششی برای پیشبرد برنامه اتمی خود می شود و اجازه نمی دهد ضمن مذاکرات برای فعالیت اتمی خود زمان و فضا ایجاد کند.

بنابراین، توافقات دو جانبه ای که آقای ظریف از آن سخن می گوید - گذشته از توافق بر سر درخواست رژیم برای مخفی نگاه داشتن جزئیات مذاکرات - همان بازگشت به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل است که پس از سالها ضرر و زیانهای کلان اکنون رژیم باید بدان گردن بنهد.

کوتاه فکری جمهوری اسلامی و خیال خام اینکه با حرافی و کوبیدن سر به دیوار می تواند به اهداف ویرانگرانه خود برسد، ضررهای جبران ناپذیری به کشور و مردم زده است. با این حال ما از دست برداشتن از این سیاست مخرب به هر دلیلی و در هر مرحله ای استقبال می کنیم. صرف هزینه های کلان برای این اهداف شوم هرگز به نفع مردم ایران نبوده و نیست. هدر دادن صدها میلیارد دلار ثروت کشور و به سیه روزی نشانیدن اکثریت جامعه هزینه ای است که رژیم جمهوری اسلامی صرف قدرت طلبی و خود کامگی کرده است. این جرمی است که به خاطر آن گردانندگان رژیم باید پاسخگوی مردم ایران باشند.

تدوین منشور حقوق شهروندی به دست جلادان

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۲۷ آبان

یکی از وعده های انتخاباتی حسن روحانی «تدوین منشور حقوق شهروندی» بود. این که حسن روحانی در تمامی دوران سیاه دیکتاتوری ولایت فقیه در امور امنیتی مشارکت داشته بر کسی پوشیده نیست. در حکومتی که شهروندان در برابر قانون برابر نیستند و هر کس وارد دنیای سیاست برای تغییر وضع موجود شود سرنوشتش با چوبه دار و تخت شکنجه رقم می خورد، ادعای رعایت حقوق شهروندی از جانب حکومت فریبکاری مطلق است.

اولیه ترین حق شهروندی آزادی بیان، عقیده، پوشش و انتخاب مذهب است. اینها مواردی هستند که نقض آنها توسط قوانین جمهوری اسلامی نهادینه شده است.

رئیس دولت ولایت فقیه می خواهد برای حقوقی «منشور» تدوین کند که به طور روزمره نقض می شود. اگر روحانی دغدغه حقوق شهروندی را داشت در گام اول تلاش می کرد تا همه زندانیان سیاسی آزاد شوند. با وجود زندانیان سیاسی سخن گفتن از رعایت حقوق شهروندی فقط و فقط یک ادعای تبهکارانه است. حسن روحانی حتی در آزاد کردن زندانیان سیاسی «خودی» هم موفق نبوده است.

معاون حقوقی روحانی روز یکشنبه ۲۶ آبان از تهیه «سند جامع حقوق شهروندی» خبر داد. قرار است روحانی این سند را در گزارش ۱۰۰ روزه خود ارائه دهد.

معاون روحانی در تشریح هدف منشور فوق گفت: «آنچه در ریاست جمهوری هدف ما است این است که مردم از حقوق خود مطلع شوند، چون هنوز نظامی نداریم که با زبان شفاف و رسا مردم را از حقوق خود مطلع کند.»

شمار اعدامهای زندانیان سیاسی و تشدید خشونت به ویژه بر زندانیان سیاسی کرد، بلوچ و عرب و محروم نمودن زندانیان از امکانات درمانی و وادار کردن آنها به مرگ تدریجی، فشار بر خانواده های زندانیان، قتل عام و اعدام جمعی ساکنان کمپ اشرف همراه با گسترش فقر، بیکاری و بی خانمانی و ... از موارد نقض حقوق بشر شهروندان ایران است که در دوران حسن روحانی به شدت افزایش یافته و در سرلوحه کارنامه ۱۰۰ روزه روحانی ثبت خواهد شد.

کسانی که برای تغییر وضع موجود، هرچند جزیی، به «تدبیر و امید» روحانی دل خوش کرده اند و در برابر موج اعدامها سکوت می کنند، شریک جرم و جنایت هستند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُنن - آلمان،
 - ۲-چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمیای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه
 قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار
 برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 341 22 nova. 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros
 Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
 Executive Editor: Zinat Mirhashemi
 Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE
 NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A
 NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA
www.iran-nabard.com E.Mail: nabard@iran-nabard.com
 Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
 در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،
 دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com
www.radiopishgam.com
www.fadaian.org